



معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره پاسخگویی به سوالات دینی

احکام دین و قرض

دوره آموزشی کارشناسان پاسخگویی به سوالات شرعی

گروه علمی احکام اداره پاسخگویی به سوالات دینی
(سال ۱۳۹۸)

در این نسخه تنها نظر چهار تن از فقها آمده است و مطالب کم کاربردتر نیز حذف شده است؛
نسخه کامل موجود است.

((غیر قابل انتشار))

فهرست.....	۲
لغات و اصطلاحات.....	۹
دین (بدهکاری).....	۱۰
تعریف دین و اسباب ایجاد آن.....	۱۰
بررسی برخی از مصادیق دین.....	۱۱
اقسام دین: حال و مؤجل.....	۱۱
الف. دین حال و احکام آن.....	۱۱
حق مطالبه طلبکار در دین حال.....	۱۱
وظیفه بدهکار در پرداخت دین.....	۱۲
وظیفه طلبکار در قبول دین حال.....	۱۲
ممکن نبودن پرداخت دین حال.....	۱۲
۱: خودداری طلبکار از پذیرش دین حال.....	۱۲
۲. غایب بودن طلبکار و ناممکن بودن رساندن بدهی به او.....	۱۳
۳. دسترسی نداشتن به طلبکار و ناامیدی از پیدا کردن او.....	۱۳
برائت ذمه بدهکار با پرداخت بدهی طلبکار به دیگری.....	۱۴
تکلیف ورثه در پرداخت بدهی های میت.....	۱۴
ب. دین مؤجل.....	۱۵
نحوه تعیین سررسید در دین مؤجل.....	۱۵
مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن.....	۱۵
ادای دین مؤجل تبرعاً قبل از سررسید.....	۱۶
بررسی صورت های حال شدن دیون مؤجل.....	۱۶
۱. مرگ بدهکار.....	۱۶
استفتایی از امام خامنه ای.....	۱۶
۲. مرگ طلبکار.....	۱۷
جلوانداختن مدت بدهی یا افزایش مدت آن.....	۱۸
جلوانداختن بدهی مدت دار در مقابل کاهش مبلغ آن.....	۱۸
مدت دار کردن دین یا افزایش دادن مدت آن با افزایش بدهی.....	۱۸
بررسی راهکار مدت دار کردن دین حال در مقابل افزودن بر بدهی.....	۱۸

۱. فسخ معامله قبلی و انجام معامله نسبه جدید ۱۸
۲. گرفتن زیادی مدنظر در ضمن عقد جدید ۱۹
۳. تأخیر انداختن دوستانه مدت بدهی ۱۹
- تقسیم طلب چند طلبکار از چند بدهکار (تقسیم دین) ۲۰
- طلب دو طلبکار از یک بدهکار و استیفای یکی از آن دو به صورت مجزا ۲۰
- پرداخت دین و دریافت آن ۲۱**
- ادای دین دیگری تبرعاً و بدون توقع ۲۱
- الف. جواز این کار با رضایت یا منع بدهکار ۲۱
- ب. لزوم قبول کردن طلبکار ۲۱
- مطالبه عوض توسط کسی که تبرعاً بدهی را پرداخته است ۲۱
- پرداخت بدهی تحت عنوان هدیه و ۲۲
- احکام تراحم بین بدهکاری‌ها؛ تعدد بدهی و ناتوانی از ادای همه ۲۲
- الف. تراحم دیون فرد زنده ۲۲
۱. اگر عین مالی که خمس یا زکات آن واجب شده است، از بین نرفته باشد ۲۲
۲. اگر عین مالی که خمس یا زکات آن واجب شده است، از بین رفته باشد ۲۳
- ب. تراحم دیون میت ۲۳
- بخشیدن دین و طلب؛ ابراء ذمه بدهکار یا هبه دین ۲۴
- تعریف ابراء ۲۴
- بررسی قیدهای مطرح شده در صحت ابراء ۲۴
- نحوه پرداخت بدهکاری به بخش‌های دولتی ۲۶
- ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی ۲۶
- داشتن قصد ادای دین در صورت ناتوانی از پرداخت آن ۲۶
- مستثنیات دین و حکم فروش آن‌ها برای پرداخت بدهی ۲۷
- ودیعه مسکن (رهن خانه) ۲۷
- سرمایه ضروری ۲۸
- حکم مستثنیات دین قبل و بعد از حکم به افلاس ۲۸
- بیشتر بودن مستثنیات دین از نیاز یا شأن بدهکار ۲۸
- مردن بدهکار و فروش مستثنیات دین ۲۹
- رضایت بدهکار به فروش مستثنیات دین ۲۹
- فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن‌ها ۲۹
- فروش غیرمستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آن‌ها ۳۰
- الف. فروش آن‌ها اتلاف مال حساب نشود ۳۰

- ب. فروش آن‌ها اتلاف مال حساب شود..... ۳۰
- کسب و کار و تلاش برای پرداخت بدهی..... ۳۰
۱. پرداخت بدهی به غیر تکسب ممکن باشد..... ۳۰
۲. تنها راه ادای دین تکسب باشد..... ۳۱
- حکم مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی..... ۳۱
- استفتایی از امام خامنه‌ای..... ۳۲
- گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، با شرط کردنش در ضمن عقد..... ۳۲
- جریمه بدهکار توسط دادگاه و ضمانت طلبکار..... ۳۳
- بیع دین (فروش بدهی)..... ۳۳
- فروش نقدی دین: فروش نقدی چک و..... ۳۳
- الف. فروش دین صوری: اسکونت، چک دوستانه و..... ۳۳
- ب. فروش دین حقیقی به کمتر به فرد ثالث به صورت نقد..... ۳۳
- بیع دین به دین..... ۳۴
- قرض (وام)..... ۳۵
- تعریف قرض..... ۳۵
- حکم قرض دادن و قرض گرفتن..... ۳۵
- حکم قرض دادن..... ۳۵
- قرض گرفتن..... ۳۶
- قرض گرفتن بدون نیاز یا با احتیاج اندک..... ۳۶
- قرض کردن در صورت نیاز برای کاری ضروری..... ۳۶
- قرض گرفتن کسی که توانایی ادای آن را ندارد..... ۳۶
- شروط لازم در قرض..... ۳۷
- شروط لازم در قرض دهنده و قرض گیرنده..... ۳۷
- قرض گرفتن از برخی غیرمسلمانان..... ۳۸
- قرض گرفتن از شخصی که با منت قرض می‌دهد..... ۳۸
- خصوصیات مالی که قرض داده می‌شود..... ۳۸
۱. عین بودن (قرض دادن منفعت و دین)..... ۳۸
۲. مملوک بودن؛ قابلیت مالک شدن مال توسط مسلمان..... ۳۹
۳. مشخص بودن (قرض دادن چیز کلی)..... ۳۹
۴. امکان ضبط اوصاف و خصوصیات آن..... ۳۹

.....	۳۹	۵. معلوم بودن مقدار مال
.....	۴۰	۶. مبهم نبودن مال
.....	۴۰	قرض گرفتن از کسی که حساب خمس ندارد
.....	۴۰	۱. مالی که در تعلق خمس به آن شک داریم
.....	۴۰	۲. مالی که یقین داریم خمس به آن تعلق گرفته و خمسش پرداخت نشده
.....	۴۱	۳. مالی که یقین به تعلق خمس و شک در پرداخت آن داریم
.....	۴۱	خواندن صیغه؛ حکم معاطات در قرض
.....	۴۱	شرط بودن قبض و اقباض در صحت قرض
.....	۴۱	شرط بودن تصرف در صحت قرض
.....	۴۲	باقی بودن عین مال قرضی و مطالبه قرض دهنده
.....	۴۲	فسخ عقد قرض؛ لازم بودن عقد قرض
.....	۴۲	نحوه مطالبه و پرداخت نوع کالا در قرض مثلی و قیمی
.....	۴۳	۲. پرداخت قیمت یا جنس دیگری در مثلیات
.....	۴۳	ب. در قیمی ها
.....	۴۳	۱. کفایت پرداخت قیمت در قیمی ها
.....	۴۳	۲. معیار در قیمت
.....	۴۴	تهاتر قهری در پرداخت دیون
.....	۴۴	پرداخت مال حرام برای ادای دین
.....	۴۴	حکم ربادادن و رباگرفتن
.....	۴۴	حکم ربا درباره اشخاص و عناوین
.....	۴۵	معیار در شروط جایز و حرام در قرض
.....	۴۵	شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض
.....	۴۶	شروط غیرجایز و ربوی در قرض
.....	۴۶	اقسام زیاده ربوی در قرض؛ شروط غیرمجاز در قرض
.....	۴۶	الف. زیادی عینی
.....	۴۶	ب. زیادی عملی
.....	۴۷	ج. زیادی صفتی؛ تحویل جنس نوتر یا مرغوب تر و
.....	۴۷	د. زیادی انتفاع یا منفعت
.....	۴۸	ه. زیادی حکمی
.....	۴۸	۱. قرض به شرط قرض

- تکلیف کسی که پول را به شرط وام در بانک گذاشته است ۴۸
۲. قرض به شرط انسداد حساب ۴۸
- بررسی جواز یا عدم جواز برخی از شروط در قرض ۴۹
۱. شرط ضامن، رهن، کفالت یا چک و سفته ۴۹
۲. شرط زمانی ۴۹
۳. شرط مکانی ۴۹
۴. شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی ها ۵۰
۵. شرط تخصیص قرض به افراد خاص ۵۰
۶. شرط مصرف قرض در کار معینی ۵۰
- مصرف نکردن قرض در کار شرط شده ۵۰
۷. شرط هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد ۵۱
۸. شرط انجام واجبات یا ترک محرمات بر قرض گیرنده ۵۱
۹. قرض به شرط بازکردن حساب و عضویت ۵۱
۱۰. مستثنیات ربا ۵۲
۱. ۱۰. ربا بین پدر و فرزند ۵۲
۲. ۱۰. ربا بین پدر بزرگ و نوه ۵۲
۳. ۱۰. ربا بین زن و شوهر ۵۲
۴. ۱۰. ربا بین زن و شوهر در ازدواج موقت ۵۳
- باقی ماندن ربای قرضی بین زن و شوهر بعد از طلاق ۵۳
۵. ۱۰. ربا گرفتن مسلمان از کافر و نه عکس آن ۵۳
۱. ۵. ۱۰. کفاری که در پناه اسلام نیستند؛ کفار غیر ذمی ۵۳
۲. ۵. ۱۰. کفاری که در پناه اسلام هستند؛ کفار ذمی ۵۳
۳. ۵. ۱۰. ربا گرفتن از بانک های غیر اسلامی ۵۴
۴. ۵. ۱۰. ریادادن مسلمان به کافر یا بانک های کشورهای غیر اسلامی ۵۴
۶. ۱۰. یکسان بودن مستثنیات ربای معاملی و قرضی ۵۴
۷. ۱۰. تکلیفی یا وضعی بودن مستثنیات ربا ۵۵
۱۱. شرط کردن تخفیف یا زیادی به نفع قرض گیرنده ۵۵
۱۲. شرط کردن زیادی به نفع شخص ثالث ۵۵
۱۳. جوایز بانک ها و مؤسسه های مالی اعتباری و صندوق ها ۵۶
- ربای قرضی در غیر مکیل و موزون ۵۶
- پرداخت زیادی در قرض بدون شرط ۵۷
- قرض دادن بدون شرط زیادی، ولی با انگیزه استفاده و منفعت ۵۷
- حکم گرفتن قرض ربوی در صورت اضطرار ۵۷

ارث‌بردن مالی که در آن ربا باشد.....	۵۸
حکم اصل قرضی که در آن شرط زیادی ربوی شده	۵۸
مطالبه زیادی پرداخت شده	۵۹
حکم زیادی که در قرض ربوی گرفته شده.....	۵۹
حکم چیزی که با مال به‌دست‌آمده از ربا خریده شود.....	۵۹
ب. چیزی که به ذمه خریده شود و بهای آن از مال ربوی داده شود.....	۶۰
حکم کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است	۶۰
حکم مشارکت در پرداخت قرض ربوی با کارکردن در بانک‌ها و.....	۶۱
معیار در قبول و رد راهکارهای فرار از ربای قرضی	۶۱
معنای فرار از ربا.....	۶۲
بررسی راه‌های مطرح‌شده برای خلاصی از ربا در قرض.....	۶۳
۱. قرارداد بیع شرط؛ بیع الخيار.....	۶۳
۲. اجاره به‌شرط تملیک.....	۶۳
۳. بیع عینّه؛ شرط فروش جنس به خود فروشنده.....	۶۴
۵. گرفتن کارمزد در قرض.....	۶۵
اضافه‌آمدن مقداری از کارمزد.....	۶۶
راهکارهای شرعی اخذ کارمزد یا گرفتن قرضی که کارمزد دارد.....	۶۶
۶. دیرکرد، وجه التزام، جریمه تأخیر و خسارت تأخیر تأدیه.....	۶۷
تفاوت بین این عناوین.....	۶۷
حکم شرعی دیرکرد، وجه التزام و خسارت تأخیر دین.....	۶۷
اخذ دیرکرد یا خسارت تأخیر از کفار.....	۶۸
راهکار اخذ وامی که شرط دیرکرد دارد.....	۶۹
۷. قرض به‌شرط تخفیف در بیع و اجاره و... و عکس آن	۶۹
۱. ۷. قرض‌دادن به‌شرط تخفیف در بیع، اجاره، صلح یا هبه.....	۶۹
۲. ۷. بیع، هبه، اجاره و صلح به‌شرط قرض‌دادن.....	۷۰
۱. ۲. ۷. شرط قرض در ضمن بیع.....	۷۰
نسیه‌بودن یا غیرمتعارف‌بودن بیعی که در ضمنش شرط قرض شده	۷۰
۲. ۲. ۷. شرط قرض در ضمن اجاره.....	۷۰
۳. ۲. ۷. شرط قرض در ضمن صلح.....	۷۱
۴. ۲. ۷. شرط قرض در ضمن هبه؛ هبه مشروط به قرض.....	۷۱
۸. فروش اسکناس نقد به‌مبلغ بیشتر به‌صورت نسیه.....	۷۲
الف. فروش اسکناس‌های هم‌جنس به مبلغ بیشتر به‌صورت نسیه.....	۷۲

- ب. فروش اسکناس‌های غیرهم‌جنس به مبلغ بیشتر به صورت نسیه. ۷۲.....
۹. محاسبه تورم و کاهش ارزش پول..... ۷۳
- شرط جبران کاهش ارزش پول، در ضمن عقد..... ۷۴
۱۰. قرض به شرط رهن و اجرت نگهداری رهن..... ۷۴
۱۲. قرض گرفتن به شرط رهن دادن ملک و اجاره مجدد آن..... ۷۵
۱۳. نپذیرفتن شرط زیاده یا سایر شروط ربوی، به طور جدی در قرض..... ۷۵
۱۴. فروختن مبلغی با ضمیمه چیزی به بیشتر به صورت نسیه..... ۷۶
- متفرقه..... ۷۸
۱. صندوق‌های قرض الحسنه خانوادگی..... ۷۸
- الف. حکم صندوق‌های دوستانه و خانوادگی..... ۷۸
- ب. حکم قرض مشروط در صندوق‌های خانوادگی..... ۷۸
- ج. اختصاص وام اول به مسئول صندوق..... ۷۹
- د. شرط قرعه کشی و تخلف از آن..... ۸۰
۲. شک یا اختلاف در میزان بدهکاری..... ۸۰
۳. بررسی تشخیص مدیون در چند صورت..... ۸۰
- الف. نقدنشدن چکی که چند دست جابه‌جا شده..... ۸۰
- ب. ضمان در مقبوض بالسوم..... ۸۱
- ج. تلف قبل از قبض..... ۸۱
- د. ضمان در شیء تلف شده به دست بچه نابالغ..... ۸۲
۴. حکم جست‌وجو از طلبکار و هزینه‌های آن..... ۸۲
۵. مسافرت مدیون..... ۸۳
۶. شکستن نماز واجب به اختیار برای پرداخت بدهی طلبکار..... ۸۳
۷. پرداخت بدهی افراد فاجر، ضدانقلاب و..... ۸۳

لغات و اصطلاحات

لغات و اصطلاحاتی را که به مناسبت، در متن همین نوشته به تفصیل از آن‌ها سخن گفته می‌شود، در این بخش بیان نکرده‌ایم.

دَین: بدهکاری و دین عبارت است از مالی کلی که به هر علتی برای کسی در ذمه دیگری ثابت شده است. به همه حقوقی که بر ذمه افراد است، می‌توان دین اطلاق کرد؛ ولی موضوع سخن فقها در باب دین، دیون مالی است.^۱

دائن، مدیون، مدین و غریم: ^۲ به طلبکار «دائن» و ^۳ به بدهکار «مدیون» و «مدین» و به هر دو «غریم» می‌گویند.

قرض: قرض عبارت است از تملیک مال به دیگری در برابر ضمانت‌دادن قرض‌گیرنده برای پرداخت مثل یا قیمت مال. این تملیک سبب اشتغال ذمه قرض‌گیرنده می‌شود.

مُقَرَض، مقترض و مستقرض: به قرض‌دهنده «مقرض» و به قرض‌گیرنده «مقترض» و «مستقرض» گفته می‌شود.

ارتباط دین و قرض: رابطه قرض و دین رابطه سبب و مسببی است؛ یعنی قرض سبب دین است، گرچه دین اسباب دیگری مانند اسباب اختیاری و قهری دارد و در نتیجه دین اعم از قرض است.

ربای قرضی، معاملی و جاهلی: «ربای قرضی» مقدار اضافه بر مبلغ قرض است که شرط می‌شود قرض‌گیرنده به سبب قرضی که می‌گیرد، به قرض‌دهنده بدهد. «ربای معاملی» عبارت است از فروش کالای مکمل یا موزون در برابر کالای هم‌جنس آن به مقدار زیادت. «ربای جاهلیت» یا «ربای جاهلی» عبارت است از افزودن در حق (دین) در ازای افزودن طرف دیگر به موعد ادای آن.^۴

حواله: «حواله» در لغت به معنای تغییر یافتن، جابه‌جاشدن، دگرگونی و برگشتن از جایی به جایی است و در اصطلاح، به عقدی گفته می‌شود که موجب انتقال دین و بدهی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالث می‌شود. در

۱. الدَّيْن: واحد الديون، معروف. و كلُّ شيء غير حاضر دَيْن، و الجمع اَدْيُن مثل اَعْيُن و دِيُون (محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۶۷).

۲. غَرِمَ يَغْرِمُ غَرْمًا و غَرَامَةً و اَغْرَمَهُ و غَرَمَهُ. و الغُرْم: الدَّيْن. و رَجُلٌ غَارِمٌ: عليه دَيْن. الغَرَامَةُ ما يلزم اَدَاوَهُ، و كذلك المَغْرَمُ و الغُرْمُ. الغَرِيم الذي له الدَّيْن و الذي عليه الدين جميعاً و الجمع غُرَمَاء (محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۳۶): دَنْتُ الرجلَ: اَقْرَضْتُهُ فهو مَدِينٌ و مَدْيُونٌ... و قيل: دَنْتُهُ اَقْرَضْتُهُ، و اَدَنْتُهُ اسْتَقْرَضْتُهُ مِنْهُ. و دانَ هو: اَخَذَ الدَّيْنَ. و رجل دائنٌ و مَدِينٌ و مَدْيُونٌ، الاخيرَةُ تميمية (محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۶۷) و اَدَان و هو مُدَانٌ: اَي مُسْتَدِينٌ. و دَائِنٌ: عليه دَيْنٌ، و قد يُقالُ لِلَّذِي يُعْطَى الدَّيْنُ: دَائِنٌ (المحيط في اللغة، ج ۹، ص ۳۵۹).

۳. درباره معنای دائن در کتاب الصحاح آمده است: «و دَانَ فُلَانٌ يَدِينُ دَيْنًا: اسْتَقْرَضَ و صارَ عَلَيْهِ دَيْنٌ، فهو دَائِنٌ» (اسماعيل بن حماد جوهري، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۵، ص ۲۱۱۷).

۴. ربا الجاهليُّ كان يزيده في الحق ليزيده في الأجل فان قبض المال لم يصح قبضه؛ لأنه إنما دفعه بشرط أن يبرئ من مال الكتابة (محمد بن حسن طوسي، المبسوط، ج ۶، ص ۱۲۱).

حواله بدهکار را «مُحیل»، طلبکار را «مُحتال» یا «مُحال»، شخص ثالث را که طلبکار به او حواله داده می‌شود، «مُحالُ علیه» و دینی را که حواله داده می‌شود، «مُحالُ به» می‌نامند.^۱

بیع مُحابات: بیع مُحابات یعنی فروش کالا به کمتر از بهای متعارف (ثمن‌المثل) یا خرید آن به بیشتر از قیمت متعارف. «مُحابات» از «حبوه» به معنای هدیه و بخشش گرفته شده است. از آنجا که اقدام هریک از فروشنده و خریدار به فروش و خرید کالا به قیمتی افزون‌تر یا کمتر از قیمت بازار، نوعی بخشش و هدیه به طرف دیگر به شمار می‌رود، به این نوع دادوستد، بیع مُحابات اطلاق شده است. در واقع چنین معامله‌ای، هم بیع است و هم هبه. از این عنوان در باب‌های قرض، حجر، شرکت، وصیت و شفعه به مناسبت سخن رفته است.^۲

مثلی و قیمی^۳

تعیین مثلی و قیمی موکول به عرف است. ظاهر این است که چیزهایی که با وسایل ماشینی در این زمان ساخته می‌شود، «مثلی» یا در حکم آن است؛ همان طور که حبوبات و روغن‌ها و داروها و مانند این‌ها مثلی است و انواع حیوان‌ها و همچنین جواهر و مانند این‌ها قیمی هستند. (حضرت امام)

مثلی به چیزی می‌گویند که مثل و مانند آن از جهت خصوصیتی که در جلب تقاضا تأثیر دارد، فراوان است و چیزی که این گونه نباشد، قیمی است؛ پس حبوبات مثل گندم، جو، برنج، ذرت، ماش و عدس مثلی است و ابزار و ظرف‌ها و پارچه‌ها و دواها که با وسایل ماشینی در این زمان ساخته می‌شود و جواهرات اصلی چون یاقوت و زمرد و اکثر انواع حیوانات، مانند اسب و گوسفند و گاو، قیمی هستند. (آیت‌الله العظمی سیستانی)

ملاک مثلی آن است که همانند آن به راحتی و وفور پیدا شود و غیر آن، قیمی است. پول و گندم و جو و امثال آن مثلی است و انواع حیوانات قیمی هستند. (آیت‌الله العظمی مکارم)

دین (بدهکاری)

تعریف دین و اسباب ایجاد آن

دین چیست و اسباب ایجاد آن چه اموری است؟^۴

بدهکاری یا دین عبارت است از مال کلی که به هر علتی برای کسی در ذمه دیگری ثابت شده است. در اسباب اشتغال ذمه به دین، فرقی نیست؛ بنابراین علت بدهکاری ممکن است قرض گرفتن باشد یا معامله نسیه یا معامله سلف یا اجاره یا مهریه یا اتلاف مال یا امور دیگر نظیر این‌ها باشد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱، کتاب الحواله و الکفاله.

۲. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت؟ عهده، ج ۲، ص ۱۹۴.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الغصب، م ۲۳؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، خرید و فروش، مثلی یا قیمی بودن پول و رد مظالم، معیار محاسبه رد مظالم؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۶۱، م ۸۲۶ و ص ۳۱، م ۷۹۶.

۴. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله؛ کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، قبل از م ۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۱؛ کتاب الدین و القرض، قبل از م ۹۸۳.

بررسی برخی از مصادیق دین

آیا مصادیق زیر از لحاظ شرعی دین است و احکام باب دین بر آن‌ها بار می‌شود یا عنوان دیگری دارد؟: جرایم راهنمایی‌وراندگی و شهرداری‌ها، کفارات، خمس، زکات مال و زکات فطره، نذر و رد مظالم.^۱ جریمه راندگی یا شهرداری نوعی تعزیر است و باید مطابق قوانین و مقررات حکومت اسلامی پرداخت شود؛ اما خمس، زکات و... دیون شرعی و تکالیفی است که مسلمانان به انجام‌دادن آن‌ها مکلف هستند. (آیت‌الله العظمی مکارم)

اقسام دین: حال و مؤجل
اقسام دین و احکام مربوط به آن را بیان کنید؟
دین به دو نوع حال (بدون مدت) و مؤجل (مدت‌دار) تقسیم می‌شود^۲ و هریک احکامی دارد که از این قرار است:

الف. دین حال و احکام آن

دین حال به چه معناست؟^۳
دین حال دینی است که برای بازپرداخت آن زمانی تعیین نشده است یا اگر مدت‌دار بوده، سررسید آن فرارسیده است.

حق مطالبه طلبکار در دین حال

طلبکار چه زمانی اجازه مطالبه دین حال را دارد؟^۴
طلبکار می‌تواند دین حال را هر وقت که بخواهد، مطالبه کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۲۰۰۰۳۵
۲. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین، القول فی احکام الدین، م ۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۷، کتاب الدین و القرض، م ۹۸۳.
۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین، القول فی احکام الدین، م ۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۷، کتاب الدین و القرض، م ۹۸۳.
۴. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۷، م ۹۸۳ و مطالب قبل از این مسئله

وظیفه بدهکار در پرداخت دین

تأخیر در پرداخت بدهی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟^۱
اگر طلبکار طلب خود را در زمانی که حق مطالبه دارد بخواهد، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، واجب است فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است. (مراجع تقلید)

وظیفه طلبکار در قبول دین حال

اگر بدهکار بخواهد بدهی حال خود را بپردازد، آیا طلبکار موظف است آن را قبول کند؟^۲
تحویل گرفتن دین حال در صورتی که مدیون درصدد پرداخت آن و فارغ کردن ذمه‌اش باشد، واجب است. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

ممکن نبودن پرداخت دین حال^۳

در صورتی که پرداخت بدهی حال برای بدهکار ممکن نباشد، چه تکلیفی دارد؟
این مطلب چند فرض دارد:

۱: خودداری طلبکار از پذیرش دین حال

اگر طلبکار حاضر و در دسترس بود ولی از گرفتن طلبش خودداری می‌کرد، بدهکار چه تکلیفی دارد؟^۴
اگر طلبکار از گرفتن طلبش خودداری کرد، در صورت درخواست مدیون، حاکم شرع او را به قبول مجبور می‌کند و اگر اجبار او ممکن نبود، بدهی را نزد طلبکار حاضر می‌کند و او را بر آن متمکن می‌سازد؛ به‌طوری که عرفاً تحت اختیار و تسلط او قرار بگیرد. با این کار، ذمه‌اش فارغ می‌شود. اگر بعد از آن تلف شود، ضمانی بر او نیست. اگر این کار ممکن نباشد، حق دارد آن را به حاکم شرع تسلیم کند و با آن، ذمه‌اش فارغ می‌شود؛ ولی در چنین فرضی، معلوم نیست که قبول آن بر حاکم واجب باشد و در آن اشکال است. اگر حاکم پیدا نشد، بنا بر

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۷۶.

۲. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۹۸۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۷۴.

۳. در این باره حضرت امام؟ ره؟ به «دین حال» تعبیر کرده است؛ ولی آیت الله سیستانی به «دین عند حلوله» تعبیر کرده‌اند؛ یعنی دینی که مدت‌دار بوده ولی حال شده است. ظاهراً این دو تعبیر در نتیجه یکسان است.

۴. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۹۸۶.

احتیاط واجب، حق ندارد، دین را، با توجه به قیمی و مثلی بودن، در مال مخصوصی تعیین کند و آن را کنار بگذارد (حضرت امام)

اگر طلبکار از گرفتن طلبش خودداری کرد، در صورت درخواست مدیون، حاکم شرع طلبکار را مجبور به قبول می‌کند و اگر این کار ممکن نباشد، حق دارد آن را به حاکم شرع تسلیم کند و با آن ذمه‌اش فارغ می‌شود؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، بر حاکم شرع قبول آن واجب نیست. اگر حاکم پیدا نشد یا آن را قبول نکرد، دین در ذمه بدهکار باقی می‌ماند تا اینکه طلبکار یا کسی که در جایگاه اوست، دین را اخذ کند. (آیت‌الله العظمی سیستانی)

۲. غایب بودن طلبکار و ناممکن بودن رساندن بدهی به او

اگر طلبکار غایب باشد و رساندن بدهی به او ممکن نباشد و بدهکار بخواهد ذمه‌اش را فارغ سازد، چه وظیفه‌ای دارد؟^۱

اگر طلبکار غایب باشد و رساندن بدهی به او ممکن نباشد و بدهکار بخواهد ذمه‌اش را فارغ کند، در صورت بودن حاکم، بدهی را به او می‌رساند؛ ولی در چنین فرضی اینکه قبول بر حاکم واجب باشد، معلوم نیست و در آن اشکال است. اگر حاکم یافت نشود، در ذمه‌اش باقی می‌ماند تا آن را به طلبکار یا به کسی برساند که در جایگاه اوست. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۳. دسترسی نداشتن به طلبکار و ناامیدی از پیدا کردن او

کسی که به طلبکار خود دسترسی ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند، چه وظیفه‌ای دارد؟^۲ باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد. شرط نیست که فقیر غیرسید باشد (حضرت امام) چنانچه امید نداشته باشد که در آینده او یا وارثش را پیدا کند، باید طلب او را از طرف صاحبش به فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب، از حاکم شرع در این کار اجازه بگیرد؛ ولی اگر امیدوار باشد که او یا وارثش را پیدا کند،

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۹۸۶.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۷۹.

فرق فرض دوم و سوم: در فرض دوم، اجل دین رسیده است و بدهکار قصد دارد همین الان یعنی عند حلول الاجل، ذمه‌اش را فارغ سازد؛ اما در این زمان طلبکار غایب است و فعلاً بدهکار نمی‌تواند بدهی را به او بپردازد. در این فرض گفته شد که یا به حاکم بدهد یا صبر کند؛ اما در فرض سوم اصلاً از دسترسی به طلبکار مأیوس است. استادان فرض سوم را غالباً بلدند؛ اما فرض دوم فرضی است جدید که باید در آن دقت کنند.

باید منتظر بماند و او را جست‌وجو کند. چنانچه وی را نیابد، باید وصیت کند که اگر مُرد و طلبکار یا وارثش پیدا شد، طلب او را از مالش بپردازند. (آیت‌الله‌العظمی سیستانی)

احتیاط واجب آن است که مقدار طلب او را با اجازهٔ حاکم شرع به فقیر بدهد؛ خواه آن فقیر غریب باشد یا سید. (آیت‌الله‌العظمی مکارم)

برائت ذمهٔ بدهکار با پرداخت بدهی طلبکار به دیگری

آیا در صورت دسترسی‌نداشتن به طلبکار، اگر به همان میزان از دین او را به کسی که به او بدهکار است بپردازیم، ذمهٔ ما بری می‌شود؟^۱

خیر، با این کار ذمهٔ شما بری نمی‌شود. (امام خامنه‌ای)

به کسی که قبلاً مستأجر شخصی بوده، بدهکارم و نمی‌توانم وی را پیدا کنم. صاحب‌خانهٔ آن شخص ادعا می‌کند که مستأجر به وی بدهکار بوده است. آیا من از طرف مستأجر می‌توانم بدهی را پرداخت کنم تا بدهی من نیز به او پاک شود یا باید بدهی خود را از طرف وی صدقه بدهم یا بنا به احتیاط، هر دو را انجام دهم؟ اگر به قول آن صاحب‌خانه اطمینان داشته باشید، جایز است. در غیر این صورت، اگر از پیدا کردن او مأیوس باشید، باید آن پول را به شخص فقیری بدهید. (آیت‌الله‌العظمی مکارم)

اگر حسن از علی طلب دارد و علی طلب او را نمی‌دهد و این در حالی است که علی خود از فرد دیگری طلبکار است، آیا می‌شود حسن به بدهکار علی مراجعه کند و بدهکار بدهی‌اش را به حسن بدهد و حسن به جای اینکه بدهی بدهکار را به علی برساند، از باب تقاص برای خود بردارد؟ پولی را که بدهکار علی می‌پردازد، وفای بدهکاری او محسوب نمی‌شود؛ چون از طرف علی یا ولی او مأذون نیست؛ لذا ذمهٔ مدیون فارغ نمی‌شود. (آیت‌الله‌العظمی سیستانی)

تکلیف ورثه در پرداخت بدهی‌های میت

ورثهٔ میت در مقابل بدهی‌های او چه تکلیفی دارند؟^۲

بر ورثهٔ بدهکار واجب است بدهکاری‌های میت را از ترکهٔ میت به طلبکار یا ورثهٔ طلبکار بپردازند و تا آن را نپردازند، حق تصرف در ترکه را ندارند. (حضرت امام، امام خامنه‌ای)

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۵۲۳۹۹۷۷۱۶؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، معاملات، قرض، احکام قرض، احکام قرض‌گیرنده، برائت ذمهٔ بدهکار با پرداخت بدهی طلبکار؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج ۱، س ۳۶۷.

۲. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۳، ص ۴۲۲، س ۱۰۱ و ۱۱۳؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۷۶۶؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ۲۲۴۶؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۴۵.

اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهی‌های او نباشد، باید مالش را به همین مصرف‌ها برسانند و به وارث او چیزی نمی‌رسد. (آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

ب. دین مؤجل

دین مؤجل دینی است که بدهکار برای پرداخت آن، تا زمان مشخصی مهلت دارد.

نحوه تعیین سررسید در دین مؤجل

سررسید در دین مؤجل چگونه تعیین می‌شود؟^۱
مدت داربودن دین گاه با قراردادی است که طلبکار و بدهکار بین خود دارند، مانند مدت در معامله نسیه و گاهی با قرار شارع است، مانند اقساطی که حاکم شرع در پرداخت دیه معین می‌کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن

آیا طلبکار قبل از فرارسیدن مدت تعیین شده برای پرداخت طلب، حق مطالبه آن را دارد؟ آیا بدهکار تا قبل از سررسید بدهی، وظیفه‌ای در پرداخت آن دارد؟^۲
طلبکار حق مطالبه بدهی مؤجل را قبل از فرارسیدن مدت تعیین شده ندارد و بر بدهکار هم واجب نیست قبل از سررسید دین، آن را بپردازد. (حضرت امام)
طلبکار حق مطالبه بدهی مؤجل را قبل از فرارسیدن مدت تعیین شده ندارد؛ مگر اینکه تعیین مدت فقط به نفع طلبکار باشد. در این صورت طلبکار می‌تواند طلبش را قبل از سررسید مقرر مطالبه کند و بر بدهکار هم پرداخت آن واجب است؛ ولی اکثر بدهکاری‌ها این گونه نیست و تعیین مدت در آن‌ها حقی است که به نفع بدهکار قرار داده شده است یا مشترک بین هر دو نفر است. بر بدهکار هم واجب نیست قبل از سررسید دین، آن را بپردازد. (آیت الله العظمی سیستانی)

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص ۶۲۷ م؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۷، م ۹۸۳.

۲. سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۷۵؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص ۶۲۷ م؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۹۸۵؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۰ و ۲۲۴۱؛

در صورتی که قرض مدت‌دار باشد و بدهکار بخواهد قبل از رسیدن مدت، بدهی خود را بپردازد، طلبکار به قبول آن مجبور نیست؛ ولی اگر تعیین مدت فقط برای همراهی با بدهکار باشد، چنانچه پیش از وقت بدهی را بدهد، طلبکار باید قبول کند. (آیت‌الله‌العظمی مکارم)

ادای دین مؤجل تبرعاً قبل از سررسید

اگر بدهکار تبرعاً دین مؤجل را پیش از زمان سررسیدش پرداخت کند، آیا بر طلبکار قبول آن واجب است؟^۱
اگر (حضرت امام: از قرائن معلوم شود که) تعیین مدت فقط برای همراهی با بدهکار باشد، چنانچه پیش از وقت بدهی را بدهد، طلبکار باید قبول کند؛ ولی اگر قرارداد مدت تنها به نفع طلبکار بوده یا به نفع هر دو بوده باشد، طلبکار می‌تواند تا سررسید مدت، از قبول آن خودداری کند. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم، آیت‌الله سیستانی)

بررسی صورت‌های حال شدن دیون مؤجل

برخی از اموری که موجب حال شدن دیون مؤجل می‌شود، با توجه به اختلاف نظر فقها، عبارت است از:

۱. مرگ بدهکار

آیا مرگ بدهکار باعث حال شدن بدهی مدت‌دار او می‌شود؟^۲
در دین مدت‌دار اگر بدهکار بمیرد، مدت فرامی‌رسد و واجب است دین از اصل مال او خارج شود؛ بنابراین اگر مهر زن مدت‌دار باشد و شوهر قبل از سررسید مدت بمیرد، زن حق دارد بعد از مرگ او مهر را مطالبه کند. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله مکارم)

استفتایی از امام خامنه‌ای^۳

۱. سید محمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۷۴؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۲؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۵۴۶۷۱۳۷۱۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۱، م ۹۸۵؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۴۲.

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۱۴۶۴۲۴۵۰؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۶؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۵۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۹۸۹.

۳. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۲۵۵۷۹۱۷۱۸.

در بحث حال شدن دیون مدت‌دار فرموده‌اید که با مرگ بدهکار، دیون مدت‌دار او حال می‌شود. با توجه به این حکم، لطفاً پاسخ دو پرسش زیر را بفرمایید:

الف. معمولاً قیمت نقد کالاها با قیمت نسیه آن متفاوت است؛ به‌خصوص در جایی که مدت طولانی‌تر باشد. با توجه به این نکته، اگر مدیون با وجود باقی‌بودن مدتی از بدهی، از دنیا برود، آیا ورثه می‌توانند از پرداخت اختلاف قیمت نقد و نسیه به طلبکار خودداری کنند؟

ب. اگر قرارداد اجاره به‌شرط قرض‌الحسنه که امروزه رایج است، به‌نحو صحیح انجام شود و قبل از اتمام مدت اجاره، صاحب‌خانه فوت شود، تکلیف ورثه در برابر این اجاره چیست؟

آیا باید فوراً مبلغ قرض‌الحسنه را به مستأجر برگردانند و ادامه اجاره با همان مبلغ کم اجاره ادامه یابد؟ یا اینکه چون اجاره به‌شرط قرض بوده، اکنون قرض به ورثه منتقل می‌شود و ورثه باید پس از اتمام مدت اجاره، مبلغ را به مستأجر بدهند؟

یا ورثه حق دارند مستأجر را به قبول انتقال قرض به ورثه ملزم کنند و در صورت خودداری، حق فسخ دارند؟ یا حکم دیگری دارد؟

ج ۱. نمی‌توانند چنین کاری بکنند.

ج ۲. در فرض سؤال، دین حال می‌شود؛ ولی اگر مستأجر دین را مطالبه کند، ورثه به‌جهت خیار تخلف شرط، می‌توانند اجاره را فسخ کنند. (امام خامنه‌ای)

۲. مرگ طلبکار

آیا مرگ طلبکار باعث حال شدن طلب مدت‌دار او می‌شود؟^۱

اگر طلبکار بمیرد، مدتی که برای پرداخت بدهی به بدهکار داه شده، بر حال خودش باقی است و ورثه طلبکار حق ندارند قبل از پایان مدت، دین را مطالبه کنند؛ لذا اگر مهریه زن، مدت‌دار باشد و زن بمیرد، ورثه او قبل از انقضای آن مدت، حق مطالبه ندارند. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم) آیا محجور شدن بدهکار باعث حال شدن بدهی‌های مدت‌دار او می‌شود؟^۲

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۱۴۶۴۲۴۵۰؛ سیدروح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، کتاب الذین و القرض، القول فی احکام الدین، م: ۶؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۹۸۹، ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۵۱۰۲۹۰۰۷۲.

۲. سیدروح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، کتاب الذین و القرض، القول فی احکام الدین، م: ۶؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۱۴۶۴۲۴۵۰؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۵۱۰۲۹۰۰۷۲.

جلوانداختن مدت بدهی یا افزایش مدت آن

جلوانداختن بدهی مدت‌دار در مقابل کاهش مبلغ آن

جلوانداختن پرداخت دینی که هنوز زمان پرداخت آن نرسیده، در مقابل کاهش مبلغ آن چه حکمی دارد؟ (تعجیل الدین المؤجل بنقصان)^۱

جلوانداختن دین مدت‌دار و پرداخت آن قبل از سررسید در برابر کم کردن از مبلغ آن، با رضایت طرفین جایز است. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

مدت‌دار کردن دین یا افزایش دادن مدت آن با افزایش بدهی

مدت‌دار کردن دین حال یا افزایش مدت دین مدت‌دار در مقابل افزایش مبلغ بدهی چه حکمی دارد؟ (نوکردن چک، تأجیل الدین الحال بزيادة)^۲

این کار جایز نیست. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

بررسی راهکار مدت‌دار کردن دین حال در مقابل افزودن بر بدهی

۱. فسخ معامله قبلی و انجام معامله نسیه جدید

آیا برای مدت‌دار کردن دین حال یا افزایش مدت دین مدت‌دار در مقابل افزایش مبلغ بدهی می‌توان معامله قبلی را فسخ کرد و زیادی مدنظر را در ضمن معامله نسیه جدیدی لحاظ کرد؟^۳

۱. سید محمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۱۰۹؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۸؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۵۲۳۹۹۷۷۱۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۳، م ۹۹۲؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتاءات، جلوانداختن یا تأخیر در پرداخت دین در مقابل عوض؛.

۲. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۸؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۷۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۳، م ۹۹۲؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتاءات، جلوانداختن یا تأخیر در پرداخت دین در مقابل عوض

۳. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۹۳۷۷۰۹۲۷۹؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتاءات، تبدیل معامله نقدی به معامله نسیه.

مجرد تأخیر در پرداخت بدهی موجب ثبوت خیار فسخ برای طلبکار نمی‌شود؛ لکن چنانچه در ضمن معامله، خیار فسخ شرط شده باشد یا طرفین با تراضی هم، معامله را اقاله کنند، در صورتی که کالای فروخته شده هنوز موجود باشد، می‌توانند با توافق هم معامله جدیدی منعقد کنند. (امام خامنه ای و آیت‌الله العظمی مکارم)

۲. گرفتن زیادی مدنظر در ضمن عقد جدید

آیا می‌توان مدت‌دار بودن دین حال یا افزایش مدت دین مدت‌دار را بدون افزایش مبلغ بدهی، در ضمن عقدی لازم یا جایز شرط کرد؛ به این نحو که زیادی مدنظر طرفین را ثمن مبیعی قرار دهند که بیعش بین طلبکار و بدهکار انجام شود و بر طلبکار شرط کنند تا مدت معینی که مدنظر طرفین است، طلبش را درخواست نکند؟^۱

مثال: طلبکاری به سبب تأخیر ادای دینش می‌خواهد ۱۰۰ هزار تومان از بدهکارش اضافه بگیرد. طلبکار جنسی ۱۰۰ هزار تومانی را ۲۰۰ هزار تومان به بدهکار بفروشد و در این بیع بر طلبکار شرط شود دین را تا مدت جدیدی که مدنظر طرفین است، از بدهکار طلب نکند.

فرض دیگر در همین مسئله که قرار است طلبکار به سبب تأخیر ادای دینش، ۱۰۰ هزار تومان از بدهکارش اضافه بگیرد، این است که بدهکار جنسی ۲۰۰ هزار تومانی را به ۱۰۰ هزار تومان به طلبکار بفروشد و در این بیع، بر طلبکار شرط کند دین را تا مدت جدیدی که مدنظر طرفین است، از بدهکار طلب نکند.

در فرض سؤال، ایرادی ندارد. (حضرت امام)

گرفتن زیادی در مقابل اضافه کردن مدت جایز نیست؛ اگرچه این زیادی در ضمن معامله دیگری گرفته شود. (امام خامنه ای)

بنا بر احتیاط واجب، هیچ‌یک از دو حالت جایز نیست. (آیت‌الله العظمی سیستانی)

اگر هدف از این نوع معامله جبران تأخیر ادای دین باشد، اشکال دارد. (آیت‌الله العظمی مکارم)

۳. تأخیر انداختن دوستانه مدت بدهی

آیا تأخیر انداختن دوستانه مدت بدهی، بدون شرط و الزام، در قبال پرداخت نقدی مقداری از بدهی یا قرض دادن مبلغی به طلبکار جایز است؟^۲

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۵۲۳۹۹۷۷۱۶؛ سیدابوالحسن اصفهانی، وسیله النجاة (مع حواشی الإمام الخميني)، ص ۴۶۷، القول فی احکام الدین، م ۸؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۳، م ۹۹۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۵۱۱۰۲۰۰۹۱.

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۳۰۶۷۳۸۷۱۱.

صورت اول که پرداخت مقداری از بدهی است، مانعی ندارد؛ ولی صورت دوم که به طلبکار قرض داده می‌شود، قرض به شرط قرض می‌شود که ربا و حرام است. (امام خامنه ای)

تقسیم طلب چند طلبکار از چند بدهکار (تقسیم دین)

تقسیم دین به چه معناست و حکم آن چیست؟^۱

تقسیم دین در جایی تصور می‌شود که برای دو نفر^۲ طلب مشترک بر ذمه چند نفر باشد؛ مثل اینکه آن دو در مالی به طور مشاع شریک باشند و آن را به چند نفر نسیه بفروشند یا از مورثان مطالباتی را به ارث ببرند که بر ذمه افراد مختلف است، سپس این مطالبات را بعد از سهم‌بندی، بین خودشان تقسیم کنند و آنچه در ذمه بعضی از بدهکاران است، مثل چک‌هایی که سررسید آن فرارسیده، برای یکی از آن دو و آنچه در ذمه بقیه است، مثل چک‌هایی که سررسیدش فرانسیده، برای دیگری قرار دهند.

تقسیم کردن دین مشروع نیست و دین بر اشاعه و اشتراک قبلی بین هر دو شریک باقی می‌ماند؛ بنابراین هر طلبی که وصول می‌شود، مال هر دو نفر است و هر آنچه وصول نشده هم مال هر دو نفر است. (حضرت امام، امام خامنه ای، آیت الله سیستانی)

اگر همه بدهکاران و طلبکاران به این نوع تقسیم رضایت بدهند، مانعی ندارد. (آیت‌الله العظمی مکارم)

طلب دو طلبکار از یک بدهکار و استیفای یکی از آن دو به صورت مجزا

اگر دو یا چند طلبکار، از یک نفر طلب مشترکی داشته باشند، آیا جایز است یکی از آن‌ها سهم خودش از طلب را وصول کند؟ برای مثال، هر کدام از طلبکار و بدهکار قصد کند آنچه طلبکار می‌گیرد، ادای سهم او از طلب مشترک باشد و مبلغ دریافتی مال او باشد و باقی‌مانده طلب، مال شریکش باشد.^۳

این نحو از استیفای دین جایز است و این از باب تقسیم دین نیست. (حضرت امام، امام خامنه ای)

بنا بر احتیاط واجب، این کار جایز نیست. (آیت‌الله العظمی سیستانی)

در صورت رضایت همه شرکا مانعی ندارد. (آیت‌الله العظمی مکارم)

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۹؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۹۱۷۸۶۷۷۲۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۴، م ۹۹۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۰۷۰۶۰۰۸۶.

۲. در این بحث «دو نفر» موضوعیتی ندارد و از باب مثال است.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص ۶۳۱، م ۹؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۹۱۷۸۶۷۷۲۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۴، م ۹۹۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۰۷۰۶۰۰۸۶.

ادای دین دیگری تبرعاً و بدون توقع

الف. جواز این کار با رضایت یا منع بدهکار

آیا پرداخت بدهی دیگری تبرعاً و بدون توقع جایز است و با این کار، آیا ذمه بدهکار بری می‌شود؟^۱
ادای دین دیگری تبرعاً و بدون توقع جایز است؛ چه بدهکار زنده باشد یا مرده، و ذمه او با آن بری می‌شود. فرقی نمی‌کند که بدهکار اجازه داده باشد یا اجازه نداده باشد. حتی در صورتی که بدهکار ناراضی باشد یا از این کار منع کرده باشد، باز هم این کار جایز است و ذمه بدهکار را بری می‌کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

ب. لزوم قبول کردن طلبکار

در صورتی که فردی غیر از بدهکار، بدهی را پرداخت کند، آیا طلبکار موظف است آن را بپذیرد؟^۲
قبول آن بر طلبکار واجب است. (حضرت امام)
قبول آن بر طلبکار واجب نیست. (آیت الله العظمی سیستانی)

مطالبه عوض توسط کسی که تبرعاً بدهی را پرداخته است^۳

آیا کسی که بدون تقاضای بدهکار، بدهی او را پرداخته است، حق مطالبه عوض آن را دارد؟
کسی که بدون تقاضای بدهکار، بدهی او را پرداخته است، حق مطالبه عوض آن را ندارد و بر بدهکار هم پرداخت عوض آنچه آن شخص پرداخته است، واجب نیست. (امام خامنه ای، آیت الله العظمی سیستانی)
اگر شخص ثالثی بدهی فرد دیگری را به قصد کار خیر ادا کند بدون اینکه از او طلب داشته باشد، نمی‌تواند از او مطالبه کند. (آیت الله العظمی مکارم)

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی احکام الدین، ص ۶۲۹، م ۴؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۹۸۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۵۱۰۲۹۰۱۰۰ و ۹۵۱۰۲۹۰۱۰۱.

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی احکام الدین، ص ۶۲۹، م ۴؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۹۸۷.

۳. سیدعلی خامنه ای، جوابه الاستفتاءات، س ۱۷۷۱؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از سایت، کد استفتا: ۳۹۹۶۵۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۴۰۷۱۸۰۰۳۸.

پرداخت بدهی تحت عنوان هدیه و...

اگر به علتی مثل خجالت کشیدن و... شخص نتواند بدهی را تحت عنوان بدهکاری به طلبکار بپردازد، آیا پرداخت آن به بهانه‌هایی مثل هدیه دادن یا پرداخت آن با در اختیار او قراردادن و... صحیح است؟
اگر با قصد ادای بدهی، مبلغ را به او برساند، صحیح است. (امام خامنه ای)
اگر به عنوان هدیه بدهد، اشکالی ندارد. (آیت الله العظمی مکارم)
نکته

۱. مسلماً راه احتیاطی در این زمینه این است که به نحوی عمل کند که طلبکار متوجه شود این مبلغ بابت طلب اوست؛ مثلاً به صورت کلی به او بگوید که به تو مدیونم، ولی جزئیات خاص بدهی را نگوید، یا مطلب را در برگه‌ای بنویسد و توسط فرد مطمئنی به طلبکار برساند و...
۲. در موضوع بحث اگر به عنوان هدیه و... بدهی را بپردازد، حق دروغ گفتن ندارد. مثلاً اینکه بگوید این هدیه است، صحیح نیست؛ ولی می‌تواند کار را به نحوی انجام دهد که فرد تصور کند هدیه است.
۳. بدهکار باید به نحوی بدهی را به طلبکار برساند که طلبکار آن را جزو ملک خود محسوب کند؛ لذا برخی از امور که این گونه نیست، کافی نخواهد بود؛ مثل جایی که مبلغ بدون هیچ قرینه‌ای به حساب طلبکار واریز شود یا در منزل او گذاشته شود؛ چراکه ممکن است طلبکار آن را مجهول‌المالک تلقی کند.
۴. در این مواقع، بدهکار باید قصد ادای دین داشته باشد.

احکام تزاحم بین بدهکاری‌ها؛ تعدد بدهی و ناتوانی از ادای همه

الف. تزاحم دیون فرد زنده

کسی که زنده است و خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و مانند آن نیز بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آن‌ها را بدهد، چه تکلیفی دارد؟

۱. اگر عین مالی که خمس یا زکات آن واجب شده است، از بین نرفته

باشد^۲

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۲۷۸۷۰۹۸۰۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۴۰۷۱۸۰۰۳۳.
۲. سید محمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ۱۹۸۸م و ذیل آن.

باید خمس و زکات آن را بپردازد. (حضرت امام، آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی)

۲. اگر عین مالی که خمس یا زکات آن واجب شده است، از بین رفته باشد^۱

در چگونگی اداکردن اختیار دارد: می تواند خمس یا زکات را بدهد یا کفاره، نذر، قرض و مانند این ها را ادا کند. (حضرت امام)

پرداخت زکات و خمس و قرض، بر پرداخت کفاره و نذر مقدم است. (آیت الله العظمی سیستانی)
احتیاط این است که حق مردم را مقدم کند. (آیت الله العظمی مکارم)
استفتا از حضرت امام: ^۲

سؤال: اگر شخصی مثلاً پنج هزار تومان بابت سهم مبارک امام (ع) مقروض باشد و همین مقدار هم به جای دیگر، ولی قدرت ادای یکی از این ها را داشته باشد، کدام مقدم است؟
جواب: هر دو دین است. اگر یکی رجحان داشته باشد، آن را ترجیح دهد؛ و الا مخیر است. چنانچه می تواند، در فرض مسئله به حاکم شرع مراجعه کند و اجازه بگیرد و دین غیرسهم را بپردازد. (حضرت امام)

ب. تراحم دیون میت^۳

کسی فوت کرده و خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و حج و مانند آن نیز بر او واجب است و قرض هم دارد. چنانچه ترکه او برای ادای تمامی آن ها کفایت نکند، تکلیفی چیست؟

چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات آن را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است، قسمت کنند. اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، باید مال او را بر خمس و زکات و قرض و نذر و مانند این ها قسمت کنند. مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان به دین او بدهند. (حضرت امام)

چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را صرف ادای قرضش کنند. اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده، از بین رفته باشد، باید مال او را صرف

۱. سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ۱۹۸۸م و ذیل آن.

۲. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۸۳، س ۸ و ص ۲۸۷، س ۱۹.

۳. سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ۱۹۸۸م و ۱۹۸۹ و ذیل این دو مسئله.

ادای قرضش کنند. در صورتی که چیزی باقی باشد، صرف حج کنند و اگر چیزی زیاد آمد، بر خمس و زکات قسمت کنند. (آیت‌الله‌العظمی سیستانی)

هرگاه کسی بدهکار خمس یا زکات است و قرض هم دارد و کفاره و نذر و مانند آن نیز بر او واجب شده است، چنانچه نتواند همه آن‌ها را بپردازد، اگر عین مالی که خمس یا زکات بر آن واجب شده از بین نرفته است، باید خمس و زکات را مقدم کند و اگر از بین رفته، احتیاط این است که حق مردم را مقدم کند. اگر چنین کسی از دنیا برود و مال او برای همه این‌ها کافی نباشد، به همین ترتیب عمل کنند. (آیت‌الله‌العظمی مکارم)

اگر تقسیم ممکن باشد، تقسیم مقدم است؛ و الا باید حق الناس را مقدم کنند. (آیت‌الله‌العظمی مکارم)^۱

بخشیدن دین و طلب؛ ابراء ذمه بدهکار یا هبه دین

تعریف ابراء

در اصطلاح علم فقه، «ابراء» عملی انشایی است که موجب سقوط دین و حقی می‌شود که شخص بر عهده دیگری دارد. به عبارت دقیق‌تر، ابراء اسقاط چیزی است که در ذمه است. ابراء قبول لازم ندارد.^۲

بررسی قیده‌های مطرح شده در صحت ابراء

۱. رضایت بدهکار^۳

اگر شخص بخواهد از طلب یا حق خود بگذرد، رضایت طرف مقابل لازم نیست. (حضرت امام، آیت‌الله‌العظمی مکارم)

۲. لزوم انشای ابراء^۴

آیا ابراء و صلح با امضای ذیل ابراء‌نامه و صلح‌نامه بدون انشای لفظی محقق می‌شود؟
مجرد امضا کفایت نمی‌کند. (حضرت امام)

۱. بین مسئله ۱۶۹۱ رساله آیت‌الله‌العظمی مکارم و بین سؤال ۸۶۱ کتاب / استفتائات جدید ایشان (ج ۲، ص ۲۹۳) تعارض وجود دارد. در این زمینه از دفتر ایشان استفتا کردیم. دفتر ایشان با کد رهگیری ۹۶۰۷۱۲۰۱۱۳، چنین پاسخ دادند: «اگر تقسیم ممکن باشد، تقسیم مقدم است؛ و الا باید حق الناس را مقدم بدارند.»

۲. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الهبه، م ۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۴۰۷، م ۱۳۱۳.

۳. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۸۸، س ۲۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۱۲۰۰۳۶.

۴. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۱۸۲، س ۲؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۴۸۹۸۰۱۲۱۹؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد استفتا: ۴۲۵۰۱۰؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری ۹۴۰۹۲۲۰۱۵۹.

آیا ابراء به انشا نیاز دارد یا به صرف نیت قلبی محقق می‌شود؟ در صورت لزوم انشا، آیا انشا صرفاً با بیان کردن است یا با نوشتن، اشاره، پیامک‌دادن و... نیز محقق می‌شود؟

به ابراز هم نیاز دارد. (امام خامنه ای)

اگر کسی فقط در دل، دیگری را ابراء کند، احتیاط این است که آن حق را طلب نکند؛ ولی اگر آن را به زبان آورد، نمی‌تواند آن را طلب کند. (آیت‌الله‌العظمی مکارم)

پرسش: اگر از کسی پولی را طلبکار باشیم و در دل خود او را بری‌الذمه کنیم اما بر زبان چیزی جاری نکنیم، بعداً می‌توانیم طلب خود را از او بگیریم؟ پاسخ: می‌توانید. (آیت‌الله‌العظمی سیستانی)

۳. حاضر بودن مستمع^۱

حاضر بودن مستمع شرط نیست. (امام خامنه ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

۴. زنده بودن بدهکار^۲

زنده بودن بدهکار شرط نیست. (امام خامنه ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

۵. دین بودن بدهی^۳

آیا ابراء فقط در دیون صحیح است یا اگر عینی هم بر عهده دیگری داشته باشیم، می‌توانیم ابراء کنیم؟

موارد مختلف است. (امام خامنه ای)

شرط است؛ ولی اگر عین باشد، بخشیدن آن جز به هبه و تملیک آن به دیگری صحیح نیست و در این صورت، به قبول و قبض نیاز دارد. (آیت‌الله‌العظمی سیستانی)

در فرض سؤال، ابراء مانعی ندارد. (آیت‌الله‌العظمی مکارم)

۶. قبض یا قبول بدهکار^۴

در صحت ابراء، قبول کردن یا قبض کردن بدهکار شرط نیست. (امام خامنه ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

۷. انصراف از ابراء^۱

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۴۸۹۸۰۱۲۱۹؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری ۹۴۰۹۲۲۰۱۵۹؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد استفتا: ۴۲۵۰۱۰.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری ۹۴۰۹۲۲۰۱۵۹؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد استفتا: ۴۲۵۰۱۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، استفتا از سایت، شماره استفتا: ۶۰۹۳۱۷، کد رهگیری e۹۵۴۸۱bd۱d۹۶ee۱d۷۴۴cfbc۷۳۰۳۲۹a.

۳. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۴۸۹۸۰۱۲۱۹؛ سیدعلی سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۳، ص ۹۸، م ۳۱۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۱۲۰۰۳۶.

۴. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۴۸۹۸۰۱۲۱۹؛ سیدعلی سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۳، ص ۹۸، م ۳۱۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۱۲۰۰۳۶.

اثری ندارد؛ چون لازم است. (حضرت امام، آیت‌الله مکارم)

۸. تعبیر ابراء با لفظ بخشش^۲

در عرف فارسی‌زبان‌ها کلمه ابراء یا لفظ «بری کردم» یا «ساقط کردم» کمتر به کار می‌رود و در جایی که فرد قصد ابراء دارد، معمولاً می‌گوید: «طلبم را بخشیدم.» ظاهر این لفظ، هبه دین است؛ ولی قصد فرد ابراء است. در این صورت آیا ابراء محقق می‌شود یا هبه؟
این لفظ برای ابراء کفایت می‌کند. (امام خامنه ای)

نحوه پرداخت بدهکاری به بخش‌های دولتی

کسی که به یکی از سازمان‌های دولتی بدهکار است، مثلاً از تلفن آن سازمان برای کار خصوصی استفاده کرده است، آیا می‌تواند آن بدهی را به سازمان دیگری بپردازد که آن هم دولتی است؟^۳
باید به همان سازمانی که به آن بدهکار است، رد کند. (حضرت امام)
آنچه از اموال بیت‌المال نزد کسی است، اگر از اموال دولتی مختص به اداره خاصی از اداره‌های دولتی باشد، باید در صورت امکان به همان اداره برگرداند؛ و الا باید به خزانه عمومی دولت تحویل بدهد. (امام خامنه ای)

ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی

داشتن قصد ادای دین در صورت ناتوانی از پرداخت آن

آیا نیت ادای بدهی در صورت ناتوانی از پرداخت آن واجب است؟^۴
بله، واجب است به این صورت که تصمیمش این باشد هر وقت ممکن شود، آن را بپردازد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۱. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۸۸، س ۲۲ و ۲۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۲۹۸، سؤال ۸۷۱.
۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۴۸۹۸۰۱۲۱۹.
۳. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۸۴، س ۹؛ سیدعلی خامنه‌ای، جوابه الاستفتاءات، س ۱۹۵۵.
۴. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۷؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۵، م ۱۰۰۱.

مستثنیات دین و حکم فروش آن‌ها برای پرداخت بدهی^۱

مستثنیات دین چیست و آیا در صورت ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی، طلبکار حق توقیف یا فروش آن‌ها را دارد؟

اگر بدهکار از پرداختن بدهی خود عاجز باشد، طلبکار نمی‌تواند مستثنیات دین را به‌علت بدهی او توقیف کند و از او بگیرد یا او را به فروش آن‌ها مجبور کند. اموال زیر مستثنیات دین است:

۱. خانه محل سکونت؛

۲. لباس ضروری، اگرچه به‌جهت زینت و تجمل باشد؛

۳. لوازم خانه از قبیل فرش، پرده، تلفن، یخچال، اجاق‌گاز، آب‌گرم‌کن و ظروف برای خوردن و آشامیدن و آشپزی برای خود یا مهمان با در نظر گرفتن مقدار حاجت به‌حسب شأن خود؛

۴. کتاب‌های علمی برای اهل این کتاب‌ها به‌مقدار احتیاج بر حسب حال و مراتب علمی؛

۵. ماشین یا وسیله نقلیه دیگر که برای سوارشدن و... به آن محتاج است؛ به‌طوری که اگر آن را بفروشد، در زحمت و مضیقه قرار می‌گیرد یا سبب صدمه آبرویی به او می‌شود.

ملاک کلی این است که هرآنچه فرد بر حسب حال و شأنش به آن محتاج است به‌گونه‌ای که اگر نباشد، در سختی زیاد می‌افتد یا (حضرت امام: و) موجب اضطراب و تنقیص او می‌شود، از مستثنیات دین است. در استثنای این اشیاء، بین یکی و چند تا فرقی نیست؛ لذا اگر خانه یا وسیله نقلیه یا لباس یا اثاث منزل و مانند آن به‌حسب حال و شرفش واقعاً نیاز باشد به‌طوری که با فروختن آن‌ها به‌سختی زیاد مبتلا می‌شود، از مستثنیات دین محسوب می‌شود. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی)

خانه و مرکب سواری و لوازم زندگی عادی و معمولی که در شأن فرد است، جزو مستثنیات دین است؛ ولی دارایی‌های دیگر و سرمایه مطلقاً جزو مستثنیات نیست. (آیت الله مکارم)

ودیعۀ مسکن (رهن خانه)

آیا ودیعۀ مسکن از مستثنیات دین است؟^۲ چنانچه فردی ودیعۀ اجاره ملک مسکونی را پرداخته است و اگر این ودیعۀ توقیف شود بی‌سرپناه می‌شود، می‌توان ودیعۀ را از مصادیق مستثنیات دین محسوب کرد؟

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، سیدعلی خامنه‌ای، اجوبۀ الاستفتاءات، س ۱۷۶۸ و ۱۷۶۷؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، م ۹۹۴ تا ۹۹۶؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۲۹۸، سؤال ۸۷۲ و ۸۷۶

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتا: ۵۲۷۷۳۰، ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۰۸۰۶۰۰۹۳.

اگر توقیف و دیعه مسکن موجب شود که مستأجر را از خانه استیجاری بیرون کنند و بی سرپناه شود، و دیعه مسکن نیز حکم خانه مسکونی را دارد و از مستثنیات دین است. (امام خامنه ای)
تا زمانی که در رهن خانه مسکونی مورد نیاز باشد، جزو مستثنیات دین است. (آیت الله مکارم)

سرمایه ضروری

آیا سرمایه ضروری برای امرار معاش، جزو مستثنیات دین است؟^۱
جزو مستثنیات نیست. (امام خامنه ای)
سرمایه مطلقاً جزو مستثنیات نیست. (آیت الله مکارم)^۲

حکم مستثنیات دین قبل و بعد از حکم به افلاس^۳

در استثنای منزل مسکونی در باب مطالبه دیون از بدهکار، آیا بین بدهکاری که حکم به افلاس او شده و بین بدهکاری که محکوم به افلاس نیست، فرقی هست؟
فرقی نیست. (حضرت امام)

بیشتر بودن مستثنیات دین از نیاز یا شأن بدهکار^۴

اگر مستثنیات دین بیشتر از نیاز و برتر از شأن بدهکار باشد، تکلیفش چیست؟
اگر خانه مسکونی اش بیشتر از احتیاجش باشد، باید در آن مقداری که نیازش است، ساکن شود و اضافی را بفروشد یا آن خانه را بفروشد و خانه ای ارزان تر و مناسب حالش بخرد. اگر چند خانه داشته باشد که برای سکونت به همه آنها احتیاج دارد، فروش هیچ کدامشان واجب نیست. همچنین است حکم سواری و لباس ها و مانند این ها. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری ۷۹۲۴۰۵۴۸۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۲۹۸، سؤال ۸۷۲ و ۸۷۶.

۲. آیا کامیون و مانند آن که تنها وسیله امرار معاش مدیون است، جزو مستثنیات دین است؟ جواب: این ها جزو مستثنیات دین نیست؛ ولی مرکب سواری جزو مستثنیات است. (آیت الله العظمی مکارم)

۳. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۸۷، س ۱۸.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۱؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، م ۹۹۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۹۸.

مردن بدهکار و فروش مستثنیات دین^۱

فروش مستثنیات دین در صورت مرگ بدهکار چه حکمی دارد؟

خانه مسکونی یا سایر مستثنیات دین، زمانی به منظور پرداخت بدهی فروخته نمی‌شود که مدیون زنده باشد؛ پس اگر بمیرد و غیر از خانه مسکونی‌اش چیزی نگذاشته باشد، یا چیزی گذاشته باشد ولی دین او همه را فراگیرد (حضرت امام: یا همچون فراگیر^۲ باشد)، باید خانه را بفروشد و دینش را پرداخت کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

رضایت بدهکار به فروش مستثنیات دین^۳

در صورتی که بدهکار به فروش مستثنیات دین برای ادای بدهی خویش راضی شود، آیا فروش آن‌ها جایز است؟ معنای اینکه خانه و مانند آن از مستثنیات دین است، این است که بدهکار برای ادای دین، به فروش آن مجبور نمی‌شود و فروختن بر او واجب نیست؛ اما اگر خود بدهکار برای پرداخت بدهی، به فروش آن‌ها راضی باشد، برای طلبکار جایز است آن را بگیرد. البته سزاوار است که طلبکار به فروش مسکن بدهکار راضی نشود و سبب فروش آن نشود، اگرچه بدهکار به آن راضی باشد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

در صورتی که با عقل سالم و با اختیار و رضایت خود می‌فروشد، معامله صحیح است. (آیت الله مکارم)

فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن‌ها^۴

آیا فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن‌ها جایز است؟

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب الدّین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۵، م ۹۹۶

۲. توضیح معنای «کالمستوعب»: در این فرض دین مستوعب نیست؛ اما به حدی است که با بقیه اموال غیر از مستثنیات دین، حق طلبکار ادا نمی‌شود و چاره‌ای نیست که این خانه نیز فروخته شود. این دین را دین «کالمستوعب» می‌گویند؛ زیرا با اینکه مستوعب نیست، باز هم باعث وجوب فروش خانه می‌شود و حکماً با دین مستوعب یکی است. مؤید این معنا برای «کالمستوعب» متن آیت الله العظمی سیستانی در المسائل المنتخبه ذیل مباحث حج است: «مسألة ۵۲۴: إذا كان عنده ما يفي بنفقات الحج و لكنه كان مديناً بدین مستوعب لما عنده من المال أو كالمستوعب بان لم يكن وافياً لنفقاته لو اقتطع منه مقدار الدين لم يجب عليه الحج، إلا إذا كان مؤجلاً بأجل بعيد جداً كخمسین سنة مثلاً».

۳. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ کتاب الدّین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۵، م ۹۹۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۰۸۰۶۰۰۹۳.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ کتاب الرهن، م ۲۶؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۷۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۰۵۵

مالی را که بدهکار گرو (رهن) گذاشته، اگرچه جزو مستثنیات دین باشد، طلبکار می‌تواند با رعایت شروط لازم در باب رهن بفروشد و طلب خود را بردارد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

فروش غیرمستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آنها^۱

آیا فروش غیرمستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آنها به منظور پرداخت بدهی واجب است؟
این مطلب از جهتی دو صورت دارد:

الف. فروش آنها اتلاف مال حساب نشود

اگر نزد بدهکار کالای تجاری یا زمین زائد بر مستثنیات دین باشد که جز به کمتر از قیمت بازاری اش فروخته نمی‌شود، بر بدهکار واجب است در وقت سررسید دین و مطالبه طلبکار، آن را به قیمت کمتر بفروشد و دین خود را ادا کند. جایز نیست پرداخت بدهی را به تأخیر اندازد و منتظر بماند تا مشتری دیگری به قیمت عادلانه آن کالا را بخرد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)
فروختن به کمتر از قیمت بازار جایز نیست. (آیت الله مکارم)

ب. فروش آنها اتلاف مال حساب شود

اگر به مبلغی فروش رود که با قیمت آن تفاوت زیادی دارد، به طوری که فروش به آن مبلغ تضییع و اتلاف مال حساب شود، فروش آن واجب نیست. (حضرت امام)
اگر تفاوت بین دو قیمت به قدری زیاد است که عقلاً آن را قبول نمی‌کنند مگر در حال ضرورت، در این فرض فروش آن واجب نیست. (آیت الله سیستانی)
فروختن به کمتر از قیمت بازار جایز نیست. (آیت الله مکارم)

کسب و کار و تلاش برای پرداخت بدهی

۱. پرداخت بدهی به غیر تکسب ممکن باشد

آیا فروختن کالا و اجاره دادن اموال و قرض کردن و... به منظور ادای بدهی واجب است؟^۱

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۵؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، م ۹۹۹؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری: ۹۶۰۸۱۱۰۰۱۵.

هنگام رسیدن وقت دین و مطالبه طلبکار، بر بدهکار واجب است به هر وسیله‌ای برای ادای آن سعی کند؛ ولو با فروختن کالا و مزرعه‌اش باشد یا مطالبه کردن از کسی که به او بدهکار است یا اجاره دادن املاکش باشد (غیر از حضرت امام: یا قرض کردن برای او حرجی نباشد) و غیر این‌ها. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۲

آیا قرض گرفتن برای پرداخت بدهی واجب است؟

چنانچه موعد پرداخت بدهی فرا برسد و طلبکار مهلت ندهد و اموالی هم ندارد که بدهی را پرداخت کند اما امکان قرض گرفتن وجود دارد، قرض بگیرد و بدهی را پرداخت کند. (آیت الله مکارم)

۲. تنها راه ادای دین تکسب باشد

آیا بر کسی که از پرداخت بدهی از سایر راه‌ها ناتوان است، کسب و کار و تلاش برای پرداخت آن واجب است؟^۳

کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر کاسبی برای او آسان باشد یا کارش کاسبی باشد، واجب است کسب کند و بدهی خود را بپردازد؛ بلکه در غیر این صورت نیز اگر بتواند کسی کند که لایق شأنش باشد، احتیاط واجب آن است که کسب کند و بدهی را بپردازد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

بدهکار باید برای پرداخت بدهی خود تلاش کند و از طریق کسب و کار یا راه‌های مشروع دیگر چیزی به دست آورد و بدهی خود را بپردازد. (آیت الله مکارم)

حکم مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی^۴

مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی چه حکمی دارد؟

اگر بدهکار غیر از مستثنیات دین چیزی نداشته باشد، بر طلبکار حرام است که با مطالبه و خواستن طلب، او را در تنگنا و زحمت قرار دهد؛ بلکه واجب است او را تا یسر و توانایی پیدا کردن مهلت بدهد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، بدون شرط کردنش در ضمن عقد^۱

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۰؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۴، م ۹۹۴.

۲. همان طور که گفته شد، این کارها در غیر مستثنیات دین لازم است (ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۰۰۹۱).

۳. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۰؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۹۹۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۴؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۴۳؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۸۷.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۱۶؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۴۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۰۰۰.

اگر کسی از فردی طلبکار باشد و بدهکار با داشتن قدرت پرداخت، از دادن بدهی خودداری کند، آیا هزینه‌های اثبات حق از قبیل ابطال تمبر، هزینه دادرسی، حق کارشناسی و حق وکالت، بر عهده طلبکار است یا بدهکار؟ در این مواقع اگرچه بدهکار معصیت کرده است، شرعاً ضامن هزینه‌های دادگاه نیست که طلبکار پرداخته است. (امام خامنه‌ای: در هر صورت در این گونه امور قوانین نظام جمهوری اسلامی لازم‌الاجراست.) (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی)

اگر به علت طرح دعوا در دادگاه، زانی متوجه طلبکار شده باشد، می‌تواند از بدهکار بگیرد. هزینه‌های معمولی و متعارف را که برای گرفتن مطالبات در میان مردم رایج است، نمی‌تواند بگیرد؛ ولی اگر هزینه‌های فوق‌العاده‌ای بپردازد، می‌تواند بگیرد؛ البته در صورتی که طرف مقابل دیون خود را به موقع نپردازد. (آیت‌الله مکارم)

استفتایی از امام خامنه‌ای

در باره هزینه‌هایی که بدهکار بابت وصول بدهی می‌کند فرموده‌اید: «طلبکار حق گرفتن این هزینه‌ها را ندارد؛ ولی در هر صورت، در این گونه امور قوانین نظام جمهوری اسلامی لازم‌الاجراست.» سؤال این است: ظاهراً طبق قانون، فقط در صورتی این هزینه‌ها از بدهکار گرفته می‌شود که طلبکار علاوه بر اصل بدهی، درخواست گرفتن این هزینه‌ها را نیز بدهد. در این فرض، طبق نظر امام خامنه‌ای، بدهکار ملزم به پرداخت هزینه‌هاست. اما آیا طلبکار حق درخواست چنین مطلبی را دارد؟ در هر صورت، اگر قانون بدهکار را به پرداخت هزینه‌ها ملزم کرد، آیا طلبکار حق گرفتن آن‌ها را دارد؟^۲

مجرد آنچه در سؤال آمده، ایجاد حق نمی‌کند. (امام خامنه‌ای)

گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، با شرط کردنش در ضمن عقد

طلبکار در ضمن عقدی، با بدهکار شرط می‌کند که «در صورت خودداری یا تأخیر بدهکار در ادای دین، اگر طلبکار برای وصول طلب هزینه‌ای بکند، بدهکار باید آن را بپردازد.» آیا چنین شرطی صحیح و لازم است؟^۳ اشکالی ندارد. (امام خامنه‌ای)

۱. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۸۶، س ۱۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۶۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۷۷، م ۸۸۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۲۹۸، سؤال ۸۷۰؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت استفتائات، احکام معاملات، خریدوفروش، متفرقه، اخذ هزینه‌های دریافت مطالبات از بدهکاران.

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۹۳۹۵۸۳۸۳.

۳. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۳۰۶۷۳۸۷۱۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۷۷، م ۸۸۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۲۹۷، س ۸۷۰.

اگر آن را در ضمن عقد لازم بر بدهکار شرط کرده باشند، می‌تواند آن را بگیرد. (آیت الله سیستانی)

جریمه بدهکار توسط دادگاه و ضمانت طلبکار^۱

آیا طلبکار در زمینه جریمه بدهکار از سوی دادگاه ضمانتی دارد؟
اگر بدهکاری که در پرداخت بدهی خود کوتاهی می‌کند، به پرداخت مالیات اجرای حکم، به دولت ملزم باشد، چیزی در این باره بر عهده وام‌دهنده نیست. (امام خامنه ای)

بیع دین (فروش بدهی)
حکم فروش دین و حالات مختلف آن را بیان کنید؟

فروش نقدی دین: فروش نقدی چک و...

الف. فروش دین صوری: اسکونت، چک دوستانه و...

فروش دین صوری مثل چک صوری که در مقابل طلب و بدهکاری نباشد و ذمه دهنده چک بری باشد، چه حکمی دارد؟^۲

این کار ربا و حرام است. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)
آنچه اشکال دارد و جایز نیست، این است که مبلغی از کسی قرض بگیرد و در برابر آن، چک مدت‌دار به مبلغ بیشتر از مبلغ قرض به او بدهد. این عمل، قرض ربوی و حرام است؛ اگرچه بعید نیست اصل قرض صحیح باشد. (امام خامنه ای)

ب. فروش دین حقیقی به کمتر به فرد ثالث به صورت نقد

فروش دین حقیقی، مثل چکی که طلبکار در مقابل طلب خود از بدهکار گرفته، به غیر بدهکار به صورت نقد چه حکمی دارد؟^۳

۱. سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، س ۱۷۵۹.

۲. سیدروح‌الله خمینی، *استفتائات*، ج ۲، ص ۱۷۶، س ۲۲۶؛ سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، ملحقات (۱۳)، تنزیل برات، م ۲۸۲۴؛ سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، س ۱۹۵۰؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، حواله چک و سفته، خرید و فروش چک

۳. سیدروح‌الله خمینی، *استفتائات*، ج ۲، ص ۱۷۶، س ۲۲۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، سؤال ۱۹۵۰؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ۹۹۱۶؛ سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، ملحقات (۱۳)، تنزیل برات، م ۲۸۲۴؛ سیدمحمدحسن

اگر سفته یا برات را به خود بدهکار به کمتر بفروشد، مانع ندارد؛ ولی فروش آن به غیرمدیون به کمتر، ربا و حرام است. (حضرت امام)

فروش چک مدت‌دار به دیگری به کمتر یا بیشتر از مبلغ مندرج در چک جایز است و اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

فروش چک مدت‌دار به خود بدهکار یا دیگری به کمتر به صورت نقد جایز است. (آیت الله مکارم)

اگر کسی از دیگری طلبی دارد که کشیدنی و پیمانه‌ای نیست، می‌تواند آن را به دیگری به کمتر بفروشد و پول آن را نقداً بگیرد؛ ولی اگر چیزی که در ذمه بدهکار است، وزنی یا پیمانه‌ای باشد و طلبکار بخواهد آن را به مثل خودش به کمتر بفروشد، ربا و حرام است. (آیت الله سیستانی)

نکته

۱. فروش مافی‌الذمه را که مکیل و موزون نیست به خود بدهکار به کمتر، همه فقها قبول دارند.
۲. در اینجا بحث فروش دین و طلب مطرح است؛ وگرنه کم کردن مقدار طلب مدت‌دار و گرفتن نقدی آن مشکلی ندارد و ما این بحث را در عنوان «جلوانداختن بدهی مدت‌دار در مقابل کاهش مبلغ آن» آورده‌ایم.

بیع دین به دین^۱

آیا فروش دین به دین جایز است؟

این مطلب را در چهار حالت بررسی می‌کنیم:

۱. فروش دین به دین در جایی که عوض و معوض هر دو قبل از بیع، دین و مدت‌دار باشد:^۲
چنین معامله‌ای، اگرچه وقتشان رسیده باشد، جایز نیست. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)
- خرید دین در صورتی جایز است که با پول نقد باشد. (آیت الله مکارم)
۲. فروش دین به دین در جایی که هر دو قبل از بیع، دین باشد و هر دو یا یکی از اساس حال باشد:

بنی‌هاشمی، توضیح المسائل/مراجع، ج ۲، ص ۸۷۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، اموربانکی، حواله چک وسفته، خریدوفروش چک.

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، م ۷؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۳، م ۹۹۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، خریدوفروش، متفرقات خریدوفروش، خریدوفروش دین.
۲. مثال برای اینکه عوض و معوض هر دو قبل از بیع، دین باشد، سه فرض دارد: ۱. زید و عمرو، هر کدام بر گردن دیگری دینی دارد و هر کدام دینی را که بر گردن دیگری دارد، در مقابل هم، به هم می‌فروشند؛ ۲. زید و عمرو هر کدام برگردن بکر دینی جداگانه دارند و دینی را که هر کدام بر گردن بکر دارد، به هم می‌فروشند؛ ۳. زید بر گردن بکر دینی دارد و عمرو بر گردن علی دینی دارد که باز زید و عمرو دین را به هم می‌فروشند. هر سه فرض باطل است؛ زیرا در هر سه فرض، دین قبل از عقد بیع است.

البته طبق نظر حضرت امام، بطلان گاهی به احتیاط است و گاهی به فتوا (نک: منابع پاورقی قبل).

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (حضرت امام)

جایز نیست (آیت الله سیستانی)

۳. اگر هیچ‌یک از عوض و معوض قبل از بیع، دین نباشد و هر دو به سبب بیع دین شود؛^۱

این بحث صورت‌های زیادی دارد که این مختصر (تحریر الوسیله) گنجایش آن را ندارد. (حضرت امام)

اگر عوضین هر دو به سبب بیع، دین شود، در صورتی که هر دو مدت‌دار باشد، عقد باطل است و در غیر این حالت عقد صحیح است. (آیت الله سیستانی)

قرض (وام)

تعریف قرض

قرض به چه معناست؟^۲

قرض عبارت است از تملیک مالی به دیگری به وجه ضمانت در ذمه به اینکه بدهکار آن مال را به عهده بگیرد تا (حضرت امام: خود آن مال را یا) در صورتی که مثلی است، مثل آن و اگر قیمی است، قیمت آن را بعداً به قرض دهنده بپردازد. به تملیک کننده «مقرض» یا «وام‌دهنده» و به قبول کننده ملک، «مقترض» یا «مستقرض» یا «وام‌گیر» یا «وام‌خواه» گفته می‌شود. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

حکم قرض دادن و قرض گرفتن

حکم قرض دادن

قرض دادن از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟^۳

قرض دادن به مؤمن، مخصوصاً برای نیازمند، از مستحبات مؤکد است.^۴ (مراجعتقلید)

۱. ظاهراً منظور بیع نسبه به نسبه است؛ مثلاً من یک کیلو سیب را که قرار است یک ماه دیگر تحویل شما بدهم با خصوصیات دقیق و مشخص، به یک کیلو پرتقال با خصوصیات دقیق و مشخص بفروشم که قرار است شما دو ماه دیگر تحویل من بدهید.

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، قبل از مسئله ۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، کتاب الذین و القرض، احکام القرض، قبل از مسئله ۱۰۲.

۳. سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، احکام قرض، قبل از مسئله ۲۲۷۳.

۴. در کلام فقها آمده است که استحباب مؤکد قرض به سبب خصوصیتی است که در آن وجود دارد و آن اینکه به وسیله آن نیاز او برآورده و گرفتاری اش برطرف می‌شود. از پیغمبر؟ صل؟ روایت شده است: «هرکسی به برادر مسلمانش قرض دهد، در مقابل هر درهمی که به او قرض داده، به وزن کوه احد از کوه‌های رضوی و طور سینا، برای او حسنه است. اگر در مطالبه اش با او مدارا کند، به برکت این مدارا، مانند برق چهنده فروزان، بدون حساب و عذاب از روی صراط می‌گذرد. هرکس برادر مسلمانش نزد او شکایتی برد و به او قرض ندهد، خداوند عزوجل در روزی که نیکوکاران را جزا می‌دهد، بهشت را بر او حرام می‌کند.»

قرض گرفتن

قرض گرفتن بدون نیاز یا با احتیاج اندک

قرض گرفتن در صورت احتیاج نداشتن به آن یا با احتیاج کم به آن، چه حکمی دارد؟^۱
قرض گرفتن در صورت احتیاج نداشتن مکروه است و با داشتن حاجت، کراهتش تخفیف پیدا می‌کند؛ بنابراین هر مقدار که نیاز شدیدتر باشد، کراهت کمتر می‌شود تا جایی که شدت احتیاج، کراهت را به کلی از بین می‌برد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

قرض کردن در صورت نیاز برای کاری ضروری

قرض کردن در صورتی که امر واجبی مثل حفظ آبرو وابسته به آن باشد، چه حکمی دارد؟^{۲ و ۳}
در این صورت، قرض کردن واجب می‌شود؛ مثل جایی که حفظ جان و آبرو و... وابسته به قرض کردن است. (حضرت امام)
در فرض سؤال، کراهت آن برطرف می‌شود. (آیت الله مکارم)

قرض گرفتن کسی که توانایی ادای آن را ندارد

قرض گرفتن کسی که توانایی ادای آن را ندارد، چه حکمی دارد؟^۴
بنا به احتیاط واجب، کسی که مالی ندارد تا با آن قرض خود را بدهد و احتمال و انتظار رسیدن چنین مالی را هم ندارد، جز در هنگام ضرورت قرض نگیرد، مگر اینکه قرض دهنده را از حال و وضعیت مالی خویش مطلع کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)
اگر احتمال نمی‌دهد که در حال یا آینده قادر به پرداخت باشد، اشکال دارد. (آیت الله مکارم)

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، م ۱؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، کتاب الدین و القرض، احکام القرض، م ۱۰۰۲.

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، م ۱؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۰۸۱۱۰۰۱۵.

۳. مشهور فقها در بحث تیمم می‌فرمایند: «اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید؛ ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند قرض خود را بدهد، واجب نیست قرض کند» (سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۶۶۶). دقت به این مسئله، در مانحن فیه می‌تواند کارگشا باشد.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۳۵ م ۱؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، کتاب الدین و القرض، احکام القرض، م ۱۰۰۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۰۸۱۱۰۰۱۵.

شروط لازم در قرض

شروط لازم در قرض دهنده و قرض گیرنده

برای صحت قرض چه شروطی در قرض دهنده و قرض گیرنده لازم است؟^۱

در قرض دهنده و قرض گیرنده شش شرط لازم است:

۱ تا ۵. بلوغ، عقل، اختیار،^۲ قصد^۳ و سفیه نبودن: در هر دوی قرض دهنده و قرض گیرنده، بلوغ، عقل، اختیار، قصد و سفیه نبودن شرط است. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)
۶. محجور نبودن^۴

در قرض دهنده و قرض گیرنده شرط است که محجور نباشند. (حضرت امام، آیت الله مکارم)
در قرض دهنده شرط است که ممنوع از تصرف در اموالش (آیت الله سیستانی: به جهت مفلس بودن) نباشد.
(آیت الله سیستانی)

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۶، م ۱۰۰۵؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۴۰.

۲. اختیار شرط است. مقصود از «مکره» کسی است که از ترک بیع ترسان باشد؛ از این جهت که دیگری با تهدید ضرر زدن به او یا دچار کردن او به حرج، بر ترک بیع مجبور کند؛ ولی اگر ناچاری و اضطرار، او را به فروختن وادارد، این اضطرار، به صحت آن ضرر نمی رساند؛ اگرچه این ناچاری به سبب این باشد که دیگری او را به چیزی الزام کرده است؛ مثل اینکه ظالمی او را ملزم کند که مبلغی بپردازد و او هم ناچار شود مالش را بفروشد تا آن را به او بپردازد.

۳. الف. قصد شرط است؛ پس قرض کسی که قصد ندارد، مانند مزاح کننده و اشتباه کار و سهو کننده، صحیح نیست. ب. اختیار شرط است و مقصود از «مکره» کسی است که از ترک بیع ترسان باشد، از این جهت که دیگری با تهدید به ضرر زدن به او یا دچار کردن او به حرج، او را بر ترک بیع مجبور کند؛ ولی اگر ناچاری و اضطرار او را به فروختن وادارد، این اضطرار، به صحت آن ضرر نمی رساند؛ اگرچه این ناچاری به سبب این باشد که دیگری او را به چیزی الزام کرده است؛ مثل اینکه ظالمی او را ملزم کند مبلغی را بپردازد و او هم ناچار شود مالش را بفروشد تا آن را به او بپردازد. ج. ممنوع از تصرف نباید باشد؛ یعنی قرض از غیرمالک واقع نمی شود در صورتی که از طرف او وکیل نباشد یا بر او ولایت نداشته باشد. پدر و جد پدری و وصی از طرف آن دو و نیز حاکم شرع بر شخص ولایت دارد. نیز از کسی که به علت سفاهت یا بی پولی یا غیر اینها از اسباب حجر، محجور باشد، قرض واقع نمی شود (سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۳ و کتاب البیع، القول فی شرائط المتعاقدين، الثالث: القصد).

۴. ممنوع از تصرف نباید باشد؛ یعنی از غیرمالک در صورتی که از طرف او وکیل نباشد یا بر او ولایت نداشته باشد، قرض واقع نمی شود و از کسی که به سبب سفاهت یا بی پولی یا غیر اینها از اسباب حجر، محجور باشد نیز قرض واقع نمی شود.
در حقیقت شرط ۵ و ۶ یک شرط است که تحت عنوان «مالک بودن در تصرف» جمع می شود. در باب بیع، «سفیه نبودن» و «محجور نبودن» تحت عنوان «مالک بودن در تصرف» یا «عدم محجوریت» ذکر شده است (نک: تحریر الوسیله، شروط متعاقدين)؛ اما اینکه در متن جدا ذکر شد، به این دلیل است که بعضی از فقها بین سفاهت که نوعی محجوریت است و محجور بودن به علل دیگر، در باب قرض بین قرض گیرنده و قرض دهنده، فرق گذاشته اند؛ لذا در باب قرض لازم است دو فرد از یک مفهوم کلی، جدا ذکر شود تا بتوانیم این دقت را حفظ کنیم.

قرض گرفتن از برخی غیرمسلمانان

قرض گرفتن پول از فرد مسیحی و یهودی و فرقه ضالّه بهائیت و قرض دادن به آنها چه حکمی دارد و آیا این کار برای مسلمان جایز است؟^۱

در غیر فرقه ضالّه بهائیت مانع ندارد. (حضرت امام)

قرض گرفتن یا قرض دادن به فرقه‌هایی مثل بهائیت، ناصبی‌ها، صوفی‌ها، اهل حق، دراویش و کفار اهل کتاب و کفار غیراهل کتاب چه حکمی دارد؟

اگر موجب تقویت کفر و باطل شود، جایز نیست. علاوه بر آن، به طور کلی، از هرگونه معاشرت با فرقه ضالّه مضلّه بهائیت اجتناب کنید. (امام خامنه ای)

هرگونه ارتباط یا قرض دادن یا قرض گرفتن از بهائیان یا ناصبی‌ها جایز نیست؛ همچنین از چنین دادوستدی با دراویش و صوفیه اجتناب کنید. در صورتی که قرض دادن یا قرض گرفتن از اهل حق موجب تقویت مذهب آنها نشود، اشکالی ندارد. همچنین در صورتی که قرض دادن یا قرض گرفتن از کفار باعث تحقیر مسلمانان نشود و مشکلی ایجاد نکند، مانعی ندارد. (آیت‌الله مکارم)

قرض گرفتن از شخصی که با منت قرض می‌دهد

قرض گرفتن از کسی که با خواری و منت قرض می‌دهد، چه حکمی دارد؟^۲
حرام نیست؛ اما خلاف احتیاط است احتیاط مستحب، ترک آن است. (آیت‌الله مکارم)

خصوصیات مالی که قرض داده می‌شود

۱. عین بودن (قرض دادن منفعت و دین)

آیا لازم است مالی که قرض داده می‌شود، عین باشد؟ قرض دادن چیزی که عین نیست مثل منافع، چه حکمی دارد؟^۳

مالی که قرض داده می‌شود باید (حضرت امام: بنا بر احتیاط واجب) عین باشد؛ پس وام دادن دین و منفعت صحیح نیست. (حضرت امام، آیت‌الله سیستانی)

۱. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۹۰، س ۲۵؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۳۰۶۷۳۸۷۱۱؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری: ۹۶۱۰۱۰۰۹۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، احکام معاملات، قرض، احکام قرض، احکام قرض‌دهنده.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله؛ القول فی القرض، م ۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷.

۲. مملوک بودن؛ قابلیت مالک شدن مال توسط مسلمان^۱

قرض دادن چیزی که تملک آن صحیح نیست، مثل شراب، چه حکمی دارد؟
مالی که قرض داده می شود، باید مملوک باشد؛ پس قرض دادن آنچه تملکش صحیح نیست مانند شراب و خوک، جایز نیست. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۳. مشخص بودن (قرض دادن چیز کلی)

آیا در قرض، شرط است که عین مشخصی باشد یا قرض دادن چیز کلی نیز صحیح است؟^۲
وام دادن چیز کلی، به اینکه عقد بر کلی واقع شود و آن را با دادن مصداقی از آن به او تحویل دهد، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (حضرت امام)
قرض دادن کلی در معین صحیح است؛ مانند قرض دادن یک عدد اسکناس پنج هزار تومانی از بین ده اسکناس پنج هزار تومانی معین. (آیت الله سیستانی)

۴. امکان ضبط اوصاف و خصوصیات آن

آیا در چیزی که قرض داده می شود، شرط است که تعیین اوصاف و خصوصیاتش ممکن باشد؟^۳
در قرض مثلی معتبر است از چیزهایی باشد که ضبط اوصاف و خصوصیات آن که قیمت و تمایل به آن با اختلاف آن ها مختلف می شود، ممکن باشد. اما در قیمی ها، مانند گوسفندان و جواهرات، امکان ضبط اوصاف آن ها معتبر نیست؛ بلکه همین که در وقت قرض دادن، قیمت آن ها معلوم باشد، کفایت می کند. (حضرت امام)

۵. معلوم بودن مقدار مال^۴

آیا در قرض، تعیین مقدار مال و صفات و خصوصیات آن لازم است؟
در قرض باید مقدار مال با پیمانه در چیزهایی که پیمانه می شود و با وزن در چیزهایی که وزن می شود و با شماره در چیزهایی که با شمردن اندازه گیری می شود، معلوم باشد؛ پس قرض دادن انباشته ای از طعام به صورت

۱. سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، القول فی القرض، م ۴؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، م ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷.
۲. سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۴؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، م ۱۰۰۶.

۳. سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۴.
۴. سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۵؛ ناصر مکارم شیرازی، *توضیح المسائل*، م ۱۹۴۰؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، م ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷.

گزاف صحیح نیست. اگر با پیمانه معینی اندازه شود و ظرف معینی پر شود که غیرپیمانه متعارف باشد یا با سنگ معینی وزن شود که غیر وزنه متعارف نزد مردم باشد، بعید نیست به آن اکتفا شود؛ لکن احتیاط خلاف آن است. (حضرت امام)

در قرض، تعیین مقدار مال و خصوصیات که ارزش مالی آن با اختلاف آن‌ها متفاوت می‌شود، لازم نیست. البته بر قرض‌گیرنده تحصیل علم به مقدار و صفات مال از باب مقدمه ادای آن لازم است. (آیت الله سیستانی)

در قرض باید مقدار و جنس مشخص باشد. (آیت الله مکارم)

۶. مبهم نبودن مال^۱

قرض باید بر جنس معین واقع شود؛ پس قرض دادن مبهم صحیح نیست؛ مانند: «یکی از این دو تا.» (حضرت امام)

قرض دادن شیء مبهم صحیح نیست. (آیت الله سیستانی)^۲

قرض گرفتن از کسی که حساب خمس ندارد

قرض گرفتن از کسی که می‌دانیم خمس نمی‌دهد و کلاً اهل پرداخت وجوهات شرعی نیست، چه حکمی دارد؟^۳

۱. مالی که در تعلق خمس به آن شک داریم

قرض گرفتن از این مال اشکالی ندارد. (مراجع تقلید)

۲. مالی که یقین داریم خمس به آن تعلق گرفته و خمسش پرداخت نشده

انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده‌اند، تصرف کند. (حضرت امام، آیت الله مکارم)

۱. سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۵؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، م ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷.

۲. کلمه «مبهم» در اینجا تصورات مختلفی دارد: یکی همان که حضرت امام فرمود: «مثلاً دو کیسه برنج با خصوصیات یکسان است و قرض‌دهنده می‌گوید یکی از این دو را قرض دادم»؛ اما فرض دیگر، مثل اینکه بگوید: «یک شیء را به تو قرض می‌دهم» و اصلاً مشخص نمی‌کند. اینکه حضرت امام و آیت‌الله العظمی سیستانی می‌گویند قرض مبهم صحیح نیست، متشکل از دو چیز است؛ اما مرادشان دو چیز است؛ زیرا آن مثال حضرت امام برای قرض مبهم، طبق نظر آیت‌الله العظمی سیستانی درست است؛ چراکه از نظر ایشان، کلی فی المعین در قرض اشکال ندارد. البته فرض آیت‌الله العظمی سیستانی طبق نظر همه اشکال دارد.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، *توضیح المسائل*، ج ۲، م ۱۷۹۵؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتاء: ۷۶۰۴۸۵.

قرض گرفتن از این مال اشکالی ندارد. (امام خامنه ای)
اگر صاحب مال خمس دهنده نباشد و گیرنده مسلمان اثناعشری باشد، اشکالی ندارد. (آیت الله سیستانی)

۳. مالی که یقین به تعلق خمس و شک در پرداخت آن داریم^۱

قرض گرفتن از این مال اشکالی ندارد. (امام خامنه ای)

خواندن صیغه؛ حکم معاطات در قرض^۲

آیا در صحت قرض، خواندن صیغه لازم است یا قرض معاطاتی صحیح است؟
در قرض لازم نیست صیغه بخوانند؛ بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

شرط بودن قبض و اقباض در صحت قرض^۳

آیا در صحت قرض و مالک شدن قرض گیرنده، تحویل گرفتن و تحویل دادن شرط است؟
در صحت قرض، تحویل گرفتن و تحویل دادن شرط است؛ پس قرض گیرنده مالی را که وام می گیرد، جز بعد از قبض، مالک نمی شود. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)
در قرض، قبض و اقباض شرط است و همین که در دسترس قرض گیرنده قرار گیرد، کافی است. (آیت الله مکارم)

شرط بودن تصرف در صحت قرض^۴

آیا تصرف کردن قرض گیرنده شرط صحت قرض است؟
تصرف کردن قرض گیرنده شرط صحت قرض نیست. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: ۷۶۰۴۸۵؛

۲. سید محمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۷۳.

۳. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۰۰۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۶۱۰۱۰۰۹۱.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب القرض، م ۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۷، م ۱۰۰۸؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۸۲.

نکته: با توجه به عنوان بعدی، از نظر آیت الله مکارم، حتی در صورت بقای عین مال، قرض گیرنده حق دارد از پس دادن خود آن عین خودداری کند؛ بنابراین از این حکم چنین برداشت می شود که ایشان تصرف را شرط نمی دانند.

باقی بودن عین مال قرضی و مطالبه قرض دهنده^۱

در صورتی که عین مال قرضی نزد قرض گیرنده موجود باشد، آیا صاحب مال حق مطالبه آن را دارد؟ اگر مالی که قرض کرده است، از بین نرفته باشد و صاحب مال آن را مطالبه کند، واجب نیست بدهکار آن را بدهد. اگر بدهکار بخواهد آن را بدهد، طلبکار می تواند نپذیرد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی) احتیاط مستحب دادن همان مال است. (آیت الله مکارم)

فسخ عقد قرض؛ لازم بودن عقد قرض^۲
آیا قرض عقد لازم است یا جایز؟ آیا قرض دهنده یا قرض گیرنده حق فسخ قرض را دارند؟
قرض عقد لازم است؛ پس وام دهنده حق فسخ آن و رجوع به عین قرض داده شده را، اگر موجود باشد، ندارد و وام گیرنده هم حق فسخ و برگرداندن عین را در قیمی ها ندارد.^۳ (حضرت امام)
قرض عقدی لازم است و قرض دهنده یا قرض گیرنده حق فسخ آن را ندارند تا با این فسخ عین قرض داده شده در صورت باقی بودن، به قرض دهنده برگردد. (آیت الله سیستانی)

نحوه مطالبه و پرداخت نوع کالا در قرض مثلی و قیمی
مطالبه و پرداخت نوع کالا در هریک از قرض های مثلی و قیمی به چه نحو باید باشد؟
نحوه مطالبه و پرداخت قرض مثلی و قیمی از این قرار است:

الف. در مثلی ها

۱. پرداخت مثل^۴

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۴۱، م ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۸؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۹۴۷؛

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۷؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۰۰۹.

۳. مثلاً فردی گوسفندی قرض گرفته بوده و الان پشیمان شده و می خواهد گوسفند را به صاحب قبلی اش پس بدهد و قرض را فسخ کند. در اینجا چنین حقی برای او نیست؛ لذا قرض دهنده می تواند این فسخ را نپذیرد و فقط به گرفتن قیمت راضی شود؛ حتی اگر قرض گیرنده بگوید: «اصلاً فسخ نمی کنم؛ اما این گوسفند را که همان است که قرض دادی، بیا به عنوان ادای دینت بپذیر.» در اینجا هم قرض دهنده می تواند از پذیرش این گوسفند امتناع کند و فقط به گرفتن قیمت راضی شود.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۸ و ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۰.

اگر مال قرض گرفته شده مثلی باشد، آیا پرداخت مثل آن کفایت می‌کند و آیا تغییر نکردن قیمت یا رضایت طرفین در کفایت کردن پرداخت مثل شرط است؟

مال قرض گرفته شده اگر مثلی باشد، پرداخت آن به پرداختن مثل آن است؛ هرچند قیمت آن تغییر کرده باشد. این همان وفایی است که متوقف بر رضایت دو طرف نیست. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

نکته: اگر مال مثلی قرض گرفته شده پول باشد، بحث محاسبه تورم و کاهش ارزش پول در آن مطرح است که در عنوان «بررسی راه‌های مطرح شده برای خلاصی از ربا در قرض» مطرح می‌شود.

۲. پرداخت قیمت یا جنس دیگری در مثلیات^۱

اگر مال قرض گرفته شده مثلی باشد، آیا پرداخت قیمت آن کفایت می‌کند؟

خیر، کافی نیست؛ مگر با رضایت طرفین. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی)

نکته: در این فرض اگر بر قیمت روز مشخصی توافق شود، تابع توافق است. در غیر این صورت، قیمت روز پس‌دادن دین ملاک است. (امام خامنه‌ای)

ب. در قیمی‌ها

۱. کفایت پرداخت قیمت در قیمی‌ها^۲

اگر آنچه قرض گرفته شده قیمی باشد، آیا پرداخت قیمت آن کفایت می‌کند؟

بله، کافی است و رضایت طرفین هم شرط نیست. (مراجع تقلید)

۲. معیار در قیمت^۳

ملاک، قیمت وقت وام گرفتن و قبض است؛ اگرچه احتیاط مستحب در مقدار تفاوت بین دو قیمت، مصالحه و رضایت‌دادن است. (حضرت امام)

اگر آنچه قرض کرده است قیمی باشد، مانند گوسفند، باید قیمت روز قرض را بدهد. (آیت الله سیستانی)

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، م ۸ و ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۶۰؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۲۵۴۵۵۸۵۶.

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۳۹، م ۸ و ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، م ۱۰۱۰؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۰.

۳. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۳۹، م ۸؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، م ۱۰۱۰؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۰.

تهاتر^۱ قهری در پرداخت دیون^۲

دیون بین دو فرد در چه صورت به نحو تهاتر قهری ساقط می‌شود؟

برای تحقق تهاتر قهری دو دین که در ذمه طرفین است، چند شرط لازم است: ۱. دو دین از نظر جنس یکی باشد؛ ۲. از نظر تمکن داشتن و تمکن نداشتن در ادای دین در موعد مقرر آن، دو طرف مثل هم باشند؛ ۳. مدتی که برای دو دین مقرر شده، یکی باشد؛ اما اگر مدت‌ها متفاوت است، در صورتی تهاتر قهری در دو دین جاری می‌شود که پرداخت دینی که اجلش نزدیک‌تر است، به تأخیر افتد تا زمان ادای دینی فرابرسد که اجلش دورتر است. (آیت‌الله سیستانی)

تهاتر یکی از اسباب سقوط دیون و تعهدات به شمار می‌آید و عبارت است از سقوط متقابل دیون دو شخص در برابر یکدیگر. اگر دیون متفاوت باشد، مازاد دینی که بیشتر بوده است، باقی می‌ماند. (آیت‌الله مکارم)

پرداخت مال حرام برای ادای دین^۳

پرداخت مال حرام برای ادای دین چه حکمی دارد؟

ادای دین با پرداخت مال فرد دیگر محقق نمی‌شود و ذمه بدهکار با آن بری نخواهد شد. (امام خامنه ای)

حکم ربادادن و رباگرفتن^۴

ربادادن و رباگرفتن از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ربادادن و رباگرفتن حرام است. (حضرت امام، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله مکارم)

حکم ربا درباره اشخاص و عناوین^۵

آیا حرمت ربا برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی، به طور یکسان ثابت است؟

بله، به طور یکسان ثابت است. (حضرت امام، امام خامنه ای)

۱. تهاتر عبارت است از سقوط دیون دو بدهکار به یکدیگر و براءة ذمه هریک به سبب تقابل دو مال متحد در جنس و وصف. در واقع، تهاتر ایفای دو دین به سبب تقابل آن دوست. از تهاتر به تقاص قهری نیز تعبیر شده است. تفاوت تقاص با تهاتر این است که تقاص امری اختیاری و از افعال قصدی به شمار می‌رود؛ ولی تهاتر از احکام شرعی و غیرمنوط به قصد مکلف است (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت؟ عهم؟، ج ۲، ص ۶۷۰).

۲. سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج ۱، ص ۲۴۸، س ۳۴۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۱۰۰۱۰.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۶۱.

۴. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۸۴.

۵. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۶۲۴؛ سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۱۲۸، س ۱۳۰؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، حکم ربا در شخصیت‌های متفاوت.

احتیاط واجب این است که میان این‌ها فرقی گذاشته نشود. (آیت‌الله مکارم)

معیار در شروط جایز و حرام در قرض^۱

معیار در شروط جایز و حرام در قرض چیست؟

در قرض، هر شرط جایزی که در آن نفع قرض‌دهنده نباشد، ولو اینکه به مصلحتش باشد، جایز است شرط شود. (حضرت امام)

هر شرطی که موجب جلب منفعت برای خود صاحب مال (قرض‌دهنده) بشود، ریاست. (آیت‌الله مکارم)
هر شرطی که ارزش مالی داشته باشد ولی بدون بیان شدن، در ضمن قرض ثابت باشد، شرط‌کردنش جایز است؛ در نتیجه، شروطی که ارزش مالی ندارد یا شروطی که مالی است ولی بدون بیان شدن در ضمن قرض، ثابت و الزامی است، مثل قرض، به شرط اینکه قرض‌گیرنده زکات واجب مال خودش را بدهد، اشکالی ندارند. (آیت‌الله سیستانی)

شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض^۲

شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض چیست و چه حکمی دارد؟

شرط ربوی پنهانی یعنی شرطی که عقد قرض مبنی بر آن واقع می‌شود، اما به زبان و در لفظ ذکر نمی‌شود؛ چه قبل از عقد، آن را صریحاً شرط کرده باشند یا آن را در نیت و باطن داشته باشند؛ به طوری که قرض بر آن پایه واقع شود. این نوع شرط برای قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده هر دو، حرام است. (حضرت امام، آیت‌الله سیستانی)

نکته: فقها حرمت شرط زیاده را مطلق آورده‌اند؛ لذا بحث شرط پنهانی، با همان توضیحی که گذشت، مورد اتفاق تمامی فقهاست و مطالب ذکرشده از باب تصریح ایشان بیان شد.

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۴۱، م ۱۸؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، شرط‌گذاشتن در قرض.

۲. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۹؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۷، م ۱۰۱۱.

شروط غیرجایز و ربوی در قرض

اقسام زیاده ربوی در قرض؛ شروط غیرمجاز در قرض

اقسام مختلف زیاده ربوی و حکم آن‌ها را بیان کنید؟
هرگاه قرض‌دهنده زیاده در قرض را شرط کند، قرض ربوی می‌شود و در حرمت شرط‌کردن زیادی، بین اقسام آن فرقی نیست.^۱ این اقسام عبارت است از:

الف. زیادی عینی^۲

شرط‌کردن زیادی عینی در قرض ربا و حرام است؛ چه وزنی باشد و چه عددی و چه غیر آن. (مراجع تقلید)
برخی از مثال‌های رایج برای این نوع زیادی در میان مردم عبارت است از: قرض‌دادن به شرط پرداخت خمس آن از سوی قرض‌گیرنده،^۳ قرض به شرط پرداخت اقساط آن که بیشتر از اصل قرض است،^۴ قرض‌دادن به شرط پرداخت هزینه‌های کار خاصی از سوی قرض‌گیرنده.^۵

ب. زیادی عملی^۶

زیادی عملی این است که قرض‌دهنده شرط کند بدهکار علاوه بر پرداخت قرض، برای او کاری انجام دهد. این نوع زیادی ربا و حرام است؛ مثل اینکه قرض‌دهنده به دیگری صد هزار تومان پول قرض دهد و شرط کند که باید ماشین من را مجانی تعمیر کنی. (مراجع تقلید)
نکته: زیادی عمل عبادی:^۷ این نوع زیادی اگر عرفاً ارزش مالی داشته باشد، ربا و حرام است؛ مثل شرط گرفتن روزه قضا یا ختم یک دور قرآن برای اموات قرض‌دهنده. اما اگر عمل عرفاً ارزش مالی نداشته باشد و صرفاً ارزش اخروی داشته باشد، ربا نیست؛ مثل اینکه به شخصی قرض دهد به شرط اینکه برای او دعا کند یا برای پدرش یک حمد و سوره بخواند. (آیت الله سیستانی)

۱. البته برخی از فقها برخی اقسام را یا متذکر نشده‌اند یا قبول نکرده‌اند.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۸۳.

۳. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۹۴، س ۳۳.

۴. محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج ۱، ص ۳۰۰، س ۱۱۶۴.

۵. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۷۹.

۶. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۸۳.

۷. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتا: ۵۷۱۳۹۷؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین،

ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، شرط تعلیم قرآن در قبال قرض.

اگر در قرض شرط زیادی عملی شود، در حالتی که عرفاً ارزش مالی ندارد، مثل شرط قرائت یک حمد و سوره برای اموات قرض‌دهنده، ربا و حرام است. (امام خامنه ای)

اگر کسی پولی به دیگری قرض دهد و بگوید: «به شرطی به تو قرض می‌دهم که تو نیز در مقابل، به فرزندان من قرآن تعلیم دهی»، احتیاط در ترک چنین شرطی است. (آیت‌الله مکارم)

ج. زیادی صفتی؛ تحویل جنس نوتر یا مرغوب‌تر و...^۱

شرط زیادی صفتی در قرض، ربا و حرام است. (مراجعتقلید)

چند مثال برای زیادی صفتی: قرض دادن طلای مستعمل یا شکسته به شرط تحویل طلای ساخته (حلقه، النگو و...)،^۲ قرض دادن برنج نامرغوب یا معیوب به شرط گرفتن برنج مرغوب.

د. زیادی انتفاع یا منفعت^۳

شرط زیادی انتفاع و منفعت در قرض حرام است. (حضرت امام و آیت‌الله سیستانی)

چند مثال برای زیادی انتفاع و منفعت:

۱. رهن خالص منزل ریاست؛ زیرا پولی که به صاحب‌خانه داده می‌شود، همان قرض است و شرط استفاده از منزل، شرط زیادی و ربوی است؛
۲. قرض به شرط انتفاع از عین رهنی و گروبی ریاست؛
۳. قرض به شرط اجاره منزل به‌بهای کمتر ریاست؛^۴
۴. قرض به شرط اینکه ماشین طرف مقابل برای مدتی دست قرض‌دهنده عاریه باشد نیز ربا محسوب می‌شود.

۱. سید محمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۸۳؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۳۹، م ۹؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۹۴۸.

۲. سید محمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۸۳.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، م ۹؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۳.

۴. مشهور فقها اجاره به شرط قرض را جایز می‌دانند؛ به غیر از آیت‌الله العظمی سیستانی (نک: عنوان «شرط قرض در ضمن اجاره»).

ه. زیادی حکمی

دلیل نام گذاری این زیادی به زیادی حکمی این است که در عرف مردم، زیادی به حساب نمی آید؛ اما از نظر فقهی، زیادی است. برخی از مثال های آن از این قرار است:

۱. قرض به شرط قرض^۱

قرض دادن به دیگری به شرط اینکه او نیز بعد از مدتی به ما قرض بدهد، ربا و حرام است. (امام خامنه ای و آیت الله سیستانی)

نکته: اگر پول در بانک یا صندوق قرض الحسنه گذاشته شود به این شرط که بعد از چند مدت به صاحب حساب قرض داده شود، قرض به شرط قرض و رباست.

تکلیف کسی که پول را به شرط وام در بانک گذاشته است^۲

کسی که پول را به شرط وام در بانک گذاشته است، چه تکلیفی دارد؟
هرگاه شرط مذکور، برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان وام باشد نه صاحبان صندوق، اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم)

۲. قرض به شرط انسداد حساب^۳

قرض به شرط انسداد حساب ربا و حرام است. مثلاً مؤسسه مالی اعتباری یا بانک پنج میلیون تومان قرض می دهد؛ به شرط اینکه موجودی حساب قرض گیرنده به مبلغ یک میلیون تومان (آیت الله سیستانی: که قبلاً افتتاح حساب کرده)، به نفع بانک یا مؤسسه مسدود باشد و وام گیرنده حق برداشت از حساب خویش را تا پرداخت آخرین قسط قرضش نداشته باشد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

قرض به شرط انسداد حساب چه حکمی دارد؟

جایز نیست. (امام خامنه ای)^۴

۱. سیدعلی خامنه ای، *اجوبه الاستفتاءات*، ص ۴۲۲، ۱۷۸۶، س ۴۳۰۰؛ سیدعلی سیستانی، *استفتائات*، ج ۱، ص ۲۲۹، س ۳۶۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی، *استفتای شخصی* از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۱۰۰۱۰.

۳. سیدروح الله خمینی، *استفتائات*، ج ۲، ص ۲۹۵، س ۳۶؛ سیدعلی سیستانی، *استفتائات*، ج ۱، ص ۲۲۹، س ۳۶۱؛ ناصر مکارم شیرازی، *استفتای شخصی* از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۲۱۰۰۵۳.

۴. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری ۷۷۶۷۲۵۵۹۷.

اگر قرض دادن صندوق به این مشروط باشد که قرض گیرنده مبلغی در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا و شرعاً حرام است. (امام خامنه ای)^۱

دریافت وام به شرط بلوکه شدن اشکالی ندارد؛ ولی چنانچه مقداری که نگه داشته اند، منافعی داشته باشد، به وام گیرنده تعلق دارد. (آیت الله مکارم)

بررسی جواز یا عدم جواز برخی از شروط در قرض

۱. شرط ضامن، رهن، کفالت یا چک و سفته

آیا شرط ضامن، رهن، کفالت یا چک و سفته در ضمن قرض جایز است؟^۲

اگر قرض دهنده در ضمن قرض شرط دریافت رهن و گرو شرعی بکند بدون انتفاع بردن از عین مرهونه، یا شرط ضامن یا شرط کفالت^۳ یا شرط دادن چک یا سفته کند، این شروط اشکالی ندارد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۲. شرط زمانی

آیا می توان برای پس گرفتن قرض زمان مشخصی را شرط کرد؟^۴

شرط زمانی اشکالی ندارد؛ به این معنا که مثلاً قرض دهنده بگوید: «من به شما قرض می دهم به شرط اینکه یک ماه دیگر طلبم را به من ادا کنی.» (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

نکته: تفصیل این بحث در عنوان «مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن» آمده است.

۳. شرط مکانی

آیا می توان در ضمن قرض شرط کرد که قرض در مکان خاصی پرداخت شود؟^۱

۱. با عرض ادب، یک صندوق با عنوان قرض الحسنه است که بدین صورت وام می دهد: من ده میلیون تومان پول در صندوق می گذارم و صندوق تقریباً بلافاصله با فاصله حدود یک ماه که صرف امور اداری وام می کند، مبلغ بیست میلیون تومان وام می دهد. اصل مال (ده میلیون تومان) تا پایان اقساط نزد صندوق می ماند. آیا این شیوه وام دادن ربوی است؟ (سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: ۸۲۹۲۹۲).

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۴۱، ۱۸؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۰، ۱۰۲۱.

۳. کفالت آن است که انسان متعهد شود هر وقت طلبکار بدهکار را خواست، او را حاضر کند. به شخص متعهد «کفیل» می گویند (سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۳۴۱).

۴. سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۷۴ و ۲۲۷۵.

شرط مکانی در قرض اشکالی ندارد؛ به این معنا که قرض‌دهنده در ضمن قرض شرط کند که قرض‌گیرنده بدهی را در مکان خاصی پس دهد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)
نکته: این بحث به تفصیل در عنوان «مکان پرداخت قرض» مطرح شد.

۴. شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی‌ها

آیا شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی‌ها صحیح است؟ در صورت صحت، آیا بیشتر بودن قیمت آن جنس اشکالی ندارد؟^۲
در قرض مثلی جایز است که قرض‌دهنده بر قرض‌گیرنده شرط کند از غیر جنس آن بدهد. این شرط بر او لازم است؛ به شرطی که هر دو در قیمت مساوی باشد یا آنچه بر او شرط شده، از آنچه قرض گرفته، قیمت کمتری داشته باشد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۵. شرط تخصیص قرض به افراد خاص

آیا شرط اختصاص یافتن قرض به افراد یا نهادهایی خاص، صحیح و لازم‌الاجراست؟
طبق قواعد کلی باب قرض، شرط تخصیص قرض به افراد خاص اشکال ندارد. مثلاً قرض‌دهنده می‌گوید: «من قرض می‌دهم به شرط اینکه قرض‌گیرنده سید یا طلبه یا عادل باشد.»

۶. شرط مصرف قرض در کار معینی^۳

آیا قرض‌دهنده می‌تواند شرط کند که قرض در کار مشخصی مصرف شود؟
شرط مصرف معین جایز است؛ مثلاً قرض‌دهنده شرط کند که قرض‌گیرنده وام را در مصارف مشخصی، مثل تحصیل علم یا درمان بیماری یا ازدواج یا خرید ماشین، صرف کند و این شرط واجب‌الاتباع است. (امام خامنه‌ای)
چنانچه شرط خاصی در اعطای وجه قرض الحسنه شده است، باید مطابق آن عمل شود. (آیت الله مکارم)

مصرف نکردن قرض در کار شرط شده

-
۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۴۱ م ۱۷ و ۱۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۰، م ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴.
 ۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۴۱ م ۱۵؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۰، م ۱۰۲۰.
 ۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۹۰؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۲۰۰۵۳.

آیا با اجازه متصدیان بانک، می‌توان وام را در جای دیگری غیر از آنچه شرط شده، مصرف کرد؟^۱
دو صورت دارد: گاهی وام قرض‌الحسنه است و متصدی اختیار تغییر اجازه در مصرف وام را دارد. در این صورت اشکال ندارد. ولی هرگاه از وام‌هایی است که سود می‌گیرند، در اینجا باید تحت عقود شرعی باشد و نمی‌توان از آن عقود تخلف کرد؛ مگر اینکه در مصرف جدید، عقد شرعی تازه‌ای منعقد کنند. (آیت‌الله مکارم)

۷. شرط‌هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد^۲

آیا شرط‌هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد، جایز است؛ مثل اینکه صد هزار تومان به دیگری قرض می‌دهد به شرط اینکه برای او یا دیگری دعا کند؟
بله، جایز است. (آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله مکارم)^۳

۸. شرط انجام واجبات یا ترک محرمات بر قرض گیرنده^۴

آیا شرط ترک محرمات الهی یا انجام واجبات عینی که بر قرض گیرنده انجام آن واجب است، صحیح است؟ مثلاً قرض دهنده به فرزندش قرض می‌دهد به شرط اینکه نماز صبحش را بخواند و نمازش قضا نشود، یا مثلاً قرض دهنده شرط کند به تو قرض می‌دهم به شرط اینکه غیبت نکنی یا دروغ نگوئی یا ربا نخوری؟
چنین شرطی بلامانع است؛ هرچند منفعتی برای خود قرض دهنده داشته باشد. همچنین رعایت مستحبات و ترک مکروهات هم به این دو مثال ملحق می‌شود. (آیت‌الله سیستانی)

۹. قرض به شرط بازکردن حساب و عضویت

قرض به شرط بازکردن حساب و عضویت در صندوق و... چه حکمی دارد؟^۵
اشکالی ندارد. (آیت‌الله مکارم)
آیا پرداخت وام یا ضمانت آن را می‌توان به بازکردن حساب پس‌انداز در صندوق مشروط کرد؟

۱. ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، مصرف وام برخلاف قرارداد، اجازه متصدی بانک در صرف وام برخلاف قرارداد.

۲. سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۳ و ص ۳۲۱، م ۱۰۲۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۲۰۰۵۳.

۳. برای تفصیل این شرط، نک: بحث «انواع زیادی ربوی» و «زیادی عملی».

۴. سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۰، م ۱۰۱۳.

۵. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۶، کتاب دین و قرض، ص ۵۴۳، س ۷۷۵۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۸۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۲۰۰۵۳.

اگر موجب نفعی برای وام‌دهنده نمی‌شود، اشکالی ندارد. (حضرت امام)
شرط بازکردن حساب پس‌انداز در صندوق اگر به این امر برگردد که اعطای وام به آن اشخاص مختص شود، بدون اشکال است؛ ولی اگر به این برگردد که وام‌گرفتن از صندوق در آینده مشروط است به اینکه متقاضی وام قبلاً مبلغی پول در بانک گذاشته باشد، این شرط منفعت حکمی در قرض است که باطل است. (امام خامنه‌ای)

۱۰. مستثنیات ربا

۱۰.۱. ربا بین پدر و فرزند

آیا رباگرفتن پدر و فرزند جایز است؟^۱
پدر و فرزند می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند. فرق ندارد فرزند، پسر باشد یا دختر. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم) اما ربا بین مادر و فرزند جایز نیست.

۱۰.۲. ربا بین پدربزرگ و نوه

پرداخت و دریافت ربا بین پدربزرگ و نوه او چه حکمی دارد؟^۲
ربا بین پدربزرگ و نوه جایز است. (آیت الله سیستانی)
احتیاط در اکتفا به فرزند است. (امام خامنه‌ای)
جایز نیست. (آیت الله مکارم)

۱۰.۳. ربا بین زن و شوهر

آیا رباگرفتن زن و شوهر جایز است؟^۳
پرداخت و دریافت ربا بین شوهر و همسر اشکالی ندارد. (حضرت امام، امام خامنه‌ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل/مراجع، ج ۲، م ۲۰۸۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات/س ۱۶۲۴.
۲. سیدعلی خامنه‌ای، سایت، استفتائات جدید، احکام معاملات، محدوده استثنای ربا؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتا: ۵۳۵۵۶۵؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۷۶، م ۲۳۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات خصوصی حرم، کد ۹۴۰۱۱۲۰۱۵۰.
۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل/مراجع، ج ۲، م ۲۰۸۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات/س ۱۶۲۴.

۱۰. ۴. ربا بین زن و شوهر در ازدواج موقت^۱

در جواز ربا بین زن و شوهر، فرقی بین عقد دائم و موقت نیست. (آیت الله سیستانی)
ربا بین زن و شوهری که عقد دائم خوانده‌اند، اشکالی ندارد؛ اما در عقد موقت حرام است. (آیت الله مکارم)

باقی ماندن ربای قرضی بین زن و شوهر بعد از طلاق

اگر بین زن و شوهری قرض ربوی منعقد شود و سپس از هم جدا شوند ولی قرارداد این قرض همچنان ادامه داشته باشد، آیا همچنان این قرض ربوی صحیح است؟^۲
در صورتی که قرض را تحویل گرفته، پرداخت اقساط آن مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

۱۰. ۵. رباگرفتن مسلمان از کافر و نه عکس آن

۱۰. ۵. ۱. کفاری که در پناه اسلام نیستند؛ کفار غیرذمی

رباگرفتن مسلمان از کفاری که در پناه اسلام نیستند، چه حکمی دارد؟^۳
جایز است. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی)

۱۰. ۵. ۲. کفاری که در پناه اسلام هستند؛ کفار ذمی

رباگرفتن مسلمان از کفاری که در پناه اسلام هستند، چه حکمی دارد؟^۴
معامله ربا با کفاری که در پناه اسلام است، حرام است. البته پس از انجام معامله، اگر ربادادن در شریعت او جایز باشد، می‌تواند از او زیادی را بگیرد. (آیت الله سیستانی)^۱

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۷۶، م ۲۳۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۳۰۰۱۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۳۰۰۱۷.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۰۸۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۶۲۴.

۴. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۰۸۰؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۷۵، م ۲۳۲؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۶۲۴.

ربا به صورت کلی حرام است؛ غیر از ربای بین پدر و فرزند و زن و شوهر و همچنین ربایی که مسلمان از کافر غیرذمی می‌گیرد. (امام خامنه ای)

۱۰. ۵. ۳. رباگرفتن از بانک‌های غیراسلامی

این مسئله حکم عنوان قبلی (کفار غیرذمی) را دارد.

۱۰. ۵. ۴. ربادادن مسلمان به کافر یا بانک‌های کشورهای غیراسلامی

ربادادن مسلمان به کافر یا بانک‌های کشورهای غیراسلامی چه حکمی دارد؟ در صورت جایز نبودن، چه راهی برای گرفتن وام از بانک‌های غیراسلامی پیشنهاد می‌کنید؟^۲

قرض گرفتن با قصد دادن سود حرام است؛ اگرچه اصل قرض صحیح است. فرقی بین بانک‌های اسلامی و غیراسلامی از این جهت نیست. (حضرت امام)

قرض گرفتن از بانک‌هایی که سرمایه‌شان به غیرمسلمانان متعلق است، چه این بانک‌ها خصوصی باشد و چه دولتی یا مشترک، به شرط پرداخت سود، حرام است. می‌توان برای رهایی از آن، مال را بدون نیت قرض از بانک گرفت و در آن تصرف کرد و نیازی به اذن حاکم شرع نیست؛ هرچند بداند که آن‌ها اصل مال و سود را از او خواهند گرفت. (آیت‌الله سیستانی)

ربادادن به کفار و بانک‌های حکومت‌های غیراسلامی مجاز نیست؛ مگر در صورت ضرورت که نگرفتن وام از آن‌ها باعث عسرو حرج یا ضعف و ذلت مسلمین در آن‌گونه کشورها شود. (آیت‌الله مکارم)

۱۰. ۶. یکسان بودن مستثنیات ربای معاملی و قرضی

چند صورت در باب حرمت ربا استثنا شده است: بین زوج و زوجه، بین مسلم با کافر، بین پدر و پسر. آیا این حکم مختص ربای معامله‌ای است یا شامل ربای قرضی هم می‌شود؟^۳

استثنا در ربای قرضی هم ثابت است. (حضرت امام)

در مستثنیات ربا، بین ربای معاملی و ربای قرضی فرقی نیست. (آیت‌الله سیستانی)

۱. نکتهٔ درخور توجه در این مسئله این است که اصل معاملهٔ ربوی در این حالت حرام است؛ ولی اگر کسی این کار حرام را انجام داد، با توجه به قید بیان شده، مالک زیادی می‌شود.

۲. سیدروح‌الله خمینی، *استفتائات*، ج ۶، کتاب دین و قرض، ص ۵۴۱، س ۷۷۴۴؛ سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، م ۲۸۰۴؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، گرفتن و دادن ربا به کفار.

۳. سیدروح‌الله خمینی، *استفتائات*، ج ۶، کتاب بیع ربا، ص ۲۰۴، س ۷۲۳۷؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ص ۷۵، م ۲۳۳۲.

۱۰.۷. تکلیفی یا وضعی بودن مستثنیات ربا

در جایی که ربا اجازه داده شده است، مثل رباگرفتن پدر از فرزند، آیا آن مقدار زیادی که شرط شده، دین آور است یا فقط باعث ایجاد حکم تکلیفی می شود و رباگیرنده با نپرداختن زیادی، فقط گناه می کند، ولی دینی ندارد؟^۱ مدیون است و باید طبق قراردادی که دارند، عمل کنند. (آیت الله مکارم)

۱۱. شرط کردن تخفیف یا زیادی به نفع قرض گیرنده

آیا شرط کردن زیادی در قرض به نفع قرض گیرنده جایز است؟^۲ شرط زیادی به نفع قرض گیرنده اشکالی ندارد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی) نکته: حکم جایی که شرط به نفع شخص ثالث است، در مسئله بعد می آید.

۱۲. شرط کردن زیادی به نفع شخص ثالث

آیا شرطی که هیچ سودی برای قرض دهنده ندارد، بلکه به نفع شخص ثالث است، در قرض جایز است؟^۳ در حرمت اشتراط زیادی در قرض، فرقی نیست که زیادی به قرض دهنده برگردد یا به غیر او. مثلاً اگر قرض دهنده بگوید: «صدهزار تومان به تو قرض می دهم به شرط اینکه ده هزار تومان به فقیر صدقه دهی، یا هزار تومان در مسجد یا جلسه امام حسین؟ ع؟ صرف کنی»، جایز نیست. همچنین است اگر بر او شرط کند مسجدی را آباد کند یا مجلس عزاداری یا سوگواری برپا کند یا مانند آن کارهایی انجام دهد که هزینه مالی دارد. (آیت الله سیستانی)

چنانچه منفعت به کسانی برگردد که به قرض دهنده مربوط است، چنین شرطی جایز نیست؛ چون در واقع نوعی رسیدن نفع به قرض دهنده است؛ ولی اگر شرط زیادی برای قرض دهنده نفعی نداشته باشد، بلکه منفعتی را برای مؤسسه خیریه یا مانند آن می طلبد، اشکالی ندارد؛ وگرنه ربا محسوب می شود و جایز نیست. (آیت الله مکارم)

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۱۴۰۰۱۶

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الذین و القرض، القول فی القرض، م ۱۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۹، م ۱۰۱۶.

۳. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: ۴۴۴۴۸۷؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۳؛ مکارم، سایت، استفتائات، شرط گذاشتن در قرض؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۲۱۰۰۵۳.

از امام خامنه ای در این زمینه دو استفتا در دست داریم که هر دو استفتا با یکدیگر سؤال شده است و منتظر پاسخ هستیم:

۱. آیا شرطی که هیچ سودی برای قرض‌دهنده ندارد، بلکه منفعت مالی آن برای شخص ثالث است، در قرض جایز است؟
جایز نیست. (امام خامنه ای)

شرط زیادی اگر برای قرض‌دهنده نفعی نداشته باشد، بلکه منفعتی را برای مؤسسه خیریه یا مانند آن می‌طلبد، اشکالی ندارد؛ وگرنه ربا محسوب می‌شود و جایز نیست. (امام خامنه ای)

۱۳. جوایز بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری و صندوق‌ها

جایزه‌دادن بانک‌ها به افرادی که حساب قرض‌الحسنه دارند و دریافت جوایز توسط برندگان چه حکمی دارد؟^۱
اگر شرط کند، اشکال دارد؛ ولی اگر جنبه داعی داشته باشد، اشکال ندارد. تفاوت این دو از اینجا روشن می‌شود که شخص سپرده‌گذار برای خود حق مطالبه از بانک قائل نباشد. (آیت‌الله مکارم)
در صورتی که سپرده‌گذاران سپرده‌گذاری را به قرعه‌کشی مشروط نکرده باشند و بانک‌ها صرفاً برای تشویق آنان و افزایش سپرده‌گذاری و تشویق دیگران به گشودن حساب چنین کرده باشند، این کار جایز است و گرفتن جوایز نیز از سوی برندگان جایز است؛ ولی اگر آن بانک‌ها دولتی یا مشترک باشند، باید برای قبض و تصرف در آن‌ها از حاکم شرع اجازه گرفت. در صورتی که بانک خصوصی باشد، گرفتن جایزه و تصرف در آن جایز است و به اذن حاکم شرع نیازی نیست؛ لکن اگر سپرده‌گذاران سپرده‌گذاری خود را در ضمن عقد قرض یا مانند آن، به قرعه‌کشی مشروط کرده باشند و بانک در پی اجرای این شرط، دست به قرعه‌کشی بزند، این کار جایز نیست. همچنین گرفتن جایزه از سوی کسی که قرعه به نامش درآمده، در صورتی که به‌عنوان وفای به شرط باشد، جایز نیست و بدون آن جایز است. (آیت‌الله سیستانی)
باز کردن حساب قرض‌الحسنه در بانک‌ها به نیت برنده‌شدن جوایز آن‌ها چه حکمی دارد؟ پس‌اندازهای قرض‌الحسنه و جایزه‌های آن اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

ربای قرضی در غیرمکیل و موزون

آیا ربای قرضی در غیرمکیل و موزون نیز محقق می‌شود؟^۱

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتائات، شماره استفتا: ۸۰۵۹۱۳؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (۹)، جوایز بانک، م ۲۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۵۸۶، سؤال ۱۶۹۵.

در حرمت قرض ربوی، فرقی نیست بین اینکه مال قرض داده شده ربوی (مکیل و موزون) باشد یا غیرربوی (شمردنی)، مثل گردو و تخم مرغ؛ یعنی در اموال غیرمکیل و موزون هم ربای قرضی محقق می شود. (حضرت امام، آیت الله مکارم)

پرداخت زیادی در قرض بدون شرط

اگر بدون اینکه قرض دهنده در ضمن قرض شرط زیادی کند، خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده است پس بدهد، چه حکمی دارد؟^۲
اشکال ندارد؛ بلکه مستحب است. (مراجع تقلید)

قرض دادن بدون شرط زیادی، ولی با انگیزه استفاده و منفعت

اگر انگیزه و نیت قرض دهنده دریافت زیادی باشد، ولی در ضمن عقد قرض، به هیچ نحوی شرط پرداخت زیادی نشود و به پرداخت اصل قرض هم راضی باشد، حکم چنین قرضی و گرفتن زیادی آن چیست؟^۳
اگر قرض دهنده شرط زیادی نکند، قرض ربوی نیست؛ هرچند انگیزه و نیتش دریافت زیادی باشد. مثلاً علی به حسین قرض می دهد و به او می گوید: «یک میلیون تومان به تو قرض دادم و هیچ نوع زیادی ای از تو نمی خواهم»؛ اما او می داند که حسین صد هزار تومان هدیه می دهد. این قرض ربوی نیست؛ ولی چون قصد قربت نداشته، پاداش اخروی ندارد و گرفتن زیادی برای قرض دهنده خصوصاً اگر قرض دادنش به این منظور باشد، مکروه است؛ بلکه اگر قرض گیرنده چیزی را به عنوان هدیه و مانند آن به او داد، برای قرض دهنده مستحب است آن را عوض طلبش حساب کند؛ به این معنی که به مقدار آن از طلبش کم کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

حکم گرفتن قرض ربوی در صورت اضطرار^۴

آیا دریافت وام ربوی در حال ضرورت جایز است؟

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۳۹، م ۹؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۹۹، س ۶۷۳

۲. سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۸۳؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۵۸ و ۱۷۷۵.

۳. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، م ۱۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۵

۴. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتائات، شماره استفتا: ۸۰۶۱۳۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، حکم ربا در صورت اضطرار.

صرف توهّم اضطرار مجوز شرعی برای گرفتن آن نیست؛ مگر اینکه به حدی مضطر باشد که ارتکاب حرام را مجاز کند. ولی شخص می‌تواند در این صورت برای اینکه مرتکب حرام نشود، پرداخت مبلغ اضافی را قصد نکند؛ هرچند بداند که آن را از او خواهند گرفت. (امام خامنه ای)
به مقدار اضطرار در فرض اضطرار مانعی ندارد. (آیت‌الله مکارم)

ارث بردن مالی که در آن ربا باشد^۱

تکلیف کسی که مال ربوی به ارث برده است، چیست؟
اگر مالی را ارث ببرد که ربا در آن باشد، اگر مال ربوی با مال حلال مخلوط شده باشد، چیزی بر عهده‌اش نیست؛ ولی اگر مال ربوی معلوم باشد و صاحبش را بشناسد، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر صاحبش را شناسد، باید با آن مانند مال مجهول‌المالک برخورد کند. (آیت‌الله سیستانی)
آنچه از راه ربا به دست آمده، باید به صاحبان آن برگردد و در صورت شناختن او، به فقیر صدقه داده می‌شود. (حضرت امام)

حکم اصل قرضی که در آن شرط زیادی ربوی شده^۲

آیا اصل قرض ربوی صحیح است؟
کسی که قرض ربوی گرفته، کار حرامی کرده و باید توبه کند؛ ولی اصل قرض صحیح است و مالک آن می‌شود و می‌تواند در آن تصرف کند. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیت‌الله سیستانی)
نکته: آیت‌الله سیستانی در قرض از بانک‌های دولتی و مشترک، نکته‌ای فرموده‌اند که در بخش بررسی راهکارهای رهایی از ربا ذیل عنوان «قرض گرفتن از اموال بانک‌های دولتی و مشترک از طرف حاکم شرع» بیان شده است.
کسی که قرض ربایی گرفته مالک آن نمی‌شود و تصرف در آن جایز نیست؛ ولی چنانچه قرض‌دهنده با علم به بطلان قرض و مالک‌نشدن سود، راضی به تصرف قرض‌گیرنده باشد، به طوری که رضایت او مبنی بر این معامله باطل نباشد، تصرف قرض‌گیرنده در آن مال جایز است. (آیت‌الله مکارم)

۱. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، س ۱۶۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۲، م ۱۰۲۷؛
۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۸۴؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۷۷۴ و ۱۷۷۸ و ۱۷۸۱.

مطالبه زیادی پرداخت شده^۱

آیا قرض گیرنده که اصل قرض را با زیادی به قرض دهنده پس داده است، حق مطالبه زیادی را دارد؟
قرض گیرنده حق دارد زیاده‌ای را که داده، مطالبه کند. (حضرت امام)

حکم زیادی که در قرض ربوی گرفته شده^۲

قرض دهنده درباره زیاده‌ای که در قرض ربوی گرفته است، چه تکلیفی دارد؟
باید عین یا عوض زیادی به بدهکار پرداخت شود (حضرت امام: و در صورت یأس از یافتن مالک واقعی، از طرف او به فقرا صدقه داده شود.) (حضرت امام، امام خامنه ای)
قرض دهنده مالک زیاده‌ای که می‌گیرد، نمی‌شود؛ ولی چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نگذاشته بودند، قرض گیرنده راضی بود که قرض دهنده در آن پول تصرف کند، تصرف او جایز است. (آیت الله سیستانی)
نکته

۱. فقها بر حرمت وضعی گرفتن زیادی و لزوم برگرداندن آن به مالکش اجماع دارند و این دیدگاه‌ها صرفاً برای تصریحی که شده بود، بیان شد.
۲. اگر رباگیرنده جاهل بوده است، به عنوان «حکم کسی که جاهل به حکم یا موضوع ربا بوده است» در همین نوشته رجوع شود.

حکم چیزی که با مال به دست آمده از ربا خریده شود

چیزی که با مال به دست آمده از ربا خریده شود، چه حکمی دارد؟
الف. چیزی که با عین مال ربوی خریده شود^۳
اگر پول ربایی یا حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید: «این لباس را با این پول می‌خرم»، پوشیدن آن لباس حرام است.^۴ (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

۱. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۱۴۴، س ۱۶۶
۲. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۱۴۲، س ۱۶۵؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۷۳؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۳۰۲.
۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۸۶.
۴. نظر مراجع درباره حکم نماز خواندن در این لباس: اگر بداند پوشیدن آن حرام است، نماز هم با آن باطل است. (حضرت امام)

ب. چیزی که به ذمه خریده شود و بهای آن از مال ربوی داده شود^۱

اگر لباسی بخرد و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته، یا از پول حلالی که مخلوط با رباست، به صاحب لباس بدهد، چنانچه موقع خرید قصدش بوده که از این پول بدهد، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست. (حضرت امام)

اگر لباسی بخرد و بعداً از پول ربا یا از پول حلال مخلوط به ربا به صاحب لباس بدهد، لباس را مالک می‌شود و پوشیدن و نماز خواندن با آن اشکال ندارد. (آیت الله سیستانی)

اگر لباسی را به ذمه بخرد و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته، یا از پول حلال مخلوط به ربا به صاحب لباس بدهد، چنانچه موقع خرید قصد داشته از این پول بدهد، بنا بر احتیاط پوشیدن آن لباس جایز نیست و نماز خواندن در آن اشکال دارد. اگر در هنگام خرید، چنین قصدی نداشته باشد، پوشیدن آن لباس جایز و نماز در آن صحیح است ولی ذمه او با مال حرام ادا نمی‌شود. (آیت الله مکارم)

نکته: این مطلب در دو جا کاربرد دارد:

۱. در مقدار مبلغ زیادی که قرض‌دهنده پس گرفته است؛

۲. در اصل قرض ربوی از نظر مراجعی که اصل قرض را باطل می‌دانستند.

ولی در جایی که به هر دلیل، ولو به جهت رضایت مطلق صاحب مال به تصرف دیگری، این تصرفات جایز است، این مطلب کارایی ندارد.

حکم کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است^۲

آیا کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است، مالک مال ربوی می‌شود؟ نه، نمی‌شود. (امام خامنه ای)

اگر کسی به علت جهل به حکم یا موضوع ربا یا هر دو، قرض ربوی به شخصی داده و ربا گرفته است، یعنی نمی‌دانسته ربا گرفتن حرام است، اگر چنین کسی توبه کند و تصمیم جدی بگیرد که دیگر چنین کاری انجام ندهد، آنچه را در زمان جهل به عنوان ربا از اشخاص گرفته است، مالک می‌شود و تصرف در آن‌ها اشکال ندارد. (آیت الله سیستانی)

۱. سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۸۶،

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۷۷۶۷۱۱۰۵؛ سید علی سیستانی، توضیح المسائل،

م ۲۲۵۰؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۰۲۶؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معامله ربوی با جهل به موضوع.

اگر معامله ربوی با جهل به موضوع صورت بگیرد و بعد آشکار شود که ربا بوده است، معامله صحیح نیست. (آیت‌الله مکارم)

حکم مشارکت در پرداخت قرض ربوی با کار کردن در بانک‌ها و...^۱

مشارکت در پرداخت قرض ربوی چه حکمی دارد؟ آیا اگر جایی مثل بانک قرض ربوی بدهد، حقوق کسانی که در دادن این قرض مشارکت دارند و کسانی که مشارکت ندارند، حرام است؟ هر کس کاری کند که به نحوی در عقد قرض ربوی یا در انجام و تکمیل آن یا در تحصیل و دریافت ربا از قرض گیرنده دخیل باشد، شرعاً حرام است و انجام‌دهنده آن کار، مستحق دریافت اجرت نیست. در جایی که هم درآمد حلال دارد و هم درآمد حرام، اگر کسی به کار حرام اشتغال نداشته باشد، کار کردن و دریافت حقوق مانعی ندارد. (امام خامنه ای)

اشتغال در بخش‌های ربوی بانک جایز نیست و باید یا شغلش را تغییر دهد یا در بخش‌هایی از بانک فعالیت کند که اصلاً با امور ربوی مثل قبض و اقباض ربا، ثبت و کتابت عقود ربوی و بایگانی پرونده‌های مشتمل بر ربا ارتباطی ندارد. (آیت‌الله سیستانی)

با توجه به اینکه بانک‌ها درآمدهای حلال نیز دارند و کارمندان بانک نمی‌دانند حقوقشان از کدام قسم است، گرفتن آن برای آن‌ها جایز است؛ مشروط بر اینکه در قسمتی که کار حرام صورت می‌گیرد، اشتغال نداشته باشند. (آیت‌الله مکارم)

معیار در قبول و رد راهکارهای فرار از ربای قرضی^۲

معیار در قبول یا رد راهکارهای فرار از ربای قرضی چیست؟ ربای قرضی به هیچ شکل حلال نمی‌شود؛ لذا اگر کسی بخواهد پولی قرض کند و ربا بدهد یا قرض بدهد و ربا بگیرد و به یکی از راه‌هایی مذکور در بعض رساله‌های عملیه بخواهد از ربا فرار کند، جایز نیست و زیاده‌ای که می‌گیرد، بر او حلال نمی‌شود؛ پس ربای قرضی به هیچ وجه حلال نیست. (حضرت امام، امام خامنه ای)

۱. سیدعلی خامنه‌ای، *جوبه الاستفتاءات*، س ۱۷۷۷؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتاء: ۶۱۱۳۹۷؛ سیدعلی سیستانی، *استفتائات*، ج ۱، س ۳۶۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۴۰۰۸.

۲. سیدروح‌الله خمینی، *توضیح المسائل*، م ۲۷۵۳؛ ناصر مکارم شیرازی، بررسی طرق فرار از ربا، ص ۱۰۹؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتاء: ۷۵۲۶۴۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، *توضیح المسائل* مراجع، ج ۲، ص ۸۴۲.

نکته: همان طور که در ادامه خواهد آمد، حضرت امام برخی از راهکارها را می‌پذیرند که ظاهراً موضوعاً از بحث ربا خارج است.

حیله‌های فرار از ربا اقسام متعددی دارد که بعضی از آن‌ها جایز و برخی از آن‌ها غیرجایز و نادرست است:

۱. حیله‌هایی که قصد جدی در آن وجود ندارد؛ مثل ضمیمه کردن یک قوطی کبریت به وام، یا معامله و فروختن آن به صدها برابر قیمت! این نوع حیله‌ها مشروع نیست.

۲. حیله‌هایی که بر فرض قصد جدی در آن باشد، عقلایی نیست و عقلاً آن را عملی سفیهانه می‌دانند. این قسم نیز باطل است.

۳. حیله‌هایی که قصد جدی در آن متصور است و سفهی هم نیست؛ اما محتوا و فلسفه حرمت ربا در آن کاملاً موجود است؛ یعنی این حیله، فلسفه تحریم ربا را از بین نبرده است. این قسم نیز باطل است.

۴. حیله‌هایی که صورت عقلایی دارد و صورت‌سازی نیست؛ مانند دو معامله مستقل که هیچ ارتباطی با هم نداشته باشد. این نوع حیله و هرآنچه مانند آن است، جایز است. در واقع حیله به معنای منفی آن نیست؛ بلکه نوعی چاره‌جویی است. (آیت‌الله مکارم)

معنای فرار از ربا

حضرت امام و امام خامنه‌ای درباره برخی از معاملات شرعی که مؤمنان برای کسب روزی حلال انجام می‌دهند، حلیت آن‌ها را مشروط به این کرده‌اند که «برای فرار از ربا نباشد». مثلاً در بیع شرط، بیع عینه، بیع نقد و نسیه. در واقع فردی که این معاملات را انجام می‌دهد، در عین حال که قصد رهایی (فرار) از ربا را دارد، معامله را هم به صورت جدی قصد می‌کند؛ لذا معنای قصد فرار از ربا چندان در این مواقع واضح نیست. اگر معنای ظاهری این قید را در نظر بگیریم، امر مشکل می‌شود. آیا مراد همان حرف مشهور مبنی بر قصد جدی داشتن در معامله نیست؟^۱

اگر انگیزه‌اش مبتلانشدن به ربا باشد و به منظور آن واقعاً معامله انجام شود و به آثار آن پایبند باشند، به نحوی که هرکس که این عمل را ببیند، بگوید در حال معامله هستند، اشکال ندارد؛ ولی اگر قصد پایبندی به آثار معامله را ندارند، صحیح نیست. تشخیص آن با خود مکلف است. (امام خامنه‌ای)

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتا: ۸۳۳۱۴۷.

بررسی راه‌های مطرح‌شده برای خلاصی از ربا در قرض

۱. قرارداد بیع شرط؛ بیع الخيار^۱

منظور از قرارداد بیع شرط این است که شخص متقاضی وام، منزل یا ماشین یا چیز دیگری را که ملک اوست یا قسمتی از آن را به وام‌دهنده معمولاً به قیمتی کمتر می‌فروشد؛ ولی شرط می‌کند اگر تا مدت معینی، مثلاً تا یک سال یا در تاریخ معینی، پول را برگرداند، می‌تواند معامله را فسخ کند.

حکم شرعی قرارداد بیع شرط را بیان کنید؟

در قرارداد بیع شرط اگر فروشنده و خریدار قصد جدی^۲ معامله داشته باشند، این معامله صحیح است. (مراجعتقلید)

اگر بیع شرط، حيله و وسیله‌ای برای فرار از ربا باشد، حکم ربا را دارد و معامله باطل است. (حضرت امام)

۲. اجاره به شرط تملیک^۳

آیا می‌توان قرارداد اجاره به شرط تملیک را که در بانک‌ها یا شرکت‌ها و اشخاص حقوقی و گاهی بین اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد، راهی شرعی برای تخلص از ربای قرضی دانست؟

اجاره به شرط تملیک عبارت است از واگذاری ملکی به اجاره ماهانه به مبلغ معینی تا مدت مثلاً ده سال یا بیست سال یا کمتر یا بیشتر با شرط ضمنی تملیک آن به مستأجر در پایان مدت اجاره مجاناً یا با دریافت مبلغ مختصری که در ضمن شرط، آن مبلغ را تعیین می‌کنند. چنین معامله‌ای شرعاً صحیح و بی‌اشکال است و مستأجر حق مطالبه تملیک عین مستأجره به خود را در پایان مدت اجاره دارد و اجاره‌دهنده شرعاً به عمل به چنین شرطی مکلف است. (امام خامنه‌ای)

ملکی به صورت مشارکت خریده می‌شود و سپس یکی از شرکا سهم خود را به شریک دیگر، اجاره به شرط تملیک می‌دهد؛ به طوری که بعد از پرداخت تمامی مال الاجاره که طبعاً بیش از پولی است که شریک برای آن سهم داده بود، قسمت اجاره داده شده به ملکیت مستأجر درمی‌آید. این نوع معامله در بانک‌ها و شرکت‌ها رایج

۱. سید محمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۱۲۶ و ۲۱۲۷؛ سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۷۱، س ۱۳ و ج ۲، ص ۱۳۷، س ۱۵۱.

۲. نشانه نداشتن قصد جدی این است که او هرگز به واگذاری منزلش به این مبلغ راضی نیست و اگر یک سال سپری شود و نتواند مبلغ مزبور را تهیه کند، صدای اعتراض بلند خواهد شد که من به واگذاری منزلم راضی نبوده و نیستم (ناصر مکارم شیرازی، بررسی طرق فرار از ربا، ص ۴۹).

۳. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، آرشیو استفتائات جدید، احکام معاملات، اجاره، قرارداد اجاره به شرط تملیک؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۲۹۴، ربای قرضی، سؤال ۸۶۶؛

است و اشخاص حقوقی و گاهی اشخاص حقیقی آن را انجام می‌دهند. آیا چنین معامله‌ای را می‌توان راهی شرعی برای تخلص از ربای قرضی دانست؟

اگر در اجاره به شرط تملیک قصد جدی باشد، مانعی ندارد و ربا محسوب نمی‌شود؛ ولی اگر جنبه صوری دارد و برای فرار از ربا باشد، جایز نیست. (آیت‌الله مکارم)

نکته: «تملیک به نحو شرط نتیجه» در اینجا به این معناست که ملک در پایان مدت اجاره، خودبه‌خود به ملکیت مشتری یا مستأجر درآید. «تملیک به نحو شرط فعل» در اینجا یعنی که مالک ملک را اجاره دهد، مشروط به اینکه در پایان مدت اجاره، مالک ملک را هبه کند یا صلح کند یا به‌مبلغی، به تملک مستأجر درآورد. از این دو، راه مطمئن و مورداتفاق تملیک به نحو شرط فعل است.

۳: بیع عینه؛ شرط فروش جنس به خود فروشنده^۱

مقصود از «بیع عینه» چیست؟ حکم شرعی آن را بیان کنید.

برای این مسئله دو فرض بیان می‌کنیم:

الف. بیع عینه معامله‌ای است که فروشنده کالایش را نسیه بفروشد و در ضمن معامله، بر مشتری شرط کند که دوباره آن را نقداً به کمتر از قیمت خرید به او بفروشد؛ نیز اگر مشتری کالای فروشنده را نقداً بخرد و در ضمن معامله، بر فروشنده شرط کند که فروشنده دوباره آن را از او نسیه به بیشتر از قیمت خرید بخرد. بنا بر احتیاط واجب، این بیع باطل است. اگر چنین معامله‌ای به‌منظور فرار از ربا باشد، جایز نیست و محکوم به بطلان است. (حضرت امام)

برخی افراد بعضی از املاک خود را به این شرط می‌فروشند که دوباره آن را از همان مشتری به قیمتی بیشتر از قیمتی بخرند که به او فروخته‌اند. آیا این بیع صحیح است؟

این نوع بیع صوری و وسیله‌ای برای دستیابی به قرض ربوی و حرام و باطل است. بله، اگر ملک خود را به‌طور جدی و به‌نحو صحیح شرعی بفروشند و سپس آن را به همان قیمت یا بیشتر، از مشتری نقد یا نسیه بخرند، اشکال ندارد. (امام خامنه‌ای)

معامله مذکور باطل است. (آیت‌الله سیستانی)

در صورتی که در دو معامله جدی و جداگانه باشد، اشکالی ندارد. (آیت‌الله مکارم)

ب. فروشنده کالایش را نسیه بفروشد و شرط نکند که دوباره آن را نقداً به قیمت کمتر از خرید به او بفروشد؛ به‌طوری که مشتری کاملاً مختار باشد کالایش را به هرکس خواست بفروشد. همچنین مشتری با فروشنده

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب البیع، القول فی القصد و النسیه، م ۴؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۵۳۹ و ۱۶۲۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۷۳ و ۲۰۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۴۰۰۸.

شرط نکند که فروشنده دوباره آن را نقداً به کمتر از قیمت خرید از او بخرد؛ به طوری که فروشنده کاملاً مختار باشد کالای فروخته شده را بخرد یا نخرد و بعد از معامله، خریدار همان کالا را به فروشنده اول نقد بفروشد.

این معامله اشکال ندارد. (آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

این معامله اشکال ندارد؛ ولی اگر چنین معامله‌ای به منظور فرار از ربا باشد، جایز نیست و هر دو معامله محکوم به بطلان است. (حضرت امام)

اگر ملک خود را به طور جدی و به نحو صحیح شرعی بفروشند و سپس آن را به همان قیمت یا بیشتر، از مشتری نقد یا نسیه بخرند، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

۴. فروش نقد و نسیه^۱

استفاده از معامله نقد و نسیه طبق این مثال چه حکمی دارد؟؛ علی به خرید کالایی نیاز دارد؛ ولی پول لازم را ندارد و حسن پول دارد و می‌خواهد از آن درآمد حلال کسب کند. آیا جایز است حسن آن کالا را نقد بخرد و با قیمت بیشتر به علی نسیه بفروشد، یا خود علی را وکیل کند تا از طرف حسن آن را نقد بخرد و به خودش به صورت نسیه بفروشد؟

اگر قصد آنان حيله برای فرار از ربا نباشد و در هر دو معامله قصد جدی خرید و فروش داشته باشند، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

اگر همان طور که وکالت در خرید دارد، وکالت در فروش حتی به خودش داشته باشد، مانعی ندارد و ربا محقق نمی‌شود. (آیت الله مکارم)

۵. گرفتن کارمزد در قرض^۲

آیا گرفتن کارمزد در قرض جایز است؟

پرداخت کارمزد به بانک یا صندوق قرض الحسنه برای اخذ وام، اگر به عنوان اجرت عمل قرض دادن از قبیل ثبت در دفتر و ثبت سند و سایر مخارج صندوق مانند آب و برق باشد و به سود وام برنگردد، دادن و گرفتن آن و همچنین دریافت وام اشکال ندارد. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیت الله مکارم)^۳

۱. سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، س ۱۶۱۹؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، احکام وام‌ها، راه حل فرار از ربا در فروش اقساطی اتومبیل.

۲. سیدروح الله خمینی، *استفتائات*، ج ۲، ص ۲۹۷، س ۳۹؛ سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، س ۱۷۸۶؛ ناصر مکارم شیرازی، *استفتائات جدید*، ج ۱، ص ۱۹۷، سؤال ۶۶۵.

۳. حکم کارمزد درباره بانک‌ها و معاملات بازاری فرقی نمی‌کند (ناصر مکارم شیرازی، *استفتائات جدید*، ج ۱، ص ۴۱۶، س ۳۸۲). کارمزدهایی که اضافه بر هزینه‌های کارکنان و سایر هزینه‌های جنبی است و به جیب بانک می‌ریزد، ربا و نامشروع است و تغییر نام هرگز ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد (ربا و بانکداری اسلامی، ص ۱۳۷).

اگر قرض‌دهنده صاحبان سهام در صندوق یا مؤسسه یا بانک باشند یا خودِ جهت و عنوان خاص، مثل صندوق یا مؤسسه، قرض‌دهنده باشد، قرض به شرط دریافت کارمزد و حق الزحمه ربا و حرام است. (آیت‌الله سیستانی)^۱

اضافه‌آمدن مقداری از کارمزد^۲

کارمزد برای مخارج صندوق گرفته می‌شود؛ لذا مسئولان محترم صندوق باید طوری محاسبه کنند که کارمزد به مقدار هزینه‌های جاری صندوق مانند آب و برق و حقوق کارمندان باشد. حال اگر این محاسبه صورت گرفته و احياناً مبلغی اضافه آمد، مصرف آن به نظر مسئولان صندوق بستگی دارد. (امام خامنه ای)

راهکارهای شرعی اخذ کارمزد یا گرفتن قرضی که کارمزد دارد

آیا برای گرفتن کارمزد در قرض یا گرفتن قرض کارمزددار، راهکار شرعی وجود دارد؟^۳
اگر صاحبان سهام یا جهت^۴، هیچ شرطی در اساسنامه صندوق یا مؤسسه یا بانک برای دریافت کارمزد ندارند و قرض‌گیرنده به‌نحو جعاله به کارمندان صندوق یا مؤسسه یا بانک می‌گوید: «اگر مقدمات گرفتن وامی را برایم فراهم کنید، مبلغی حق الزحمه به شما می‌دهم»، این صورت اشکالی ندارد. در این فرض حق الزحمه (جُعْل) در مقابل خود قرض واقع نشده؛ بلکه در عوض مقدمات فراهم‌سازی قرض قرار داده شده است. اما اگر قرض‌گیرنده بگوید: «اگر به من قرض بدهید، مبلغی به‌عنوان حق الزحمه به شما می‌دهم»، به‌گونه‌ای که جُعْل در مقابل خود قرض واقع شود، محل اشکال خواهد بود. (آیت‌الله سیستانی)

نکته: با رعایت این مطلب، هم عمل فرد و هم عمل بانک، چه دولتی و چه خصوصی، جایز و شرعی است؛ ولی اگر فرد بخواهد فقط قرض خودش را تصحیح کند، درباره بانک‌های دولتی یا نیمه‌دولتی، می‌توانید در همین نوشته به بحث «بررسی راهکارهای رهایی از ربا»، در عنوان «قرض گرفتن از اموال بانک‌های دولتی و مشترک از طرف حاکم شرع» رجوع کنید.

۱. درباره کارمزد در فرض بین افراد، ایشان تفصیلات متعددی داده‌اند (نک: رساله جامع، ج ۲).

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتا: ۶۰۱۵۶۰.

۳. سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج ۱، ۲۲۳، س ۳۵۶.

۴. منظور از جهت شخصیت‌های حقوقی مانند بانک یا موسسه‌ها یا صندوق‌های مالی است.

۶. دیرکرد، وجه التزام، جریمه تأخیر و خسارت تأخیر تأدیه

تفاوت بین این عناوین

۱. هریک از این عناوین تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد که در حکم شرعی آن‌ها تأثیرگذار است: گرفتن مبلغ اضافی به دلیل تأخیر در پرداخت دین، «دیرکرد» است. اگر دو طرف بر این مبلغ از ابتدا در ضمن عقد توافق کنند، «وجه التزام»^۱ نامیده می‌شود. اگر این مبلغ به عنوان تعزیر در برابر تأخیر در پرداخت دین گرفته شود، «جریمه تأخیر» نامیده می‌شود. اگر کسی تعهد خود را در موعد مقرر انجام ندهد و در نتیجه این تأخیر، متعهدله متضرر شود، متعهد باید خسارات ناشی از تأخیر را جبران کند که آن را «خسارت تأخیر تأدیه» می‌گویند.

از آنجا که فقها این مطلب را با این شقوق بیان نکرده‌اند، ما مطالب ایشان را یکجا متذکر می‌شویم.

۲. بحث ما در دیرکرد در ادای دین است که به ذمه فرد تعلق گرفته و بحث دیرکرد درباره تأخیر در انجام کار یا تحویل عین شخصی و... حکم دیگری دارد.

حکم شرعی دیرکرد، وجه التزام و خسارت تأخیر دین

اگر وام‌گیرنده پرداخت وام را از مهلت مقرر به تأخیر بیندازد، گرفتن مبلغی اضافه بر اصل قرض بابت دیرکرد یا از باب وجه التزام یا جریمه دیرکرد یا خسارت تأخیر در ادای دین چه حکمی دارد؟ آیا بین بانک و غیربانک در این زمینه فرقی هست؟^۲

اگر طلبکار، چه بانک‌ها و چه غیر آن‌ها، برای تأخیر بدهکار چیزی از او بگیرد، حرام است؛ اگرچه بدهکار به آن راضی شود. شرط و توافق طرفین بر دیرکرد در ضمن عقد نیز باطل و گرفتن زیادی ربا و حرام است. (حضرت امام)

درباره دریافت مبلغ مازاد بر اصل دین و قرض، دو فرض کلی وجود دارد:

۱. «وجه التزام» مبلغی است که متعاقدين در حین انعقاد عقد به موجب توافق در ضمن همان قرارداد یا به موجب موافقت مستقلى، به عنوان میزان خسارت (مادی یا معنوی) محتمل الوقوع ناشی از عدم اجرای تعهد یا ناشی از تأخیر در اجرای تعهد، پیش‌بینی کرده و بر آن توافق کنند (قانون مدنی/ایران، ماده ۲۳۰ و ۱۸۸۹ ق.مدنی).

۲. سیدروح‌الله خمینی، توضیح المسائل، م ۲۷۰۶؛ سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۹۴، س ۳۴؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۷۲؛ سیستم مدیریت سایت دفتر رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، شماره استفتا: ۸۲۵۸۱۲۷۱۵ و ۵۵۶۸۸۸؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، اموربانکی، جریمه دیرکرد، دریافت جریمه و خسارت تأخیر توسط بانک؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۹۶، سؤال ۶۵۸ و ص ۱۹۶، س ۶۶۳؛ ناصر مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، ص ۱۵۰؛ ج ۱، ص ۳۵۷.

۱. دریافت مبلغ مازاد، به دلیل تأخیر در ادای دین و قرض است. این مبلغ یا به عنوان دیرکرد یا خسارت (هر نوع خسارت) تأخیر تأدیه دریافت می شود یا به دلیل تقاضای مدیون برای مهلت بیشتر به منظور ادای دین. در این دو صورت، دریافت مبلغ مازاد حکم ربا را دارد و حرام است.

۲. دریافت مبلغ (مقدار مبلغ تابع توافق طرفین است) به دلیل تخلف از شرطی است که هنگام انعقاد عقد (قرض، بیع، اجاره یا تسهیلات دیگر) در عقد شرط شده است مبنی بر اینکه اگر مشروط علیه در موعد مقرر به شرط عمل نکند، باید فلان مبلغ را به مشروط له بپردازد؛ اعم از اینکه «مشروط» انجام دادن عمل باشد یا پرداخت مبلغ بابت ثمن معامله، اجاره ماهانه، ادای قرض و... . پرداخت این مبلغ به دلیل دیرکرد در ادای دین نیست؛ لذا مقدار آن تابع مقدار زمان تأخیر نیست و گاهی اساساً به تأخیر ادای دین مربوط نیست و مثلاً به دلیل تحویل ندادن کالا است. در این فرض، شرط صحیح است و عمل به آن لازم. جریمه مصوب در شورای نگهبان درباره عملیات بانکی نیز از این نوع است؛ هرچند ممکن است این قانون به درستی انجام نشود. (امام خامنه ای) جریمه دیرکرد هرگاه به عنوان یک قانون بانکی، طبق محاسبه سود پول اعمال شود، نوعی رباخواری و حرام است و اگر تعزیر در برابر تأخیر در پرداخت دین باشد (در فرض عدم اعسار)، مبلغ آن جریمه متعلق به بیت المال است نه سیستم بانکی و اگر به صورت شرط ضمن عقد درآید و به وام گیرندگان تفهیم شود و آن ها موافقت کنند، ممکن است مشروع باشد.^۱ در این صورت نیز سزاوار است انصاف را رعایت کنند. همچنین خسارت دیرکرد، ربا و حرام است؛ مگر اینکه آن را در ضمن عقدی خارج لازم شرط کنند. همچنین اگر فاصله زمانی و تورم خیلی زیاد باشد، به طوری که پرداختن مبلغ مزبور عرفاً ادای دین محسوب نشود، باید به حساب امروز بپردازد یا مصالحه کنند. (آیت الله مکارم)

هر نوع جریمه ای در ازای تأخیر در پرداخت دین و بدهکاری که در ذمه مدیون است، جایز نیست. فرقی ندارد که این بدهی بابت قرارداد قرض الحسنه یا تسهیلات یا غیر آن باشد؛ همچنان که فرقی ندارد جریمه مذکور در ضمن قرارداد شرط شده باشد یا شرط نشده باشد. تغییر نام آن به «خسارت تأخیر تأدیه» یا «وجه التزام»، آن را حلال نمی کند. (آیت الله سیستانی)

اخذ دیرکرد یا خسارت تأخیر از کفار

آیا اخذ دیرکرد از کفار جایز است؟^۲

درباره کفاری که اموالشان برای ما حلال است، مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

۱. اگر شرط ضمن عقد باشد، اشکالی ندارد؛ ولی نباید به این صورت باشد که در صورت تأخیر، سود پول را بگیرد (ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، شرط جریمه دیرکرد در معاملات).

۲. ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، اخذ خسارت تأخیر از کفار.

راهکار اخذ وامی که شرط دیرکرد دارد

راهکار شرعی اخذ وامی که شرط دیرکرد دارد چیست؟^۱

اگر قرض یا تسهیلات اعطایی مثل جعاله، شروط ربوی مثل دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه داشته باشد، دریافت آن از بخش خصوصی در کشورهای اسلامی مطلقاً جایز نیست؛^۲ اما در بخش‌های دولتی یا مشترک در کشورهای اسلامی، چون اموالشان در حکم مجهول‌المالک است، راه‌حل اصلاحی برای متقاضی وام به‌شرح زیر است: فرد فرم‌های مربوط را به‌شکل صوری امضا می‌کند و انعقاد جدی عقد قرض یا تسهیلات مرتبط را با بانک قصد نمی‌کند و سپس مبلغ مذکور را به‌عنوان اموالی که در حکم مجهول‌المالک است، از حاکم شرع بدون هیچ سودی و به‌صورت قرض‌الحسنه قبول می‌کند و به حاکم شرع به همان مبلغ دریافتی، بدهکار می‌شود. در این صورت، اگر اقساط قرض‌الحسنه مذکور را به مؤسسه دولتی یا مشترک واریز کنند، در ادای دین کافی است و دادن سود اضافی که بانک یا مؤسسه یا صندوق به‌اجبار از او می‌گیرد، برای او جایز است و دریافت آن برای بانک یا مؤسسه یا صندوق نامشروع است. اجازه مذکور مشروط به این است که آن را برخلاف قانون بانک یا مؤسسه یا صندوق مصرف نکند. همچنین اگر کسی از ربوی بودن قرض یا تسهیلاتی که از بخش دولتی یا مشترک دریافت و خرج کرده است مطلع نباشد، می‌تواند برای تصحیح آن به نمایندگان این‌جانب مراجعه کند. (آیت‌الله سیستانی)

۷. قرض به شرط تخفیف در بیع و اجاره و... و عکس آن

۷.۱. قرض دادن به شرط تخفیف در بیع، اجاره، صلح یا هبه

آیا جایز است فردی مالی را به دیگری قرض بدهد و با او شرط کند که چیزی را به‌کمتر از قیمت به او بفروشد یا به‌کمتر از اجرت به او اجاره دهد؟^۳

این شرط، داخل در شرط زیادی و رباست. (حضرت امام و آیت‌الله سیستانی)

قرض به شرط اجاره و اجاره کامل رباست. همچنین قرض به شرط پرداخت زیادی و سپس مصالحه آن، ربا و حرام است. (امام خامنه‌ای)

۱. سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج ۱، س ۳۵۷.

۲. در کتاب استفتائات آیت‌الله‌العظمی سیستانی (ج ۱، س ۳۵۴) راه‌حلی در این زمینه برای تسهیلات بیان شده که ظاهراً شامل بانک‌های خصوصی نیز می‌شود.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله؛ القول فی القرض، م ۱۰؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۲۹۷، سؤال ۸۶۹؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۷۶۸؛ سیدعلی خامنه‌ای، سایت، آرشیو استفتائات جدید، احکام معاملات، اجاره، اجاره به شرط قرض؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۰۲.

هرگاه در مقابل وامی که داده است، قرارداد تخفیف داشته باشد، ربا و حرام است و همچنین حیل‌های ربا که قصد جدی در آن نیست؛ مثل آنچه در میان بعضی معمول است که وامی را به کسی می‌دهند و بعد سود آن را که مبلغ هنگفتی است، با یک سیر نبات مصالحه می‌کنند. چنین معامله‌ای باطل و بی‌اساس است و مبلغ اضافی، ربا محسوب می‌شود. (آیت‌الله مکارم)

۲.۷. بیع، هبه، اجاره و صلح به شرط قرض دادن

۲.۷.۱. شرط قرض در ضمن بیع^۱

آیا جایز است وام‌گیرنده به وام‌دهنده مالی را به کمتر از قیمتش بفروشد و با او شرط کند که مبلغ معینی به او قرض بدهد؟

اشکالی ندارد. (حضرت امام، آیت‌الله مکارم)
بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت‌الله سیستانی)

نسیه‌بودن یا غیرمتعارف‌بودن بیعی که در ضمنش شرط قرض شده^۲

اگر برای رهایی از ربا، معامله‌ای شرعی مثل بیع انجام شود و در ضمن آن قرض دادن چیزی شرط شود، آیا این معامله اگر نسیه یا غیرمتعارف و غیرمعمول باشد، اشکالی ندارد؟ مثل معامله یک خودکار به پنجاه یا صد هزار تومان.

اگر قصد جدی در معامله باشد، مانعی ندارد و ربا محسوب نمی‌شود؛ ولی اگر جنبه صوری دارد و ظاهراً برای فرار از ربا باشد، جایز نیست. (امام خامنه‌ای و آیت‌الله مکارم)
اگر کسی در یک معامله مُحاباتی (فروش به کمتر از قیمت یا خرید به گران‌تر از آن) شرط کند که در ادای دین به او مهلت دهد، خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب، اجتناب از آن است. (آیت‌الله سیستانی)

۲.۲.۷. شرط قرض در ضمن اجاره^۱

۱. سیدروح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، القول فی القرض، م ۱۰؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۰۱۴.
۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۷۷۶۷۱۱۰۵؛ سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، ملحقات (۱)، سپرده‌گذاری و قرض گرفتن، بعد از م ۲۷۹۷، ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۵۰۰۱۱.

آیا جایز است وام‌گیرنده به وام‌دهنده چیزی را به کمتر از قیمتش اجاره دهد و با او شرط کند که مبلغ معینی به او قرض بدهد؟

هر نحو معامله که برای فرار از ربا باشد، محکوم به حکم ربا و باطل است. کم کردن مبلغ اجاره به حساب پول قرض رباست؛ مگر اینکه شرط قرض در ضمن اجاره باشد که در این صورت اشکال ندارد. (حضرت امام) اجاره به شرط قرض ولو مبلغ اجاره مقدار کمی باشد، اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم) اجاره به شرط قرض صحیح است، مشروط به اینکه اجاره به اندازه‌ای کم نباشد که عرفاً اجاره صدق نکند. (امام خامنه ای)

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

۷.۲.۳. شرط قرض در ضمن صلح^۲

شخصی که می‌خواهد وامی با مدت معینی بگیرد، آیا می‌تواند بر سر مبلغی با وام‌دهنده صلح کند و در ضمن آن مصالحه، وام مزبور را شرط کند؟ مثلاً بگوید: «۵۰ هزار تومان با تو صلح می‌کنم، به شرط اینکه ۲۰۰ هزار تومان ده ماهه به من قرض بدهی» و او هم این صلح را قبول کند؟ اگر قصد اصلی، قرض با سود باشد و برای فرار از ربا صلح یا هبه انجام شود، جایز نیست. (امام خامنه ای) بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

۷.۲.۴. شرط قرض در ضمن هبه؛ هبه مشروط به قرض

شرط قرض در ضمن هبه چه حکمی دارد؟^۳

اگر قصد اصلی، قرض با سود باشد و برای فرار از ربا صلح یا هبه انجام شود، جایز نیست. (امام خامنه ای) بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله سیستانی) این کار نوعی قرض الحسنه است و مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

۱. سیدعلی خامنه‌ای، سایت، آرشیو استفتائات جدید، احکام معاملات، اجاره، اجاره به شرط قرض؛ سیدعلی خامنه‌ای، سایت، پرسش‌های متداول، رهن، س ۲۹۰؛ سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۱۳۶، س ۱۴۹؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۳۷۵، م ۱۹۷۵؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (۱)، سپرده‌گذاری و قرض گرفتن، بعد از م ۲۷۹۷.
۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۲۳۶۳۳۳۷۷۹؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (۱)، سپرده‌گذاری و قرض گرفتن، بعد از م ۲۷۹۷، ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۹۹، سؤال ۶۷۲.
۳. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۲۳۶۳۳۳۷۷۹؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج ۱، س ۳۵۶؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (۱)، سپرده‌گذاری و قرض گرفتن، بعد از م ۲۷۹۷، ۱؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۱۵۰۰۱۱.

۸. فروش اسکناس نقد به مبلغ بیشتر به صورت نسیه

فروش اسکناس‌های هم‌جنس یا غیرهم‌جنس به مبلغ بیشتر به صورت نسیه چه حکمی دارد؟ مثل فروش ۱۰۰ هزار تومان نقد به ۱۲۰ هزار تومان نسیه یک‌ساله، یا فروش ۱۰۰ دلار نقد به ۵۰۰ هزار تومان یک‌ساله.

الف. فروش اسکناس‌های هم‌جنس به مبلغ بیشتر به صورت نسیه^۱

چنین معامله‌ای حرام و باطل است. (حضرت امام)

در صورتی اشکال ندارد که معامله مذکور به قصد جدی و با غرض عقلایی باشد؛ مثل اینکه اسکناس‌ها از نظر کهنه و نوبودن با یکدیگر فرق داشته یا علامت‌های مخصوص داشته باشد یا نرخ آن‌ها با یکدیگر متفاوت باشد؛ ولی اگر معامله، صوری و برای فرار از ربا و در واقع برای دستیابی به سود پول باشد، شرعاً حرام و باطل است. (امام خامنه‌ای)

به احتیاط واجب، صحیح نیست. (آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

ب. فروش اسکناس‌های غیرهم‌جنس به مبلغ بیشتر به صورت نسیه^۲

معاوضه نسیه اسکناس با اسکناس به زیاده یا کم، در صورتی بی‌اشکال است که زیاده و کم به حساب مدت نسیه نباشد. (حضرت امام)

در صورتی اشکال ندارد که معامله مذکور، به قصد جدی و با غرض عقلایی باشد؛ مثل اینکه اسکناس‌ها از نظر کهنه و نوبودن^۳ با یکدیگر فرق داشته یا علامت‌های مخصوص داشته باشد یا نرخ آن‌ها با یکدیگر متفاوت باشد؛ ولی اگر معامله، صوری و برای فرار از ربا و در واقع برای دستیابی به سود پول باشد، شرعاً حرام و باطل است. (امام خامنه‌ای)

اشکالی ندارد. (آیت الله سیستانی)

۱. سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، ص ۳۶۷، س ۱۶۰۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، *توضیح المسائل*، ج ۲، م ۲۰۷۵ و ۲۸۴۵؛ سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، ملحقات (۱۳)، تنزیل برات؛ ناصر مکارم شیرازی، *استفتائات جدید*، ج ۱، ص ۱۹۹، سؤال ۶۷۴

۲. سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، ص ۳۶۷، س ۱۶۰۲؛ سیدروح‌الله خمینی، *توضیح المسائل*، م ۲۷۰۷؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، *توضیح المسائل*، ج ۲، م ۲۰۷۵؛ سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، ملحقات (۱۳)، تنزیل برات؛ ناصر مکارم شیرازی، *استفتائات جدید*، ج ۱، ص ۱۹۹، سؤال ۶۷۴

۳. خرید و فروش سکه (پول فلزی) به قیمتی بیشتر از مبلغ آن‌ها برای استفاده در مکالمات تلفنی و مانند آن، اشکال ندارد. (سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، س ۱۶۰۴)

خرید و فروش ارزهای مختلف، مثل مبادله دلار با تومان، صحیح است؛ ولی اگر برای فرار از ربا مقداری از اسکناس نقد را با مقدار بیشتری به صورت نسیه و مدت دار بفروشند، بی آنکه تفاوت اسکناس ها مدنظر باشد، این کار در واقع نوعی وام ربوی است و به احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله مکارم)

۹. محاسبه تورم و کاهش ارزش پول^۱

در مورد مهریه آیا همان مقدار که موقع ازدواج ذکر شده معتبر است، یا باید به میزان ارزش روز داده شود؟
ج- مقدار مهریه همان است که در عقد قرارداد شده، و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید تغییر پیدا نمی کند. (حضرت امام)

سوال: ۱- اگر کسی از دیگری طلبکار است در وقت پس گرفتن بدهی آیا می تواند کاهش ارزش پول و تورم را محاسبه کند و به نرخ روز حساب کند یا باید همان قیمت قبل را محاسبه کند؟ ۲- آیا در صورت لزوم محاسبه به روز باید حتما تفاوت ارزش پول فاحش باشد. ۳- در صورت اختلاف یا شک در میزان کاهش ارزش پول تکلیف چیست.

پاسخ: ج (و ۲) در قرض، اگر قرض دهنده با قرض گیرنده شرط کند که موقع برگرداندن قرض، تورم و کاهش ارزش پول را محاسبه کند و معادل ارزش و اعتبار زمان دریافت قرض را در زمان پرداخت قرض بپردازد اشکالی ندارد و قرض گیرنده ملزم به پرداخت آن است.

اما اگر قرض دهنده با قرض گیرنده شرط محاسبه تورم را نکند در این صورت هم موظف است کاهش ارزش را تامین کند مگر جایی که شرط شده باشد که محاسبه نشود یا بنای بر این باشد که همان مبلغ، پرداخته شود مثل پولی که مستاجر به صاحب خانه می دهد یا مثل قرض الحسنه ای که بانک ها به افراد می دهند. ج (۳) در صورت اختلاف به کارشناسان مربوطه مراجعه نمایند. و در صورتی که یقین به وجود تورم بود ولی مقدار آن حتی با رجوع به کارشناسان مشخص نشد، احوط تصالح است. (امام خامنه ای)^۲

در صورتی که کاهش ارزش پول بسیار فاحش بوده است، بنا بر احتیاط واجب مصالحه کنند. (آیت الله سیستانی)

اگر بدهکار در پرداخت بدهی خود کوتاهی کرده باشد یا مانعی برای دریافت بوده مثل مهریه زن که گرفتنش معمولاً موجب کم ارزشی زن می شود، و به قدری گذشته که تفاوت تورم زیاد است، باید با توجه به نرخ متوسط

۱. سیدعلی خامنه ای، /جوبه /لاستفتاءات/، س ۱۷۶۲ و ۱۸۱۶ و ۱۸۷۳ و ۱۸۷۶ و ۲۰۸۹؛ سیدعلی سیستانی، /استفتائات/، ج ۱، م ۳۴۷؛ ناصر مکارم شیرازی، /استفتائات جدید/، ج ۲، ص ۲۹۵، سؤال ۸۶۸؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، محاسبه تورم در پرداخت دستمزد معوق و محاسبه نرخ تورم در مهریه علی رغم عدم مطالبه قبلی زوجه

۲. استفتاء شخصی از سایت امام خامنه ای (Leader.ir) شماره استفتاء:

تورم کل اجناس که هر سال بانک مرکزی اعلام می‌کند،^۱ بدهی را بپردازد. در غیر این صورت، گرفتن زیادی، ربا و حرام است. (آیت‌الله مکارم)

شرط جبران کاهش ارزش پول، در ضمن عقد^۲

در زمان تورم، آیا در ضمن عقد قرض یا در ضمن عقد خارج لازم دیگر، شرط جبران کاهش ارزش پول جایز است؟

مشروعیت شرط به‌نحو مذکور محرز نیست. (امام خامنه‌ای)

اگر دائن و مدیون در اول قرض‌الحسنه شرط کنند که مدیون در بازپرداخت دین، مبلغی را ادا کند که قدرت خریدی معادل مبلغ فعلی قرض‌الحسنه داشته باشد، شرط مذکور نافذ نیست و همان مبلغی را که قرض گرفته، ضامن است و قدرت خرید پول در این مسئله اثر ندارد. (حضرت امام)

اگر در عقد خارج لازم دیگری باشد، مانعی ندارد. (آیت‌الله مکارم)

۱۰. قرض به شرط رهن و اجرت نگهداری رهن

بانک یا صندوق یا دو فرد قراردادی می‌بندند که طبق آن فرد متقاضی وام قرض‌الحسنه، مقداری طلا یا چیز دیگری نزد بانک یا فرد قرض‌دهنده گرو بگذارد و وام را بدون هیچ سودی بگیرد؛ ولی در مقابل نگهداری طلا، مقداری اجرت از قرض‌گیرنده دریافت کند. آیا چنین قراردادی از لحاظ شرعی صحیح است؟ در صورت صحت، آیا لزوماً مقدار اجرت نگهداری طلا یا مال مرهونه باید به‌مقدار متعارف باشد یا تعیین مقدار بیشتر با تعیین طرفین بی‌مشکل است؟^۳

اگر در ضمن قرض شرط شود که قرض‌دهنده برای نگهداری طلا اجیر شود، در این صورت قرض همراه با نفع می‌شود و اشکال دارد؛ اما اگر طرف مقابل را برای نگهداری طلا به‌صورت جدی اجیر کند و در ضمن آن شرط کند که مقدار معینی قرض به او بدهد، مانعی ندارد. البته صورت اجاره باید معقول باشد. (امام خامنه‌ای)

۱. در محاسبه تورم، تورم متوسط اجناس مختلف را در نظر می‌گیرند؛ هرچند تورم آن جنس بیشتر یا کمتر باشد (ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، معیار محاسبه تورم).

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۱۳۴۳۶۰۷۳۹؛ سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۶، کتاب دین و قرض، ص ۵۰۲، س ۷۶۷۷؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، قرض، شرایط قرض، شرط جبران کاهش ارزش پول در قرض ضمن عقد خارج لازم

۳. سیستم مدیریت سایت دفتر رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۸۲۳۸۹۹۸۰۳

بانک کارگشایی مقداری طلا می‌گیرد و مبلغی پول می‌دهد و سالانه هم به‌عنوان حق نگهداری طلا، مبلغی پول می‌گیرد. آیا این کار حلال است؟^۱

هرگاه عقود شرعی را رعایت کنند، مانعی ندارد. (آیت‌الله مکارم)

۱۱. قرض دادن طلا برای حفظ ارزش پول

شخصی مقداری طلا به بنده قرض داده است تا برای رفع حوائج خود، آن را به پول تبدیل کنم و در هنگام پس دادن، به همان مقدار طلا یا معادل آن، پول به او بازگردانم تا او هم ضرر نکند. این کار چه حکمی دارد؟^۲

اشکالی ندارد. (حضرت آیت‌الله مکارم)

مال قرض گرفته شده اگر مثلی باشد، وفا و پرداخت آن به پرداختن مثل آن است؛ هرچند قیمت آن تغییر کرده باشد. این همان وفایی است که متوقف بر رضایت دو طرف نیست. (حضرت امام و آیت الله سیستانی)

۱۲. قرض گرفتن به شرط رهن دادن ملک و اجاره مجدد آن

آیا جایز است مکلف مبلغ معینی را تا مدتی از شخصی قرض کند و ملک خود را به سبب قرض، نزد او گرو بگذارد و سپس همان خانه را از مُرتهن به مبلغ معین و برای مدت مشخصی اجاره کند؟^۳

علاوه بر اشکالی که در اجاره کردن ملک توسط مالک آن وجود دارد، این قبیل معاملات، حيله برای دستیابی به قرض ربوی بوده، شرعاً حرام و باطل است. (امام خامنه ای)

۱۳. نپذیرفتن شرط زیاده یا سایر شروط ربوی، به طور جدی در قرض^۴

آیا گرفتن قرض ربوی با قبول نکردن شرط زیاده به طور جدی و تنها قبول آن به شکل غیرجدی جایز است؟ کسانی که می‌خواهند از بانک‌ها یا غیر آن‌ها قرض بگیرند و دهنده بدون ربا قرض نمی‌دهد، جایز است اصل قرض را قبول کنند و شرط را در واقع و به طور جدی قبول نکنند و در این صورت این قرار صوری حرام نیست؛

۱. ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، مشاغل، احکام معامله طلا و نقره، وام با ضمانت طلا و دریافت کارمزد بابت حق نگهداری طلا.

۲. ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، قرض، شرایط قرض، قرض دادن طلا؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، م ۸ و ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۲۴۰.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۶۸۵.

۴. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص ۶۴۱، م ۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، احکام وام‌ها، گرفتن وام ربوی بدون نیت پرداخت ربا؛ سیدعلی خامنه‌ای، سایت، پرسش‌های متداول، دین و قرض، قرض ربوی، س ۲۹۳.

بنابراین اصل قرض صحیح است و شرط باطل و مرتکب حرام هم نشده‌اند؛ اگرچه بدانند که بهره را به هر صورت از او خواهند گرفت. (حضرت امام)

قرض ربوی حرمت تکلیفی دارد؛ ولی اصل قرض صحیح است و در هنگام اضطرار می‌تواند برای اجتناب از انجام حرام، هنگام قرض کردن، پرداخت ربا را قصد نکند؛ اگرچه می‌داند که ربا را از او خواهند گرفت. (امام خامنه‌ای)

در صورتی که وام مشروط به سود بگیرد، جایز نیست؛ هرچند قصد پرداخت سود را جز به اجبار نداشته باشد. (آیت‌الله مکارم)

اگر قرض یا تسهیلات اعطایی مثل جعاله، شروط ربوی مثل دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه داشته باشد، دریافت آن از بخش خصوصی در کشورهای اسلامی مطلقاً جایز نیست؛ مگر اینکه بانک یا مؤسسه مالی اعتباری یا صندوق از شروط ربوی خویش به نفع متقاضی وام صرف‌نظر کند و با او چنین شرطی نکند.^۱ همچنین قرض گرفتن از بانک‌های دولتی و مشترک، به شرط پرداخت سود، جایز نیست؛ زیرا ریاست و اگر کسی با این شرط از بانک دولتی قرض کند، قرض و شرط آن، هر دو باطل است؛ زیرا بانک مالک اموال خود نیست تا آن‌ها را به تملیک قرض‌گیرنده درآورد. برای رهایی از این اشکال، قرض‌گیرنده می‌تواند با اذن حاکم شرع (مرجع تقلید) مبلغ مدنظر را قرض کند به این لحاظ که اموال بانک مجهول‌المالک و اختیار تصرف در آن‌ها با حاکم شرع است. این اذن را ما به همه مؤمنان داده‌ایم و کافی است کسی که پول از بانک می‌گیرد، هنگام گرفتن پول، پیش خودش بگوید این پول را از طرف حاکم شرع به خودم قرض دادم و در این صورت اشکال ندارد؛ هرچند بدانند طبق قانون، به پرداخت اصل و سود به بانک ملزم است. (آیت‌الله سیستانی)^۲

۱۴. فروختن مبلغی با ضمیمه چیزی به بیشتر به صورت نسیه^۳

آیا جایز است فردی مبلغی پول را به ضمیمه چیزی دیگر به مبلغی بیشتر به صورت نسیه بفروشد؟ مثلاً قرض‌دهنده ۱۰۰ هزار تومان را به ضمیمه یک قوطی کبریت یا یک عدد استکان، به ۱۱۰ هزار تومان به مدت دو یا سه ماه یا بیشتر بفروشد.

۱. سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۵۷.

۲. سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲۷۹۸ و ۲۸۰۳. این راهکار، هم در وام‌های قرض الحسنه بانک‌ها با شرط دیرکرد و کارمزد به کار می‌آید و هم در عقود مرابحه‌ای که بانک‌ها قصد قرض ندارند؛ یعنی در تمام این عقود، راهکار آیت‌الله العظمی سیستانی، بر اساس قرض از طرف حاکم شرع است.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۰۷۴ و ج ۲، ص ۸۴۶، مسائل مربوط به بانک‌ها، م ۱ و ج ۲، ص ۸۴۲؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ص ۳۷۴، س ۱۶۲۸.

ضمیمه کردن چیزی به مال به قصد فرار از ربا، در جواز قرض ربوی اثری ندارد و با ضمیمه کردن چیزی به آن، حلال نمی‌شود. (امام خامنه ای)

اگر جنس اضافه شده برای فرار از ربا باشد، جایز نیست؛ مثلاً یک من گندم خوب را به یک ونیم من گندم خوب مثل آن بخواهد نسبه بفروشد و برای فرار از ربا، چیزی بر یک من گندم اضافه کند. (حضرت امام)

۱۵. فروش اوراق قرضه^۱

اوراق قرضه اوراقی است که مراجع قانونی ذی ربط به قیمت اسمی معین و مدت داری صادر می‌کنند و آن‌ها را به قیمتی کمتر از قیمت اسمی می‌فروشند. مثلاً سندی را که قیمت اسمی آن ۱۰۰۰ تومان است، به ۹۵۰ تومان نقداً می‌فروشند، مشروط به اینکه آن را سال بعد به ۱۰۰۰ تومان بخرند.

خرید و فروش اوراق قرضه چه حکمی دارد؟^۲

اگر مقصود استقراض دولت از ملت از طریق چاپ و فروش اوراق قرضه ملی باشد، مشارکت مردم در قرض دادن به دولت از طریق خرید این اوراق اشکال ندارد و هنگامی که خریدار، اوراق قرضه ملی را می‌فروشد

۱. اوراق قرضه: چند نکته برای روشن شدن اوراق قرضه:

۱. در اوراق قرضه، چه سودی حاصل شود و چه نشود، باید سود را به صاحب اوراق قرضه داد. به علت ایرادهای اساسی موجود در اوراق قرضه و مطابق نبودن آن با فقه اسلامی، در بورس اوراق قرضه وجود ندارد و جانشین اوراق قرضه، اوراق مالی و بهادار است.

۲. به جز اوراق قرضه، اوراق دیگری با اسمی مشابه (اوراق قرض الحسنه) وجود دارد که باید بین آن و اوراق قرضه فرق گذاشت. اوراق قرض الحسنه روش جدیدی است برای استفاده از قرض الحسنه بدون مشکلات قرض الحسنه. مؤسسه‌هایی مثل کمیته امداد، اوراق قرض الحسنه را تکتیر می‌کنند و برای طرح عام یا خاص (وام دادن به افراد فقیر، ایجاد اشتغال و...) مصرف می‌شود. محسنات: ۱. این اوراق را می‌توان در بازار بورس معامله کرد؛ یعنی می‌توان آن را به کسی دیگر واگذار کرد. به عبارت دیگر، قرض به راحتی جابه‌جا و نقد می‌شود. ۲. می‌توان آن را به عنوان وثیقه‌ای مالی، نزد مؤسسات مالی گذاشت و از آن به جای چک استفاده کرد. ۳. به جای ثمن معامله می‌توان آن را به فروشنده داد؛ چون سند رسمی و معتبری است. ۴. نوعی پس انداز و جانشین است برای حساب پس انداز بانکی؛ البته با بهره معنوی که شاید دارندگان این اوراق این بهره معنوی را بهتر درک و لمس می‌کنند.

حال ارگانی مثل کمیته امداد که این قرض را گرفته است، از کجا پول مردم را برگرداند؟

۱. می‌تواند از فروش اوراق بعدی، پول مردم را برگرداند. ۲. بانی خیری در این مدت پیدا شود و این دین را بر عهده بگیرد. ۳. از درآمد طرح‌های عمرانی که با پول قرضی اولی انجام داده است، قرضش را برمی‌گرداند؛ مثلاً مغازه‌هایی می‌سازد و می‌فروشد یا اجاره می‌دهد و قرض ابتدایی را برمی‌گرداند.

در نهایت، تذکر دوباره این مسئله لازم است که این اوراق سودی ندارد. در مواقعی، این اوراق به ابتذال کشیده شده است و با شرایط ربوی همراه شده است؛ اما اصل این اوراق اگر به صورتی که تبیین شده است استفاده شود، اشکالی ندارد؛ در حالی که اوراق قرضه از اساس با اشکال مواجه است که توضیح کوتاهی از آن در متن گذشت (برگرفته از جزوه «بورس و بیمه» حجت الاسلام علوی، عضو شورای فقهی بورس کشور و کتاب آشنایی با بازار سرمایه اسلامی (بورس) از سیدعباس موسویان و ابوذر سروش).

۲. سیدعلی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، س ۱۶۰۸؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، *توضیح المسائل* / مرجع، ج ۲، م ۲۸۴۵؛ ناصر مکارم شیرازی، *استفتائات جدید*، ج ۳، ص ۵۰۵، س ۱۳۵۹؛ سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، ملحقات (۷)، فروش اوراق قرضه.

تا پول خود را به دست آورد، اگر به همان قیمتی که از شخص دیگر یا از دولت خریده یا به قیمتی کمتر از آن بفروشد، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

خرید و فروش اوراق قرضه اشکال دارد. (آیت الله مکارم)

جایز نیست بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری به خرید و فروش اوراق قرضه بپردازند و همچنین گرفتن کارمزد برای این کار جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

متفرقه

۱. صندوق‌های قرض الحسنه خانوادگی

بسیاری از احکام مرتبط با این صندوق‌ها، در مباحثی که در این نوشته گذشت، روشن شد؛ مثل شرط کردن انواع زیادی، دیرکرد، کارمزد و تهاتر؛ لذا آن‌ها را تکرار نمی‌کنیم.

الف. حکم صندوق‌های دوستانه و خانوادگی^۱

در صندوق‌های قرض الحسنه خانوادگی، معمولاً شروط اعطای تسهیلات به این صورت است که تمام اعضا مبلغی توافق شده را ماهانه به حساب صندوق واریز می‌کنند و مسئولان صندوق نیز ماهانه با جمع‌آوری این مبالغ و مبالغ بازپرداخت اقساط وام‌های داده شده به اعضا، با قرعه‌کشی به اعضای صندوق وام می‌دهند. آیا این کار صحیح است؟

اگر با رضایت همه اعضا باشد، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

ایجاد صندوق‌های خانوادگی و دوستانه چه حکمی دارد؟

در صورتی که اقساط وام همه برابر باشد و سودی گرفته نشود و وام به همه پرداخت شود، مانعی ندارد. البته اگر کارمزدی دریافت شود، بنا بر احتیاط واجب باید با زحمات و هزینه‌های صندوق متناسب باشد. (آیت الله مکارم)

ب. حکم قرض مشروط در صندوق‌های خانوادگی^۲

عده‌ای با هم صندوقی قرض الحسنه تشکیل داده‌اند؛ به این ترتیب که هرکسی عضو می‌شود، هم در ابتدا مبلغی مشخص و هم ماهیانه مبلغی مشخص به حساب صندوق واریز می‌کند. همچنین در صورت انصراف از صندوق،

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتائات، شماره استفتا: ۸۱۵۹۵۹؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، احکام وام‌ها، حکم صندوق‌های دوستانه و خانوادگی.

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتائات، شماره استفتا: ۷۶۱۵۵۸؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، احکام قرض الحسنه، حکم قرض مشروط در صندوق‌های خانوادگی.

تمام پول‌های پرداخت‌شده عیناً به شخص برگردانده می‌شود. با این شرط، به کسانی که دو ماه از عضویتشان گذشته باشد، وام قرض‌الحسنه بدون سود داده می‌شود. آیا چنین وامی شرعی است؟

اگر سپرده‌گذاری به صورت قرض به شرط گرفتن وام و قرض نباشد، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)
در بین فامیل ما صندوق قرض‌الحسنه‌ای تشکیل شده که عملکرد آن بدین طریق است: هر عضو ماهانه پانصد تومان یا بیشتر پرداخت می‌کند. هرگاه درخواست وام کند، با توجه به ماهانه‌هایی که پرداخت کرده است، دو یا سه برابر آن وام به او پرداخت می‌شود. حال با توجه به اینکه ماهانه‌ها و وام‌ها هر دو به صورت قرض مشروط است، آیا حکم ربا بر آن جاری است؟ چنانچه این کار بدون هیچ شرطی و با رضایت کامل طرفین صورت پذیرد، چه حکمی دارد؟

اگر این کار به صورت قرارداد بین آن افراد انجام شود، اشکال ربا دارد. تنها راه صحت آن این است که قصد همه، وام قرض‌الحسنه باشد؛ ولی همه آن‌ها اخلاقاً مقررات آن صندوق را رعایت کنند بی‌آنکه تعهد شرعی یا قانونی داشته باشند. راه دیگر این است که پول‌ها به صورت وام داده نشود؛ بلکه به صورت هبه باشد؛ ولی در واقع هبه معوضه است که در مقابل این هبه، دیگران هم به موقع هبه خواهند کرد تا دوره کامل تمام شود. (آیت‌الله مکارم)

ج. اختصاص وام اول به مسئول صندوق

اگر وام اول، به صورت شرط و الزام، به مسئول صندوق داده شود، چه حکمی دارد؟^۱
در فرض شرط، جایز نیست. (امام خامنه ای)

در وام‌های صندوق قرض‌الحسنه ی خانگی، افراد موظف می‌شوند که به نیت دریافت وام (با قرعه کشی) مبلغی را ماهانه پرداخت نمایند. اولاً مبلغی که بصورت وام دریافت می‌شود چه حکمی دارد. ثانیاً اگر شخصی که پول‌ها را جمع می‌کند خود هم جزو افراد بوده و شرط کند که اولین وام به او داده شود به جهت این که زحمت جمع آوری پول‌ها را می‌کشد، آیا ربا محسوب می‌شود؟ ثالثاً اگر این شرط توسط بقیه اعضای صندوق انجام گیرد و مسئول صندوق و اعضای دیگر هم رضایت بدهند آیا ربا محسوب می‌شود؟

ج ۱. با توجه به این که قرض دادن در این صندوقها مشروط به قرض نیست، بلکه برای ادای دین است، اشکال ندارد. ج ۲. اشکال ندارد. ج ۳. اگر قرض دادن را مشروط کنند، ربا محسوب می‌شود.^۲

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۸۰۷۳۶۸۳۵۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۱۵۰۰۵۴.

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، متن ارسالی جهت همسان سازی پاسخگویی

در صورتی که شرط اختصاص اولین وام به مسئول صندوق همراه با رضایت و مطابق توافقی باشد که اعضای صندوق داشته‌اند، اشکالی ندارد. (آیت‌الله مکارم)

د. شرط قرعه‌کشی و تخلف از آن

اگر اعضا شرط کنند که مسئول صندوق ملزم است با قرعه‌کشی مشخص کند وام به چه کسی تعلق می‌گیرد، آیا چنین شرطی صحیح و لازم است؟ آیا مسئول صندوق حق تخلف از این شرط را دارد؟ در صورت تخلف مسئول صندوق، آیا وام‌گیرنده حق تصرف در این وام را دارد؟^۱

چون مسئول صندوق وکیل است، باید طبق آنچه موکل شرط می‌کند، عمل کند و اگر قرض‌دهندگان به چنین قرضی راضی نباشند، وام‌گیرنده حق تصرف ندارد. (امام خامنه‌ای)
باید همه اعضا به مفاد قرارداد و شروطی که می‌کنند، پایبند باشند. (آیت‌الله مکارم)

۲. شک یا اختلاف در میزان بدهکاری^۲

الف. در صورتی که انسان از بدهکاربودن خویش به کسی مطمئن باشد ولی میزان بدهی را نداند و تعیین بدهی نیز ناممکن باشد، آیا مدیون مقدار کمتر و قدر متیقن است یا مدیون مقدار بیشتر که فراق ذمه قطعی می‌آورد؟

ب. در موضوع سؤال، اگر طلبکار مبلغی را ادعا کند که برای بدهکار یقین‌آور نیست، تکلیف چیست؟
در فرض سؤال، پرداخت مقدار اقل کفایت می‌کند؛ ولی احتیاط در مصالحه است؛ مگر اینکه طلبکار حجت شرعی بر بدهی مازاد اقامه کند یا از طریق دادگاه، بدهکار به آن محکوم شود. (امام خامنه‌ای)
پرداخت اقل کافی است و چنانچه طلبکار ادعای مبلغ بیشتر را دارد، باید ادعای خود را با دلیل و مدرک معتبر ثابت کند. اگر طلبکار مدرکی نداشته باشد ولی در معرض اتهام دروغ‌گویی هم نباشد، خوب است به گونه‌ای با هم مصالحه کنند. (آیت‌الله مکارم)

۳. بررسی تشخیص مدیون در چند صورت

الف. نقدنشدن چکی که چند دست جابه‌جا شده

فردی از دیگری طلبکار است و مثلاً چک یک‌ماهه از او دارد. این فرد طلبش را نقداً به کمتر به فرد سوم می‌فروشد و چک را به او می‌دهد. فرد سوم هم طلب را به فرد چهارمی نقداً به کمتر می‌فروشد و چک را به او

۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۸۰۷۳۶۸۳۵۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۱۵۰۰۵۴.

۲. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۱۵۴۷۸۸۷۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۰۶۳۱۰۰۷۵.

می‌دهد. حال اگر در سررسید چک، بدهکار اولی حاضر نباشد چک را پاس کند، آخرین خریدار چک، برای گرفتن طلبش به چه کسی می‌تواند رجوع کند؟^۱

صادرکننده چک ضامن است. (امام خامنه ای)

چک در هر حال حواله است و نفر چهارم می‌تواند به شخصی که چک را از او خریده، مراجعه کند. (آیت‌الله مکارم)

ب. ضمان در مقبوض بالسوم

مقبوض بالسوم چیست و ضمان آن به عهده چه کسی است؟^۲

مقبوض بالسوم عبارت است از مالی که شخص از دیگری بگیرد یا نزد او قرار داده شود تا با دقت در آن، از خصوصیات آن آگاه شود و در صورت پسندیدن، آن را بخرد.

ضمان آن به عهده مشتری است: اگر مثلی باشد، ضامن مثل و اگر قیمی باشد، ضامن قیمت است. (حضرت امام)

بنا بر احتیاط واجب، ضمان بر عهده مشتری است. (آیت‌الله سیستانی)

جنس گرفته شده امانت محسوب می‌شود. چنانچه امین در نگهداری جنس کوتاهی کرده، ضامن است؛ اما اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و در استفاده از آن نیز زیاده‌روی نکرده باشد و اتفاقاً آن مال تلف شود، ضامن نیست. (آیت‌الله مکارم)^۳

ج. تلف قبل از قبض

مالی را مشتری خریده است و قبل از قبض مشتری، مال در دست بایع تلف شده است. چه کسی ضامن است؟^۴

-
۱. سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی‌ها، کد پیگیری ۷۲۴۴۸۷۸۰۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۱۲۰۰۳۵؛
 ۲. سید محمدحسن بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۵۶۳؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۷، کتاب الغصب، م ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۵۷، م ۸۱۷.
 ۳. آیت‌الله العظمی مکارم در بحث مقبوض بالسوم در رساله (م ۲۱۹۲) احتیاط کرده است؛ ولی در پاسخ به استفتای ما با کد رهگیری ۹۶۱۰۰۸۰۰۳۱ فرموده است: «جنس امانت محسوب می‌شود. چنانچه امین در نگهداری جنس کوتاهی کرده، ضامن است؛ اما اگر در نگهداری آن کوتاهی و زیاده‌روی نکرده باشد و اتفاقاً آن مال تلف شود، ضامن نیست.» با توجه به این اختلاف، در پاسخ به استفتایی با کد رهگیری ۹۶۱۰۱۸۰۰۵۴، فرموده است که استفتای اخیر را ملاک قرار دهید؛ یعنی چنانچه در نگهداری کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.
 ۴. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۶۵، م ۱۹۱؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۵۱۱۲۴۰۰۷۹.

در فرض سؤال، از مال بايع رفته است؛ لذا ثمن به مشتری بازمی‌گردد. (آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)
نکته: آیت الله سیستانی: بین علت تلف که آسمانی باشد یا زمینی، فرقی نگذاشته‌اند. ایشان تصریح کرده‌اند که اگر ثمن هم قبل از قبض فروشنده تلف شود، از مال مشتری تلف شده است.

د. ضمان در شیء تلف شده به دست بچه نابالغ

اگر بچه غیرممیز یا بچه ممیز نابالغ، مالی را خراب کند، خودش مدیون است یا پدرش؟^۱
در هر دو صورت (غیرممیز و ممیز نابالغ) خود بچه ضامن است. (امام خامنه ای)
در صورتی که ولیّ او مراقبت لازم را نکرده است، او ضامن است. در غیر این صورت، خود بچه ضامن است و باید بعد از بلوغ جبران کند. (آیت الله مکارم)

۴. حکم جست‌وجو از طلبکار و هزینه‌های آن
اگر بدهکار قصد پرداخت بدهی را داشته باشد و دسترسی به بدهکار هم ممکن باشد یا احتمال عقلایی در پیدا کردنش باشد، ولی تحقیق و جست‌وجو از طلبکار هزینه‌ها یا سختی‌های نامتعارفی داشته باشد، مثل اینکه باید بدهکار چند شهر را دنبال طلبکار بگردد یا به کشور دیگری سفر کند یا از ده‌ها نفر پرسد یا چندین جا را بررسی کند، در این حالت، چند سؤال مطرح است:

۱. اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی نکرده باشد، آیا انجام این امور بر او واجب است؟
۲. اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی کرده باشد، آیا انجام این امور بر او واجب است؟
۳. در هریک از دو فرض قبل، اگر میزان بدهی کم باشد یا هزینه جست‌وجو بیشتر از میزان بدهی باشد، آیا تحقیق واجب است؟^۲

باید برای دسترسی به طلبکار و پرداخت بدهی تلاش کند و اگر به طلبکار خود دسترسی ندارد و امید هم نداشته باشد او را پیدا کند، احتیاط واجب آن است که مقدار طلب او را با اجازه حاکم شرع به فقیر دهد؛ خواه آن فقیر سید باشد یا غیرسید. ضمناً هزینه‌های معمولی و متعارف را که برای پرداخت مطالبات در میان مردم رایج است، نمی‌تواند بگیرد؛ ولی اگر هزینه‌های فوق‌العاده‌ای بپردازد، می‌تواند آن را از طلبکار طلب کند یا از مبلغ بدهی کسر کند. (آیت الله مکارم)

۱. سیدعلی خامنه‌ای، استفتای شخصی از سایت، کد استفتا: beYOUg\1M؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۵۰۷۰۵۰۱۱۲.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری ۹۶۱۰۲۳۰۰۶۱.

۵. مسافرت مدیون^۱

اگر فرد برای ترک کار واجبی مسافرت کند، چه غرض دیگری در سفر داشته یا نه، نمازش کامل است؛ پس کسی که شرعاً بدهکار است و سررسید پرداخت بدهی‌اش فرارسیده است، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و برای فرار از دادن قرض، مسافرت کند، باید نماز را کامل بخواند؛ ولی اگر سفرش برای کار دیگری است، هرچند در سفر واجب نیز ترک شود، باید نماز را شکسته بخواند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)

نکته: اگر مسافرت مدیون با کسب و کار و کسب درآمد به منظور پرداخت بدهی منافات داشته باشد، عنوان «کسب و کار و تلاش برای پرداخت بدهی» از همین نوشته را ملاحظه کنید.

۶. شکستن نماز واجب به اختیار برای پرداخت بدهی طلبکار^۲

اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او بخواهد، چنانچه بتواند در بین نماز طلبش را بدهد، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد؛ بعد نماز را بخواند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)

هرگاه مشغول نماز باشد و طلبکاری طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد و صورت نماز به هم نخورد، بهتر است در همان حال بپردازد؛ ولی اگر بدون شکستن نماز ممکن نیست، صبر کند تا نماز تمام شود و این مقدار تأخیر با فوریت ادای دین منافات ندارد؛ مگر اینکه ضرورت خاصی داشته باشد؛ مثل اینکه همراهان و همسفران طلبکار می‌روند و او به زحمت می‌افتد. (آیت الله مکارم)

۷. پرداخت بدهی افراد فاجر، ضدانقلاب و...

فردی مبلغ ۹۰۰ تومان از یک یهودی ضدانقلاب در زمان طاغوت گرفته بود. آیا فعلاً باید مبلغ فوق را به آن یهودی بپردازد؟^۳

بدهی را باید ادا کند. (حضرت امام)

۸. وام قرض الحسنه به صورت عضوگیری شبکه‌ای^۴

صندوق قرض الحسنه‌ای، با شروط زیر و با هدف پرداخت وام ۷۰۰ هزار تومانی به افراد، تأسیس شده است:

۱. متقاضی باید برای ثبت نام اولیه مبلغ ۳ هزار تومان به صندوق کارمزد بپردازد.

۱. سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۲۹۷؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، فصل فی صلاة المسافر، الشرط الخامس.

۲. سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۱۶۱.

۳. سید روح الله خمینی، استفتائات، ج ۶، کتاب دین و قرض، ص ۴۹۴، س ۷۶۶۵.

۴. ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، احکام قرض الحسنه، وام قرض الحسنه به صورت عضوگیری شبکه‌ای.

۲. هر متقاضی باید سه نفر دیگر را که نیازمند وام هستند، معرفی کند و آن‌ها نیز هر کدام مبلغ ۳ هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازند.

۳. این روند باید همچنان ادامه پیدا کند تا متقاضی اول به ردیف هفتم ارتقا یابد. در این صورت، وی می‌تواند برای دریافت وام اقدام کند.

۴. صندوق قرض الحسنه به جز کارمزد یادشده، هیچ‌گونه بهره‌ای از دریافت‌کنندگان وام نمی‌گیرد. عملیات اقتصادی مذکور از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

این کار در واقع شبیه به نوعی قمار و لاتاری پیچیده است و متأسفانه از غرب آمده است. نتیجه آن این است که در مرحله اول بیش از ۶ میلیون تومان کارمزد دریافت می‌شود و ۷۰۰ هزار تومان وام داده می‌شود که آن هم به کیسه مؤسسه برمی‌گردد! کارمزد عبارت است از حق الزحمه عادلانه کسانی که در آن مؤسسه کاری انجام می‌دهند که به مقدار کارشان باید به آن‌ها مزدی داد. بر درآمد ۶ میلیون تومانی در یک مرحله، گذاشتن نام کارمزد نوعی فریب است. (آیت‌الله مکارم)